

۱ در ابیات زیر چند غلط املائی وجود دارد؟

- الف) گر نبودی شرف ذات تو منظور قضا
ب) در سنای تو سخن را نرسد غیر گداز
ج) این قدر هست که کف بر لب جان می آرم
د) تا بود حسن عمل رهبر عالم به بهشت

۱ یک ۲ دو ۳ سه ۴ چهار

۲ در کدام بیت، غلط املائی وجود دارد؟

- ۱ زهی ستوده خصالی که بر تو می‌زیبد
۲ یکی شیر شرزه به چنگال تیز
۳ و گر به خواست وی آید همی گناه از ما
۴ گر ناقه را نه نالهٔ مجنون شدی خدی
- به جمع حور و پری دعوی حیا کردن
ز چنگش کجا خواستی رستخیز
نه‌ایم عاصی بل نیک و خوب کرداریم
کی می‌ربود از کف لیلی زمام را

۳ کاربرد معنایی «یقین» در کدام بیت متفاوت است؟

- ۱ یقین، مرد را دیده، بیننده کرد
۲ عیان بین باش نه خود بین در این راه
۳ یقین جوی و یقین از دست مگذار
۴ اگر عین یقین اینجا نباشد
- شد و تکیه بر آفریننده کرد
که خود بین را یقین راند همی شاه
یقین بنمایدت ناگاه دیدار
در این ره مرد دل دانا نباشد

۴ معنی «ننگ» در کدام بیت با سایر ابیات تفاوت دارد؟

- ۱ فخری که از وسیلت دون همتی رسد
۲ جان بر کف دست آمده تا روی تو بیند
۳ امثال تو از صحبت ما ننگ ندارند
۴ گر تو را کامی بر آید دیر زود از وصل یار
- گر نام و ننگ داری، از آن فخر، عار دار
خود شرم نمی‌آیدش از ننگ بضاعت
جای مگس است این همه حلوا که تو داری
بعد از آن نامت به رسوایی بر آید ننگ نیست

۵ در کدام گزینه معنای یک یا چند واژه نادرست است؟

- ۱ مرشد: سالک / شبگرد: شبرو / صنم: بُت / عازم: راهی
۲ رضوان: بهشت / متفق: هم‌سو / مناسک: جاهای عبادت / بذله‌گو: لطیفه‌پرداز
۳ شاب: برنا / چاپک: فرزند / وعظ: اندرز / تَمَط: تَمَط
- ۴ آماس: تورم / گیوه: پای‌افزار / محضر: محل حضور / تحفه: ارمغان

۶ در عبارت «نیک بندگی و پاک روشنی او در راه خدمت محقق آمد و به انواع کرامات بهره‌ور و محرم اسرار گشت تا به حدی که دمنه را بر مقام تقدّم او رشک بیفزود اما اظهار کردن صلاح ندانست. تا که روزی کلیله را گفت: همت بر فراغ شیر مقصور گردانیدم و در نصیب خویش غافل بودم بکوشم تا او را در گردانم که سستی را در مذهب همیت جایز نینم». چند غلط املائی وجود دارد؟

۱ یک ۲ دو ۳ سه ۴ چهار



۷) معنای چند واژه از میان واژه‌های زیر، درست است؟

(حکمت: دانا) - (تفرّج: پراکندگی) - (چنگ: نوعی ساز) - (حلاوت: شیرین) - (نگون بخت: تیره روزی) - (زنخدا: صورت) - (صورت: باطن) - (شوریده رنگ: خرسند) - (محراب: قبله)

۴) پنج

۳) چهار

۲) سه

۱) دو

۸) در کدام گزینه غلط املائی یافت می‌شود؟

- ۱) تویی آن کس که کشیده است بر اوراق فلک
- ۲) گویا باور نمی‌دارند روز داوری
- ۳) وقت عزیز رفت بیا تا قضا کنیم
- ۴) واعظان کاین جلوه در مهراب و منبر می‌کنند
- خطوات قلمت خط خطا بر احکام
- کاین همه قلب و دغل در کار داور می‌کنند
- عمری که بی‌حضور صراحی و جام رفت
- چون به خلوت می‌روند آن کار دیگر می‌کنند

۹) معنی چند واژه در کمانک مقابل آن درست ذکر شده است؟

افکار (زخمی) / چاشتگاه (شب‌گیر) / خیر خیر (بیهوده) / ضیعت (روشن) / سرسام (هذیان) / فراخ (آسودگی) / محبوب (دستور) / ندیم (همنشین) / شرع (خیابان)

۴) پنج

۳) چهار

۲) سه

۱) دو

۱۰) کدام بیت فاقد غلط املائی است؟

- ۱) دانش به از ضیا و به از جاه و ملک
- ۲) شاها اگر به عرش رسانم صریر فضل
- ۳) مسطور و مست هر دو چو از یک قبیله‌اند
- ۴) رایت شاهان را صورت شیر است و پلنگ
- این خاطر خطیر چنین گفت مر مرا
- مملوک این جنابم و مسکین این درم
- ما دل به عشوه که دهیم اختیار چیست؟
- بر سر رایت او سورت فتح و ظفر است

۱۱) در متن زیر چند غلط املائی وجود دارد؟

«وزیر گفت: هر آنچه از اوامر و نواهی، فرمودی از سر تعملات درونی و فراست بود. و زبده کلمات با فصاحت و عمدۀ قواعد بلاغت فرمان پذیرم. امید است که این منشأً لعالی دولت تازه و سعادت نو باشد و از علامات قبض و بسط شاه صفاتی چند بر تو شمارم تا مراقب خطرات و مواظب اوقات باشی که از آن حذر باید کرد.»

۴) دو

۳) سه

۲) چهار

۱) یک

۱۲) در همه ابیات به جز بیت گزینۀ غلط املائی وجود دارد.

- ۱) معاشران همه بهر خدا ثواب کنید
- ۲) برخاست ز آب دیده‌ما هر طرف حباب
- ۳) از بهر مدح من به ثنایت در این محیط
- ۴) مده در عالم پر شور دامان رضا از کف
- حدیث نقض مرا زینت کتاب کنید
- زد خیمه در نواحی ما لشکر فراق
- هر جا سفینه‌ای است، کنون غرق گوهر است
- که ساحل می‌کند تسلیم این دریای حایل را

۱۳) در کدام گزینه غلط املائی دیده می‌شود؟

- ۱) نوری از پاهای او ساطع می‌شود. ماهی‌ها به دور پاهای علی طواف می‌کنند.
- ۲) کلوخی فراهم نهاد تا قلیه‌ای بکند. سگی بیامد سر در دیگ کرد و از سوزش دیگ به آهنگ خواست و دیگ را ببرد.
- ۳) چون عمرو بن لیث به در بلخ شکست خورد، هفتاد هزار سوار او پس از مصاف با سامانیان به هزیمت رفتند.
- ۴) به سابقۀ معرفتی که میان ما بود صورت حالش بگفتم تا لطف طبعش بدیدند و حسن تدبیرش بشنیدند و به کاری مختصرش نصب کردند.

۱۴) در کدام گزینه غلط املائی وجود ندارد؟

- ۱) فکنده پهن بساطی به زیر پای نشاط
- ۲) چه غزا ما بی غزا خود کشته‌ایم
- ۳) او ز تو آهن همی خوابید به خشم
- ۴) دل تاب‌خانه‌ای است که هر ساعتی در او
- به عمر کوتاه و دور و دراز کرده عمل
- ما به تیغ فقر بی‌سر گشته‌ایم
- او همی جوید تو را با بیست چشم
- شمع خزانه ملکوت افکند ضیاع



۱۵ در عبارت «خیال می کردم عینک مثل تعلیمی و کراوات یک چیز فرنگی معایبی است که مردانِ متمدن برای قشنگی به چشم می گزارند، اطرافیان من مسحور بازی های او بودند اما من درست نمی دیدم. اشباهی به چشمم می خورد ولی تشخیص نمی دادم، دیگران غفلت های مرا که ناشی از نایبانی بود، حمل بر محملی و ولنگاری ام می کردند» چند غلط املائی هست؟

- ۱ یک ۲ دو ۳ سه ۴ چهار

۱۶ معنای درست واژه های «زنخدان، عمل، دَغَل، صُنْع» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- ۱ گردن، آرزو، مگار، آفریدن ۲ چانه، کار، حيله گر، آفرینش ۳ گردن، آرزو، مکر، حرفه ۴ چانه، کار، دروغ، آفریننده

۱۷ در کدام گزینه معنی تمام واژه ها درست است؟

- ۱ (جیب: جبین)، (توقیع: امضا کردن فرمان)، (فروماندن: متحیر شدن) ۲ (خیر خیر: سریع)، (شوریده رنگ: آشفته حال)، (منع: آفریده)
۳ (همت: سعی)، (توفیق: سازگار گردانیدن)، (قرین: یاری) ۴ (دغل: مکر)، (سور: جشن)، (زایل شدن: افزایش یافتن)

۱۸ در همه گزینه ها به جز گزینه واژه «بار» معنای یکسانی دارد.

- ۱ احتمال نیش کردن واجب است از بهر نوش ۲ حمل کوه بیستون بر یاد شیرین بار نیست
۳ در حریم پاک بازان بوریا را بار نیست ۴ فقر را با نقش بندان تعلق کار نیست
۳ نیست ره در محفلش مشتاق را کاین بارگاه ۴ بارگاه شه بود اینجا گدا را بار نیست
۴ با خیال روی او در پرده شرم و حیا ۴ خلوتی دارم که بوی پیرهن را بار نیست

۱۹ کاربرد واژه «محبوب» در کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

- ۱ نرگس که سرافکنده به پیش، آفت دل هاست ۲ کی دل برد آن دیده که محبوب نباشد
۲ بر سر خوان وصالش دل محبوب مرا ۲ تنگ دستی است که یاری سؤالش نبود
۳ حسن او پیداست ما محبوب هستی خودیم ۳ شد حجاب روی جانان پرده پندار ما
۴ گاهی نظر تو با من محبوب می کنی ۴ گم می کنی نگاه ولی خوب می کنی

۲۰ در میان واژه های زیر، چند واژه درست معنا شده اند؟

(خنده = مشهور)، (تلبیس = دروغ، نیرنگ سازی)، (تازی = ترک)، (مشعشع = تابان)، (مذلت = گناه)، (پرورده = سالم)، (کوشک = قصر)، (رأفت = مهربانی)

- ۱ چهار ۲ پنج ۳ شش ۴ هفت

۲۱ معنی واژه های «سیماب، تازی، پایاب، افسر» در کدام گزینه تماماً درست است؟

- ۱ به رنگ جیوه، لفظی ترکی، غرقاب، تاج ۲ جیوه، عرب، قسمت کم عمق رودخانه، کلاه پادشاهان
۳ جیوه ای، غیر ترک، ته آب، صاحب منصب ۴ جیوه، عربی، کنار دریا، تاج بلند

۲۲ در متن زیر چند غلط املائی وجود دارد؟

«و هر که از همیت بهره ندارد، از شرف انسانیت محروم باشد و قافله سالار کاروان ضلال گردد و آن که گوید قناعت از دناعت همت و قلت مروّت باشد، نداند که رضا به قضا اصل مناعت طبع است و قدم گذاردن در طلب زیادت، منسوب شدن به حرص است و پرهیز از آن. موجب فراغ دل و صلاح کار.»

- ۱ یک ۲ دو ۳ سه ۴ چهار

۲۳ در متن «دمنه گفت: می اندیشم که به لطایف حیل بکوشم تا او را در گردانم که احوال و تقصیر در مذهب حمیت رخصت نبینم و منزلتی نمی جویم که به حرص منصوب شوم. دمنه از زیارت شیر تقاعد نمود تا روزی فرصت جست و پیش او رفت. شیر گفت خیر هست؟ گفت آری، در حال فراق خلوتی راست آید. گفت: این ساعت وقت است. دمنه گفت: خردمند را چاره نباشد از گذارد حق.» چند غلط املائی وجود دارد؟

- ۱ دو ۲ چهار ۳ سه ۴ پنج



۲۴ در کدام گزینه غلط املائی یافت می‌شود؟

- ۱ به گداز ماه منگر به گسستگی زهره
- ۲ آن که جامهٔ قدرتش را در ازل نساج صنع
- ۳ به دولتت شود آزاد گردنم از غرض
- ۴ آزارجو عزیز بود، لطف جوی خوار
- تو حلاوت غمش بین که یکش هزار بادا
- از مشیت رشت پود و از حمیت بافت تار
- به همتت شود آسوده خاطر ز عقاب
- این است طبع دهر، دلت مضطرب چراست؟

۲۵ در متن «آن‌گاه آگاه شدند که غرقه خاست شد. بانگ و هزارهز و غریو برخواست و اضطرابی و تشویشی بزرگ به پای شد. دیگر روز، امیر بر این حادثه‌ی بزرگ و صعب که افتاد و سلامت که به آن مقرون شد، مثال داد تا دو هزار هزار درم به مستحقان دهند و نامه نبشته شد و به توقیع مؤکد گشت.» چند غلط املائی هست؟

- ۱ یک ۲ دو ۳ سه ۴ چهار

۲۶ در عبارت «پادشاه زاده‌ای را که علامات اقبال و عمارات دولت در افعال وی واضح است و در عمارت دستی چون ابر نیسان مبارک دارد و کاردان وافر حزم، کامل خرد و صایب رای باشد باید قدر دانند و شکر آن به سزاتر بگذارند.» چند غلط املائی هست؟

- ۱ یک ۲ دو ۳ سه ۴ چهار

۲۷ در کدام بیت غلط املائی وجود دارد؟

- ۱ این غول روی بسته‌کوته نظر فریب
- ۲ تو قدر فضل شناسی که اهل فضلی و دانش
- ۳ از درد فراق ای به لب شگر ناب
- ۴ اگر خواهی گذشتن از صراط آسان شود بر تو
- دل می‌برد به غالیه اندوه چادری
- شبه فروش چه داند بهای درّ ثمین را
- نی چشم مرا فروغ و نی در شب خواب
- قدم بیرون منه زنهار از راه ثواب این جا

۲۸ در گروه کلمات کدام گزینه غلط املائی کم‌تری وجود دارد؟

- ۱ حادثهٔ صعب، تأتی و درنگ، حرف‌های مشمعزکننده، ماء معین، کلام مزبور
- ۲ وحلهٔ اول، لعامت و پستی، گماشته و منصوب، صغیر گلوله، نغز و دلکش
- ۳ حوزهٔ آبریز، ثمن خانه، حال و آجل، ابطال و الفا، عزل و نصب
- ۴ اوامر و نواهی، حایل و مانع، شبه درخت، ادارهٔ مطبوع، ذرع و پیمان

۲۹ در عبارت «در آداب با رفیقان و مصاحبان در سفر و حضر: باید که پیوسته راحت ایشان ایثار کند بر راحت خویش و پیوسته مُتابع و مُساعد باشد و هرگز طمع مطبوعی ندارد و هرچه از بزرگان ببندد به حسن الطّتی تلقّی کند و زود به عیب و عجز مقرر گردد و الحاح نکند و به صدقِ نیت استغفار کند و در همهٔ احوال محکوم و مأمور باشد و مستمع و مستفید و طالب. و جدّ را بر هزل غالب دارد.» چند غلط املائی هست؟

- ۱ یک ۲ چهار ۳ سه ۴ دو

۳۰ معنی چند واژه در مقابل آن نادرست آمده است؟

(اجنبی: بیگانگان)، (بختک: کابوس)، (رأفت: شفقت)، (غیرت: حمیت)، (نهیب: حیرت)، (زبونی: فرومایگی)، (درایت: لیاقت)، (ولایت: خطّه)، (تسخیر: چیرگی)

- ۱ یک ۲ دو ۳ سه ۴ چهار

۳۱ معنای واژگان «کوشک، اذن، حمیت، خطّه» در کدام گزینه آمده است؟

- ۱ قصر، فرمان، اراده، مرز
- ۲ هر بنای رفیع، فرمان، تعصب، شهرستان امروزی
- ۳ قصر، اجازه، غیرت، جایگاه
- ۴ هر بنای بلند، اجازه، پهلوانی، ولایت

۳۲ در کدام بیت واژه‌ای هم معنا با «گر» در بیت «تو شاهی و گر اژدها پیکری / بیاید بدین داستان داوری» آمده است؟

- ۱ این کیست این، این کیست این، این یوسف ثانی است این / خضر است و الیاس این مگر یا آب حیوان است این
- ۲ تنگ شکر را ماند این سودای سر را ماند این / آن سیم‌بر را ماند این شادی و آسانی است این
- ۳ هر جا یکی گویی بود در حکم چوگان می‌دود / چون گوی شو بی‌دست‌وپا هنگام وحدانی است این
- ۴ آن آب باز آمد به جو بر سنگ زن اکنون سبو / سجده کن و چیزی مگو کاین بزم سلطانی است این



۳۳ در میان واژگان زیر چند واژه از ابزار آلات جنگی نیست؟

«ترگ - درع - خود - فوج - گبر - سلیح - مزیح - سنان - بارگی - کوس - زه - گُرد - کمند»

- ۱ سه ۲ چهار ۳ پنج ۴ شش

۳۴ در گروه لغات زیر چند واژه نادرست معنی شده اند؟

«فراخور (لایق) - زه آب (قنات) - ورطه (گور) - تعجیل (شتاب) - التفات (توجه) - اصحاب (یاران) - حدیث (سخن) - مناصحت (دوستی) - حاجت (نیاز) - ثقت (اعتماد)»

- ۱ یک ۲ دو ۳ سه ۴ چهار

۳۵ در عبارت «وضع تر از صدقا آن است که در حال شدت و نکبت صداقت را مهمل گذارد و غافل ترمولوک آن است که در اهتمام رعایا نکوشد و عهود و موافق ملک را نغز گرداند تا خصم همچون سباع غالب و ملک مخذول گردد» چند غلط املائی وجود دارد؟

- ۱ دو ۲ سه ۳ چهار ۴ پنج

۳۶ با توجه به متن زیر، املائی کدام واژه‌ها همگی غلط است؟

«شگال گفت: من از مذلت این تهمت بیرون نیایم، تا ملک حیلتی نسازد که صحت حال و روشنی کار بدان بشناسد، با آن که به براعت ساحت و کمال دیانت خویش سقطی تمام دارم و متیقنم که هر چند حزم بیش تر شود، مزیت و رجحان من در اخلاص و مناصحت بر همه حشم و خدم ظاهر تر گردد.»

- ۱ مذلت، متیقن ۲ براعت، سقط ۳ حزم، مناصحت ۴ رجحان، ساحت

۳۷ معنای چند واژه نادرست آمده است؟

«مسامحه: ساده‌انگاری، (مطلق: بی شرط)، (استخلاص: خلاصه کردن)، (صورتک: نقاب)، (خایب: نگران)، (چنبر: حلقه)، (الحاح: درخواست شده)، (فایق: پیروز)، (ریاحین: گل خوش بو)»

- ۱ دو ۲ سه ۳ چهار ۴ پنج

۳۸ در میان واژگان زیر، معنای چند واژه نادرست آمده است؟

«متجددانه: روشن فکرانه، (برزیکر: دهقان)، (مسامحه: فریب)، (رفعت: بلند)، (تیمار: مراقبت)، (مسحور: سحر شدن)، (یغور: ستبر)، (شوربا: آش ساده)»

- ۱ یک ۲ دو ۳ سه ۴ چهار

۳۹ معنی واژگان «ارک، مسامحه، تلمذ، تأثر» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- ۱ قلعه، مجادله، آموختن، اثرپذیری ۲ دژ، آسان گرفتن، شاگردی کردن، اندوه
۳ قلعه، ساده‌انگاری، لذت بردن، اهمیت ۴ ساختمان، ساده گرفتن، استفاده، اندوه

۴۰ در همه ابیات واژه‌ای یافت می‌شود که «هم‌آوا» دارد؛ به جز:

- ۱ به لب چون برد راج ارغوانی ۲ تو صیدی افکنی بر خاک چالاک
۳ در او رضوان به منت گشته مزدور ۴ نگون از کوه سیل از ابر آزار
۵ به کوثر داد آب زندگانی ۶ نبندی از غرور او را به فتراک
۷ ز خاکش برده عطر طره حور ۸ تو گفتی کوه‌کن گرید به کسار

۴۱ فعل «شد» در همه ابیات فعل غیراسنادی است به جز گزینه:

- ۱ این تطاول که کشید از غم هجران بلبل ۲ مرا روز ازل کاری به جز رندی نفرمودند
۳ مگر ز مسجد به خرابات شدم خرده مگیر ۴ رقیب آزارها فرمود و جای آشتی نگذاشت
۵ تا سرا پرده گل نعره زنان خواهد شد ۶ هر آن قسمت که آنجا رفت از آن افزون نخواهد شد
۷ مجلس وعظ دراز است و زمان خواهد شد ۸ مگر آه سحر خیزان سوی گردون نخواهد شد



۴۲) معنی واژه‌های مشخص شده در کدام گزینه نادرست است؟

- ۱) مبین به سیب زرخدان که چاه در راه است
- ۲) زینهار از قرین بد زینهار
- ۳) روزم به آخر آمد و روزی نژاد نیز
- ۴) چه باید نازش و نالش بر اقبالی و ادباری
- کجا همی روی ای دل بدین شتاب کجا؟ (چانه و صورت)
- وَقِنَا رَبَّنَا عَذَابَ النَّارِ (هم نشین)
- زانگونه روزگار که آن روزگار بود (یک روز)
- که تا برهم زنی دیده نه این بینی نه آن بینی (خوشبختی)

۴۳) معنای واژه «چنگ» در همهٔ گزینه‌ها یکسان است به جز گزینهٔ

- ۱) زدیم در خم زلف گره گشای تو چنگ
- ۲) چشمم به روی ساقی و گوشم به قول چنگ
- ۳) همچو چنگ ار به کناری ندهی کام دلم
- ۴) ببین که رقص کنان می‌رود به نالهٔ چنگ
- که مفلسیم و نداریم هیچ دستاویز
- فالی به چشم و گوش درین باب می‌زدم
- از لب خویش چو نی یک نفس بنوازم
- کسی که رُخصه نغمودی استماع سماع

۴۴) معنای کلمهٔ مشخص شده در بیت نادرست است.

- ۱) خدا را بر آن بنده بخشایش است
- ۲) چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر
- ۳) برو شیر درنده باش ای دغل
- ۴) یقین مرد را دیده، بیننده کرد
- که خلق از وجودش در آسایش است (کرم)
- چه باشی چو روبه به وامانده سیر (پس مانده)
- مینداز خود را چو روباه شل (مکار)
- شد و تکیه بر آفریننده کرد (چشم)

۴۵) در میان واژه‌های زیر معنی چند واژه نادرست است؟

(زرخدان: چاه)، (صنع: آفرینش)، (گران: سنگین)، (حمیت: عزم)، (جیب: یقه)، (شغال: جانوری از تیرهٔ گرگان که جزء رستهٔ گوشت‌خواران است)، (چنگ: نوعی ساز که سر آن خمیده است و یک تار دارد)، (دون‌همت: عاجز)، (اذن: اجازه)، (گداختن: ذوب کردن)

- ۱) پنج ۲) دو ۳) سه ۴) چهار

۴۶) معنای ذکرشده برای واژگان درون کمانک در چند مورد نادرست است؟

(اقبال: سعادت) (نژند: زبون) (چاشنی: مزه) (تیره‌رای: گمراهی) (ادبار: تدبیر کردن) (چنگ: نوعی ساز) (توفیق: سازگار گردانیدن)

- ۱) یک ۲) دو ۳) سه ۴) چهار

۴۷) در گروه لغات زیر چند واژه نادرست معنی شده‌اند؟

راغ(دشت) - عرصه(میدان) - مخزن(گنج) - شاهد(محب) - روضه(زیبا رو) - خرام(گرازان) - متقارب(واگرا) - خطوه(قدم) - خامی(با تجربگی)

- ۱) ۱ ۲) ۲ ۳) ۳ ۴) ۵

۴۸) در بیت کدام گزینه غلط املایی وجود ندارد؟

- ۱) تا برآید ناگهان صبح اجل
- ۲) پیاده نگردد که آر آیدش
- ۳) یا غرض من از خزانهٔ غیب رسان
- ۴) بسیار چو تو روند و بسیار آیند
- وارهد از ظلمت ظنّ و دغل
- ز شاهی تن خویش خوار آیدش
- یا از کرم خودت مرا ساز غنی
- بربای نصیب خیش کت بربایند

۴۹) معادل واژهٔ «توقع» در کدام گزینه یافت می‌شود؟

- ۱) امضا شده ۲) مهر کردن نامه ۳) توقع داشتن ۴) مهر شده

۵۰) در کدام گروه از کلمات، غلط املایی کم‌تری وجود دارد؟

- ۱) فرمان و مثال دادن - حادثهٔ سعب - قرین و مغرون - برطرف شدن و زایل - سوغات و تحفه
- ۲) قریب و متقارب - فراق و آسودگی - صائب و درست - گذاردن حق - مصطفی و برگزیده
- ۳) مسرت و سور - مستور و محبوب - هلال بی شبهت - تحفهٔ الاحرار جامی - غازی و غزو
- ۴) هشم و ندیم - خاستن و به وجود آمدن - کراهیت و ناپسندی - تاس‌های بزرگ - عقد و مخنغه



۵۱ در کدام گزینه رابطه معنایی «تناسب» بین واژگان وجود ندارد؟

- ۱ فرود سرای، تخت، پادشاه ۲ سرسام، تب، اطبا ۳ توقیع، رقعت، قلم ۴ مؤکد، مبشر، کراهیت

۵۲ در همه گزینه‌ها به جز گزینه معنای همه واژگان صحیح آمده است.

- ۱ (منسک: جای عبادت حاجی)، (علت: بیماری)، (غریو: بانگ) ۲ (فراخ: آسوده)، (صلت: بخشش)، (نماز پیشین: نماز صبح)
۳ (کران: کنار)، (محبوب: مستور)، (زر پاره: قراضه زر) ۴ (مرثیه: مرده ستایی)، (ادبار: پشت کردن)، (مقرون: پیوسته)

۵۳ کدام عبارت فاقد غلط املایی است؟

- ۱ آن ابر است که عالمیان را از جمال چهره من مهجوب گرداند. ۲ به واسطه این جثه قوی آن صید حلال از دست من بیرون شد.
۳ وقتی در کشتی خواست نشستن، دو رکعت نماز بگذارد. ۴ در خورد و بزرگ اعمال، بی مشاورت من درنگ کردن، جایز نشمرده است.

۵۴ معنی واژه «مثال» در کدام گزینه متفاوت آمده است؟

- ۱ بخندید پرویز و دادش مثال ۲ زهی بر کار و ساکن تو به ظاهر
۳ در آکنده ز شادی‌ها درون چاکران خود ۴ مثال چرخ و خاک بارگاهش
۵ که گردد مضاعف بر او آن نوال (=بخشش) ۶ مثال مرهمی در کار کردن
۷ مثال دانه‌های دُر که باشد در انار ای دل ۸ حدیث تشنه و آب زلال

۵۵ تمام معنای مقابل کدام واژه‌ها، درست است؟

- الف) مقرون: پیوسته، قرینه ب) مؤکد: تأکیدشده، استوار
ج) متفق: موافق، همگرا د) تمکن: توانگر، ثروت
هـ) محبوب: پنهان، مستور

- ۱ الف، هـ ۲ ب، د ۳ ب، هـ ۴ ج، ب

۵۶ در کدام گزینه همه معنای مقابل واژه درست است؟

- ۱ حرب: نزاع، شمشیر، نیزه ۲ توقیع: فرمان، مهر کردن، نامه کوتاه ۳ غیرت: رشک بردن، حمیت، تعصب ۴ مقرّر: معلوم، تعیین‌شده، اقرارکننده

۵۷ معنای چند واژه نادرست است؟

- (توفیق: سازگار گردانیدن)، (جیب: گریبان)، (زنخدان: پیشانی)، (توقیع کردن: چشم‌داشتن)، (روضه: تعزیه)، (مخنقه: گردن‌بند)، (وزر: گناه)، (یوز: شکارچی)، (باره: اسب)، (کافی: باکفایت)، (رایت: بیرق)

- ۱ چهار ۲ پنج ۳ دو ۴ سه

۵۸ معنای چند واژه در کمانک روبه‌روی آن نادرست است؟

- محضر (حاضر شونده)، متفق (موافق)، رضوان (نگهبان بهشت)، ملک (صاحب)، وعظ (اندرزدهنده)، کبریا (بارگاه خداوندی)، زهد (پارسایی)

- ۱ یک ۲ دو ۳ سه ۴ چهار

۵۹ معنی چند واژه، در مقابل آن نادرست است؟

- (چاشنی: طعم)، (صنع: احسان)، (مخنقه: عقد)، (فام: رنگ)، (افگار: خسته)، (سور: روشنایی)، (شبگرد: شبرو)، (لقا: سیما)، (طعن: سرزنش کردن)، (برزن: محله)

- ۱ یک ۲ دو ۳ سه ۴ چهار

۶۰ در کدام گزینه معنی بعضی از واژه‌ها نادرست است؟

- ۱ (ادبار: پشت کردن)، (تمکن: ثروت)، (محمل: مهد) ۲ (سیماب: جیوه)، (تلیس: نیرنگ‌سازی)، (صباح: زیبایی)
۳ (شرع: خیمه)، (کراهیت: ناپسند)، (وبال: گناه) ۴ (صلت: بخشش)، (غریو: بانگ)، (علت: بیماری)

۶۱ معنای داده شده برای هر یک از واژه‌ها کاملاً درست است؛ به جز:

- ۱ (اجنبی: بیگانه، خارجی) ۲ (غیرت: هیبت، تعصب) ۳ (ولایت: خطه، شهرستان) ۴ (افسر: صاحب منصب، کلاه پادشاهان)



۶۲ در کدام گزینه معنای تمام واژه‌ها درست آمده است؟

- ۱ (برنشتن: سوارشدن)، (مناسک: جای عبادت)، (مهمات: کارهای خفیه)
۲ (مقرون: همراه)، (نماز پیشین: نماز صبح)، (وبال: گناه)
۳ (شوریده‌رنگ: آشفته‌حال)، (عقد: پیمان)، (رقعه: نامه کوتاه)
۴ (ادبار: پشت کردن)، (تیره‌رایی: ناراستی)، (نژد: اندوهگین)

۶۳ در کدام گزینه غلط املایی وجود دارد؟

- ۱ طبیب را چون روز شود بگیرند و نزدیک این مستسقی برند.
۲ بعضی مشایخ او را مهجور کردند از جهت مذهب و دین.
۳ غم و ضجرتی سخت بر من دست یافت.
۴ هر عصب و فکر به منع بی‌شاعبه ایمان وصل بود.

۶۴ در گروه لغات زیر چند واژه نادرست معنی شده‌اند؟

بارقه (آتش‌فشان) - متمکن (ثروتمند) - بحران (آشفته‌گی) - بی‌شائبه (بی‌عیب و نقص) - طبخ (آشپزی) - منقل (آتش‌دان) - عوارض (حوادث) - غم‌گسار (غم‌آور) - فصول (فصل‌ها)

- ۱ ۱ ۲ ۲ ۳ ۳ ۴ ۴

۶۵ در گروه لغات زیر چند واژه نادرست معنی شده‌اند؟

شاب (جوانی) - حجره (کلبه) - صافی (تصفیه‌کننده) - سیه فام (سیه رنگ) - عصاره (چکیده) - قوز (خمیدگی پشت) - استسقا (طلب صلح) - پالیز (جالیز) - کارآزموده (باتجربه)

- ۱ ۳ ۲ ۲ ۳ ۳ ۴ ۴

۶۶ در گروه کلمات زیر چند غلط املایی و رسم‌خطی وجود دارد؟

«تشرّع و عرفان - حفره و سوراخ - اندرزی و تمثیلی - شیرخواره‌گی و نوزادی - سراچه ذهن - شیر آغوز - سنایی غزنوی - قوز کردن - جرئت کردن - به قدر کافی»

- ۱ یک ۲ دو ۳ سه ۴ چهار

۶۷ در متن «این طایفه، سالکان طریقت و طالبان حقیقت‌اند که در انوار الهی افتادند، گاه در سراپرده الله هست، گاه از هلاوت حیّ رحمان سرمست، گاه از منت رحیم پست، گاه هست جمال احدیت و گاه نیست کمال صمدیت گشتند. و گاه در روزه الفت از شراب قربت سرمست شدند.» چند غلط املایی یافت می‌شود؟

- ۱ یک ۲ دو ۳ سه ۴ چهار

۶۸ معنای چند واژه با توجه به املاي آن‌ها نادرست است؟

(شائبه: شک)، (شاب: پیر)، (استسقا: آب خوردن)، (مساعت: تلاش)، (گیوه: پای‌افزار)، (آماس: اضطراب)، (صباح: زیبایی)، (لفاف: کاغذی با جنس شبیه پارچه)

- ۱ چهار ۲ دو ۳ سه ۴ پنج

۶۹ با توجه به عبارت، به ترتیب معنی و هم‌خانواده واژه مشخص شده در کدام گزینه نادرست است؟

- ۱ خواندن گلستان مرا به سوی تقلید از سبک مسجع سوق داد. (آهنگین، تسجیع)
۲ بیابان بود و تابستان و آب سرد و استسقا: (نوعی بیماری - سقا)
۳ گفتارش با مقداری ظرافت و نقل همراه بود: (داستان - نقّال)
۴ خاله‌ام با همه تمکّنی که داشت: (مکان - کمین)

۷۰ در موارد کدام گزینه معنی همه واژگان درست است؟

- الف (تیره‌رایی: ناراستی)، (مناسک: جای عبادت حاجیان)
ب (رایت: درفش)، (تازیک: غیر ترک)
ج (ضیعت: زمین زراعتی)، (استسقا: آب دادن)
د (نهیب: هراس)، (سست عنصر: کاهل)

- ۱ الف، ج ۲ الف، د ۳ ج، ب ۴ ب، د

۷۱ معنای واژه‌های «محمل، سرشت، رایت، موسم» در کدام گزینه آمده است؟

- ۱ مهد، آفریده، درفش، زمان ۲ کجاده، آفرینش، بیرق، هنگام ۳ بیهوده، طبع، خردمندی، وقت ۴ مهد، فطرت، پرچم، زمانه

۷۲) در عبارت «چون مضمون ضمائر این طایفه را می‌دانست ایشان را به انواع تحذیر از آن اندیشه منع می‌کرد. پس هریک با کینه ای در سینه مسطور ترک مواصلت او کردند. سپس تفرّق و اختلاف به تعلّق و اعتلاف مبدّل گشت و فرمان او را متابع گشتند.» چند غلط املایی وجود دارد؟

- ۱) یک ۲) دو ۳) سه ۴) چهار

۷۳) در گروه لغات زیر چند واژه نادرست معنی شده اند؟
«الطاف (مهربانی‌ها) - الوهیت (مقام عارفانه) - ربوبیت (خداوندی) - حکمت (دانش) - سر (درون) - ازل (زمان با آغاز) - بوقلمون (رنگارنگ) - ملا (اجتماع) - فخار (فخر فروش) - صلصال (گل خشک)»

- ۱) ۱ ۲) ۲ ۳) ۳ ۴) ۴

۷۴) در کدام گزینه، معنای تمام واژگان صحیح است؟

- ۱) خنید: خوابیده، قیضه: یک مشت از هر چیزی، قرب: نزدیک شدن
۲) اصناف: گونه‌ها، ملکوت: عالم غیب، رایت: فکر و اندیشه
۳) تعبیه کردن: قرار دادن، هیئت: شکل، شبگرد: شب‌رو
۴) مَلک: فرشته، بُعد: دوری، خزاین: گنجینه

۷۵) معنای واژه «گران» در همهٔ گزینه‌ها یکسان است به جز گزینهٔ

- ۱) سینهٔ تنگ من و بار غم او هیئات
۲) به رود سند می‌غلتید بر هم
۳) حرارت سَخَطت (خشم) با گران رکابی سنگ
۴) قدر تو آید گران اندر تجارت‌های دل
مرد این بار گران نیست دل مسکینم
ز امواج گران، کوه از پی کوه
ذبول (پژمردن) کاه دهد کوههای قُربی را
خوش درین سودا ببازم آنچه در دل داشتم

۷۶) معادل معنایی واژهٔ مشخص شده در کدام بیت درست است؟

- ۱) همیشه عاشق دیدار اوست دیدهٔ بخت
۲) وحشی، از دریای رحمت گر دهند رشحه‌ای
۳) همی دهد ندای خوف و می‌رسد
۴) چون کنم در روی چون ماهت نظر؟
مدام شایق بالای اوست جامهٔ جاه: (آرزو)
گام بر روی هوا آسان زنی، همچون سحاب: (قطره)
به هر دلی، مهابت ندای او: (ترسناک)
کز فروغ تو نظر می‌سوزدم: (آتش)

۷۷) چند واژه نادرست معنا شده است؟

«کوشک: قصر / مخنقه: گردن‌بند / خرگه: تاج / خیر خیر: به‌کندی / کراهیت: بدخلقی / حمیت: جوان‌مردی / شوریده‌رنگ: آشفته‌حال / سور: جشن / دون‌همت: کوتاه‌همت / خطوات: گام»

- ۱) سه ۲) پنج ۳) چهار ۴) شش

۷۸) در همهٔ گزینه‌ها واژه‌های معادل «قامت» وجود دارد به جز

- ۱) هرگز نبود سرو به بالا که تو داری
۲) ننگرد دیگر به سرو اندر چمن
۳) چه دشمنی تو که از عشق دست و شمشیرت
۴) شاه شمشاد قدان خسرو شیرین دهنان
یا مه به صفای رخ زیبا که تو داری
هرکه دید آن سرو سیم اندام را
مطاوعت به گریزم نمی‌کند اقدام
که به مژگان شکند قلب همه صف شکنان

۷۹) در کدام گزینه، واژه‌ای با معنای نادرست ذکر شده است؟

- ۱) (بار: رخست)، (کلاف: ریسمن پیچیدهٔ گرد دوک)، (سترگ: عظیم)
۲) (نیلی: کیود)، (رستن: رها شدن)، (تابناک: نورانی)
۳) (مَشک: خیک)، (محوطه: صحن)، (چنبر: طوق)
۴) (اجنبی: خارجی)، (رشحه: لرزه)، (شایق: مشتاق)

۸۰) در گروه لغات زیر چند واژه نادرست معنی شده‌اند؟

«گران‌مایه (پست) - زخم (ضربه) - خاست (طلب کرد) - یزدان (خدا) - گرد (دور تا دور) - خشت (خنجر) - خودکامگی (حقارت) - برزن (کوی) - بهره (نصیب) - ژاله (قطره باران)»

- ۱) ۱ ۲) ۲ ۳) ۴ ۴) ۵

۸۱) باتوجه به ابیات زیر، معنی واژه «سبک» در کدام گزینه، تکرار شده است؟

چو بر خواند کاوه همه محضرش
سبک، سوی پیران آن کشورش
خروشید کای پایمردان دیو
بریده دل از ترس گیهان خدیو

- ۱) نجیب (اسب) خویش را گفتم سبک تر
۲) چو یاقوت باید سخن بی زبان
۳) مگر با من او چون برادر شود
۴) و گر فضایل طبعش به کوه بر شمردند
- الا یا دستگیر مرد فاضل (نجیب = اسب)
سبک سنگ، لیکن بهایش گران
بد روز بر من سبک تر شود
سبک ز خاصیتش کوه را بر آید پر

۸۲) در میان واژه‌های زیر، معنی چند واژه نادرست است؟

(درفش: بیرق)، (سپهبد: فرمانده سپاه)، (موبدان: پیشوایان روحانی زردشتی)، (غضنفر: شیر)، (ژیان: مضطرب)، (یم: دریا)، (لاف زدن: خودستایی کردن)، (بار: اجازه)

- ۱) یک
۲) دو
۳) سه
۴) چهار

۸۳) املاي واژه‌های کدام گزینه به ترتیب برای کامل کردن پایان بیت‌های زیر درست است؟

الف) تا چین سر زلف بتان شد وطن دل
ب) نانم افزود و آبرویم کاست
ج) مگر طاعت ایزد بی نیاز
عزم سفرش از گذر حُب وطن (.....)
بینوایی به از مذلت (.....)
که او راست فرمان و تقدیر و (.....)

- ۱) خاست - خواست - خاست
۲) خاست - خواست - خواست
۳) خواست - خاست - خاست
۴) خواست - خاست - خواست

۸۴) معنی چه تعداد از واژگان به درستی ذکر نشده است؟

(درفش: بیرق)، (یکایک: ناگهان)، (مجرد: صرف)، (دژم: نیرومند)، (نیلی: کبود)، (الحاح: اصرار)، (ترگ: سپر)، (خوالیگر: آشپز)

- ۱) یک
۲) دو
۳) سه
۴) چهار

۸۵) در کدام گزینه غلط املایی بیشتری دیده می‌شود؟

- ۱) منز از دغل - معرب اژی دهاک - طوق و حلقه - طالب رزم
۲) حماسه سترگ - حلول صبح - زخم و مرحم - مظهر اهریمن
۳) انتظار موعود - لایق و فایق - کهتران و مهترزاده گان - غالب و مضمون
۴) بیعت و حمایت - محظر و استشهادنامه - بدر و حلال - عالم فایغ

۸۶) در کدام گزینه، معنای واژه‌ای نادرست است؟

- ۱) (سهم: ترس)، (رشحه: قطره)
۲) (غضنفر: هژبر)، (منکر: انکارکننده)
۳) (قبا: جامه جلو بسته)، (آدینه: آخرین روز هفته)
۴) (یکایک: ناگهان)، (فایق: پیروز)

۸۷) در ابیات زیر مجموعاً چند غلط املایی وجود دارد؟

«چو هست قرب حقیقی چه غم ز بعد مزار
رسید عمر به پایان و داستان فراق
بکش جفای رقیب ار حبیب می خواهی
چه هجر و وصل مساوی است در حقیقت عشق
نظر به غربت یار است نی به قرب دیار
ز حد گذشت و به پایان نمی رسد طومار
کنار گل نبری گر کنی کناره ز خوار
اگر ز هجر بسوزی بساز و وصل انگار»

- ۱) یک
۲) دو
۳) سه
۴) چهار

۸۸) در کدام گزینه، هر دو بیت غلط املایی دارد؟

الف) سحر چشمان تو باطل نکند چشم آویز
ب) کسی کاو طریق تواضع رود
ج) چو نیکی کند با تو بر خویشتن
د) بزد نعره‌ای پهلوان دلیر

مست چندان که پیوشند نباشد مسطور
کند بر صریر شرف سلطنت
همی خواند از تو ثناهای خود
به سوی نریمان چو ارغند شیر

- ۱) الف - ب
۲) الف - د
۳) ب - ج
۴) ج - د

۸۹ در گروه لغات زیر چند واژه نادرست معنی شده‌اند؟

هژبر (شیر) - ژیان (غنصفر) - سهم (ترس) - خاییدن (جویدن) - حرب (آلت جنگی) - یم (ولایت) - کین (دشمنی) - دستور (اجازه) - آوردگاه (میدان جنگ) - ژنده فیل (فیل ضعیف)

- ① سه ② دو ③ یک ④ چهار

۹۰ در کدام گزینه از «اسب» ذکر نرفته است؟

- ① برانگیخت ابرش، برافشاند گرد ② هم اکنون تو را ای نبرده سوار ③ کشانی بدو گفت بی بارگی ④ که بنشین به پیش گران مایه جفت

۹۱ در همهٔ گزینه‌ها به جز گزینه متضاد یکی از واژه‌های «ژیان، سهم، ژنده و قبا» به کار رفته است؟

- ① بزد کوس و آورد بیرون صلیب صلیبی بزرگ و سیاهی از مهیب
② خارش همه شجاعت و یارش همه سنا رسته به آب رحمت و حکمت بر او رطب
③ کندن تیر و پیکان آهن گذار همی بر برهنه نیاید به کار
④ ز دستور برسیم یک سخن چو کاری نو افکند خواهیم من

۹۲ در همهٔ گزینه‌ها مترادف واژهٔ «دستور» درست به کار رفته به جز

- ① بفرمود تا پیش او شد دبیر سرافزار موبد که بودش وزیر
② از بهر آن که شاه جهان دوستدار اوست دولت معین اوست خداوند یار اوست
③ پادشاهی که با شکه باشد خرم او چون بلند که باشد
④ بگفتا اذن خواهی چیست از من چه بهتر کور را از چشم روشن

۹۳ معنای چند واژه در کمانک روبه‌روی آن نادرست نوشته شده است؟

«مصنوع (ساخته شده)، لحن (آواز)، طالب (خواهان)، لخت لخت (برهنه)، خدو (تغو)، اخلاص (پاک)، وصی (دوست)، دریغ (حسرت)، ژیان (خشمگین)»

- ① یک ② دو ③ سه ④ چهار

۹۴ مفهوم واژهٔ «بینداخت» در کدام گزینه مطابق این فعل در بیت «به نام خدای جهان آفرین / بینداخت شمشیر را شاه دین» است؟

- ① کمان را بینداخت، ژوبین گرفت به ژوبین شکار نوآیین گرفت
② بینداخت تیغ پرندآورش همی خواست از تن بریدن سرش
③ کمند کیانی بینداخت شیر به حلقه درآورد، گور دلیر
④ بینداخت افسر ز مشکین سرم چنین چاک شد جامه اندر برم

۹۵ در گروه لغات زیر چند واژه نادرست معنی شده‌اند؟

«شاخ (شاخه) - اختلاف (رفت و آمد) - متواتر (بارها) - باری (خلاصه) - حبه (دام) - سر (رئیس) - مطوقه (عقد) - طاعت (مطاوعت) - غافل وار (بی خبر) - ورطه (گرداب)»

- ① یک ② دو ③ سه ④ چهار

۹۶ در گروه لغات زیر چند واژه نادرست معنی شده‌اند؟

تکفل (عهده‌داری) - معونت (منع کردن) - مظاهرت (پشتیبانی) - سیادت (سروری) - گشادن (باز کردن) - عقده (گردنبند) - ملول (اندوهگین) - اهمال (فرو گذاشتن) - ملالت (درد) - رخصت (اطاعت)

- ① دو ② سه ③ پنج ④ چهار

۹۷ در متن «سه تن آرزوی چیزی برند و نیابند: مفسدی که ثواب مصلحان چشم دارد و بخیلی که سنای اصحاب مروّت توقع کند و آنکه به دردی

دایم و علّتی هایل مبتلا باشد و به هیچ تأویل خلاص نیابد.» چند غلط املائی وجود دارد؟

- ① یک ② دو ③ سه ④ چهار

۹۸ در متن زیر چند غلط املائی وجود دارد؟

«و آن دشمنانگی دو نوع است: اول چنانکه از آن شیر و پیل، که ملاقات ایشان بی محاربت ممکن نباشد و این هم شاید بُود که مرهم پذیرد، که نصرت در یک جانب را مقرر نیست و هزیمت بر یک جانب مقصور نه، گاه شیر ضفر یابد و گاه پیل پیروز آید.»

- ۱ یک ۲ دو ۳ سه ۴ چهار

۹۹ در کدام گزینه غلط املائی کم تر است؟

- ۱ گل باغ صیادت کز رخس دحر
۲ آن طرفی کی گیاست این و امان از کجاست
۳ سؤال کردم از خوار کاین صلاح تو چیست؟
۴ پیش طبیبش سر بنه یعنی مرا تریاغ ده
- ۱ هزاران خنده بر باغ ارم کرد
۲ غره به سبزی مشو گرگ سیه در غفاست
۳ جواب داد که گلزار صد عدو دارد
۴ زیرا در این دام نذه من زهرها نوشیده ام

۱۰۰ در کدام گزینه غلط املائی وجود ندارد؟

- ۱ عاقل چون در منشأ و مولد و میان اقربا به جان ایمن نباشد، دل بر فراغ اهل و پیوستگان بندد.
۲ آخر الامر چون از حیلت کار، آگاهی یافت، جمعی از ثقات مُلک که محل اعتماد پادشه بودند، حاضر کرد.
۳ پشت استظهار در درو قوی کرد و ثقت به شفقت او بیافزود و روی بدو آورد.
۴ گرگ از آن جا به گوشه ای گریخت و سر بر زانو نهاد که این چه احوال کاهلانه بود که ورزیدم.

۱۰۱ حرف «را» در کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱ تو را نفس رعنا چو سرکش ستور
۲ یکی را اجل در سر آرد جیش (لشکر)
۳ طمع را نه چندان دهان است باز
۴ در آن روز کز فعل پرسند و قول
- ۱ دوان می برد تا به سرشیب گور
۲ سرآمد بر او روزگاران عیش
۳ که بازش نشیند به یک لقمه آرز
۴ اوالعزم را تن بلرزد ز هول

۱۰۲ در بیت زیر ضمایر پیوسته «م» به ترتیب چه نقش دستوری دارند؟

- «شرم کشد که بی تو نفس می کشم هنوز تا زنده ام بس است همین شرمساریم»
- ۱ نهاد - متمم ۲ مضاف الیه - نهاد ۳ مفعول - متمم ۴ مفعول - نهاد

۱۰۳ در چه تعداد از ابیات زیر هیچ واژه مرکبی وجود ندارد؟

- الف) در نابسته احسان گشاده ست
ب) خرد را گر نبخشد روشنایی
ج) کمال عقل آن باشد در این راه
- ۱ یک ۲ دو ۳ سه ۴ صفر
- ۱ بر هر کس آن چه می بایست، داده است
۲ بماند تا ابد در تیره رای
۳ که گوید نیستم از هیچ آگاه

۱۰۴ در کدام گزینه، همه واژه های مرکب، در حقیقت فشرده یک جمله سه جزئی با مفعول هستند؟

- ۱ گلاب، راه گذر، پرزور، بدگمان
۲ گاو صندوق، دست مایه، آلو بخارا، نی شکر
۳ حق طلب، راهنما، تأسف انگیز، سخن شناس
۴ خوش حال، آرام بخش، زیر نویس، صورت حساب

۱۰۵ ساخت دستوری مقابل کدام گروه کلمات، نادرست است؟

- ۱ خنده - آسایش - ستیزه - نگرش = بن مضارع + پسوند - اسم
۲ گلستان - شامگاه - لاله زار - نمکدان = اسم + پسوند - اسم
۳ ثروتمند - پهناور - سوزناک - بارور = اسم + پسوند - صفت
۴ امیدوار - شاهوار - جشنواره - گوشواره = اسم + پسوند - صفت

۱۰۶ در کدام گزینه «مفعول» نمی یابید؟

- ۱ کسی نیک بیند به هردو سرای
۲ چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش
۳ در نابسته احسان گشاده ست
۴ کمال عقل آن باشد در این راه
- ۱ که نیکی رساند به خلق خدای
۲ ز دیوار محرابش آمد به گوش
۳ به هر کس آنچه می بایست، داده ست
۴ که گوید نیستم از هیچ آگاه

۱۰۷ در میان گروه واژه‌های زیر، به ترتیب چند رابطه از نوع مترادف و تضمن وجود دارد؟ (با تغییر)

(ادبار و اقبال)، (محمل و مهد)، (رایت و بیرق)، (دست و بدن)، (بیعت و میثاق)، (تند و ترش)، (ورزش و فوتبال)، (هنر و نقاشی)، (پروانه و ملخ)

- ۱ سه - دو ۲ سه - چهار ۳ چهار - چهار ۴ چهار - سه

۱۰۸ در ابیات کدام گزینه، فعل «شد» در معنای غیر اسنادی به کار رفته است؟

- الف) چو شد زهر عادت مضرت نبخشد
ب) دانم که سرم روزی در پای تو خواهد شد
ج) دی شد و بهمن گذشت فصل بهاران رسید
د) شد آن زمان که به شمشیر کار باید کرد
ه) شد آسمان ز کرده پشیمان در این عمل

- ۱ الف، ده ۲ ب، ج، د ۳ ب، هـ، الف ۴ ج، ده

۱۰۹ در کدام گزینه دریافت معنای «ماه» از طریق همنشینی «نهاد» با «مسند» انجام می‌شود؟

- ۱ از روی ماه آن صنم، شب گشت بیدار.
۲ آن ماهی که طولانی گشت، پایان عمر بود.
۳ یک ماه گذشت، هیچ خبری باز نیامد.
۴ از ماه و ستاره همگی تلخی برآمد.

۱۱۰ در کدام بیت رابطه معنایی «تضمن» به کار نرفته است؟

- ۱ همه سنگ‌ها پاس دار ای پسر
۲ می بیاور که ننازد به گل باغ جهان
۳ خاک وجود ما را از آب دیده گل کن
۴ ابر می‌بارد و من می‌شوم از یار جدا
۱ که لعل از میانش نباشد به در
۲ هر که غارتگری باد خزانی دانست
۳ ویرانسرای دل را گاه عمارت آمد
۴ چون کنم دل به چنین روز ز دلدار جدا

۱۱۱ در کدام گزینه «نهاد» اولین کلمه یکی از دو مصراع است؟

- ۱ زنخدان فرو برد چندی به جیب
۲ شغال نگون‌بخت را شیر خورد
۳ کسی نیک بیند به هر دو سرای
۴ چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر
۱ که بخشنده، روزی فرستد ز غیب
۲ بماند آن‌چه روباه از آن سیر خورد
۳ که نیکی رساند به خلق خدای
۴ چه باشی چو روبه به وامانده، سیر؟

۱۱۲ در کدام بیت، فعل مجهول به کار رفته است؟

- ۱ آواز خسته تو گر خسته شود خسته شویم
۲ همه کار دشوارش آسان شود
۳ چنان نورش درون دیده آمد
۴ چو بشنید شاه این سخن خیره گشت
۱ آواز تو چون نای شکر خا بادا
۲ ورا دشمن و دوست یکسان شود
۳ که از نورش رخ جان دیده آمد
۴ سیه گشت چشم و دلش تیره گشت

۱۱۳ در همه گزینه‌ها به جز گزینه دو نوع نقش تبعی به کار رفته است.

- ۱ کلک تو و شمشیر ملک هر دو به تأثیر
۲ ما رند خرابیم و تویی میر خرابات
۳ او رُخ نمی‌نمود، به زاری بدیدمش
۴ در وفای خود و بدعهدی من گر چه رقیب
۱ این ناظم دولت بود آن ناصر ایمان
۲ ما اهل خطاییم و خطاپوش تویی تو
۳ من خود برای جان و دل خود بلا شدم
۴ خورد سوگند به جان تو غلط بود غلط

۱۱۴ در کدام بیت، فعل «مجهول» به کار رفته است؟

- ۱ به آوردگه دست او خسته گشت
- ۲ چون ریشه سر کسی که سرگشته شود
- ۳ نزدیک دهن شکسته شد جام
- ۴ خوش آن که وصال تو میسر شده باشد
- به چشمش همی تیره شد روی دشت
- به زان نبود که با سر رشته شود
- پالوده که پخته بود شد خام
- چشم به جمال تو منور شده باشد

۱۱۵ در کدام گزینه «شاخص» نیست؟

- ۱ دکتر محمد معین، اولین دکترای ادبیات فارسی در ایران بود.
- ۲ غلامحسین یوسفی، در کنار مرادش، امام رضا(ع) به خاک سپرده شد.
- ۳ عموی احمد، مهندس شرکت نفت است.
- ۴ کد خدا احمد، به مسائل و مشکلات مردم روستا رسیدگی می کند.

۱۱۶ در کدام گزینه وابسته پیشین وجود ندارد؟

- ۱ من دست تهی می‌روم او تحفه به دست
- ۲ دریای اخضر فلک و کشتی هلال
- ۳ وگر نه هر دو جهان را کف تو بخشیدی
- ۴ این کیست این این کیست این، این یوسف ثانی است این
- تا زین دو، کدام خوش کند طبع کریم
- هستند غرق نعمت حاجی قوام ما
- امید بنده نماندی به ایزد متعال
- خضر است و الیاس این مگر، یا آب حیوانی است این

۱۱۷ نقش دستوری کلمات مشخص شده، در کدام گزینه درست آمده است؟

- ۱ شکفته شد گل حمرا و گشت بلبل مست
- ۲ به هست و نیست مرنجان ضمیر و خوش می‌باش
- ۳ زبان کلک تو حافظ چه شکر آن گوید
- ۴ من خود ای ساقی از این شوق که دارم مستم
- صلای سرخوشی ای صوفیان باده پرست (صفت)
- که نیستی است سرانجام هر کمال که هست (نهاد)
- که گفته سخت می‌برند دست به دست (قید)
- تو، به یک جرعه دیگر ببری از دستم (مضاف الیه)

۱۱۸ کدام گروه کلمه بر اساس الگوی «صفت + اسم + صفت + اسم + صفت + اسم» ساخته شده است؟

- ۱ برجسته ترین گروه ممتاز المپیاد فیزیک شرکت کننده در جشنواره های بین المللی
- ۲ اولین همایش پر افتخار مردان قهرمان کشورهای مختلف جهان
- ۳ آن دو زن دانشمند نامی و صاحب نظر قرون گذشته
- ۴ نخستین دانش آموز درستکار و پرورش یافته مراکز علمی و هنری

۱۱۹ در عبارات زیر چند واژه «وندی» و «مرکب» وجود دارد؟

«ماهی در آب خاموش است / چارپا روی خاک هیاهو می کند / پرند در آسمان آواز می خواند / آدمی / اتمام خاموشی دریا / هیاهوی خاک / موسیقی آسمان را در خود دارد»

- ۱ دو - دو
- ۲ دو - سه
- ۳ سه - یک
- ۴ سه - دو

۱۲۰ در همه ابیات به استثنای بیت جای مضاف و مضاف الیه عوض شده است.

- ۱ کشور تدبیر را زیر و زبر سازد قضا
- ۲ غفلت ما را سبب عمر سبک جولان شده است
- ۳ جان غافل را سفر در چار دیوار تن است
- ۴ طفل طبعان را دل از بهر تماشا میدود
- ور نه در ملک رضا نوشیروان عادل است
- خواب ما را این صدای آب سنگین کرده است
- پای خواب آلوده را منزل کنار دامن است
- خو به عزلت کرده از سیر و تماشا فارغ است

۱۲۱ مفهوم افعال به کار رفته از مصدر «گشتن» در کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱ گرد همه بوستان بگشتیم
- ۲ تا مصور گشت در چشم خیال روی دوست
- ۳ از قفا سیر نگشتم من بدبخت هنوز
- ۴ پیری و جوانی پی هم چون شب و روزند
- بر هیچ درخت از این ثمر نیست
- چشم خودبینی ندارم روی خودرأییم نیست
- می‌روم وز سر حسرت به قفا می‌نگرم
- ما شب شد و روز آمد و بیدار نگشتیم

۱۲۲) معنای فعل «شد» در کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) چنین گفت با کودک آموزگار
- ۲) چو شب روز شد بامداد پگاه
- ۳) چو بانو چنان دید، شد سوی کوه
- ۴) به بارگاه او ملک ز خلد شد
- که کاری نکردیم و شد روزگار
- بفرمود تا باز گردد سپاه
- رسیدند تا پای کوه آن گروه
- ندا شنید کاندرا آی مرحبا

۱۲۳) در کدام گزینه وابسته پیشین از نوع «صفت مبهم» به کار رفته است؟

- ۱) آن یکی دست تو گیرد وان دگر پرسش کند
- ۲) چه غروری است در این سلطنت ای یوسف مصری
- ۳) دلبستگی نیست به کام دو جهانم
- ۴) دگر پرسش، معانی و بیان بود
- وان دگر از لعل و شکر پیش باز آرد زکات
- که دگر پرسش حال پدر پیر نکردی
- با من بگذارید غم یار و دگر هیچ
- ز تشبیهات و از اقسام آن بود

۱۲۴) در همه گزینه‌ها به جز گزینه صفت مبهم در هر دو جایگاه وابسته پیشین و پسین به کار رفته است.

- ۱) هیچ کس را سرپایی نزد ایام که ما
- ۲) ای ذکر تو را در دل هر دم اثری دیگر
- ۳) حالیا در ره رندی قدمی چند زنیم
- ۴) هر روز دلم به زیر باری دگر است
- پشت دستی نگزیدیم به دندان چند
- وی از تو به ملک جان دارم خبری دیگر
- این ره از نیک نباشد ره دیگر گیریم
- در دیده من زهجر خاری دگر است

۱۲۵) در کدام بیت هیچ یک از انواع روابط معنایی به کار نرفته است؟

- ۱) یکی درخت گل اندر فضای خلوت ماست
- ۲) اگر جهان همه دشمن شود به دولت دوست
- ۳) حریف مجلس ما خود همیشه دل می‌برد
- ۴) درخت غنچه برآورد و بلبلان مستند
- که سروهای چمن پیش قامتش پستند
- خبر ندارم از ایشان که در جهان هستند
- علی‌الخصوص که پیرایه‌ای بر او بستند
- جهان جوان شد و یاران به عیش بنشستند

۱۲۶) در کدام بیت فعل «شد» با معنایی متفاوت به کار رفته است؟

- ۱) شاهد عهد شباب آمده بودش به خواب
- ۲) آتش رخسار گل خرمن بلبل سوخت
- ۳) زاهد خلوت‌نشین دوش به میخانه شد
- ۴) نرگس ساقی بخواند آیت افسونگری
- باز به پیرانه سر عاشق و دیوانه شد
- چهره خندان شمع آفت پروانه شد
- از سر پیمان برفت با سر پیمانه شد
- حلقه اورداد ما مجلس افسانه شد

۱۲۷) در کدام یک از گزینه‌های زیر فعل مجهول به کار نرفته است؟

- ۱) دیده تو چون دلم را دیده شد
- ۲) ندانم تا ثنایت گفته آید
- ۳) به سمع رضا مشنو ایدای (آزار) کس
- ۴) بعد از آن گفتا که می‌آید خطاب
- شد دل نادیده غرق دیده شد
- وگر آید تو را پذیرفته آید
- وگر گفته آید به غورش برس
- کاین سخن چون گفته شد بشنو جواب

۱۲۸) مفعول در کدام عبارت «اسم وندی» است؟

- ۱) دشت سینه وسیع و داغش را در برابر وزش نسیم ملایمی قرار داده بود.
- ۲) مثل این بود، که رشته ای ناگستنی قلب رزمندگان را به هم پیوند می داد.
- ۳) شیعه چند اسب بی شکیب، سکوت آن دشت بیکران را درهم می شکست.
- ۴) همه، آن مرد بزرگوار را دیدند که ابروان سفیدش، دیدگان کم فروغ او را پوشانده است.

۱۲۹ در کدام بیت «هسته گروه اسمی» واژه «مربک» است؟

- ۱ بادی که در زمانه بسی شمع‌ها بکشت
- ۲ ای مفتخر به طالع مسعود خویشتن
- ۳ ای تو رمه سپرده به چوپان گرگ طبع
- ۴ آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام
- هم بر چراغان شما نیز بگذرد
- تأثیر اختران شما نیز بگذرد
- این گرگی شبان شما نیز بگذرد
- بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد

۱۳۰ در همه گزینه‌ها به جز گزینه «نهاد» به درستی مشخص شده است.

- ۱ خازن گنج کهر را دوربازی لازم است
- ۲ از دلیل عقل بر من کوه و صحرا تنگ شد
- ۳ معنی بیگانه صائب می‌کند وحشت ز لفظ
- ۴ در حریم وصل اشک شور من شیرین نشد
- نیست ممکن کوه را تیغ از کمر باشد جدا
- وقت آن سرگشته خوش کز راهبر باشد جدا
- از تن خاکی دل روشن گهر باشد جدا
- کعبه نتوانست کردن تلخی از زمزم جدا

۱۳۱ کدام واژه‌ها به ترتیب «اسم وندی، صفت وندی و صفت وندی - مرکب» اند؟

- ۱ بی‌تاب، جوشش، مشک به دوش
- ۲ شکسته، بی‌درد، خطرکننده
- ۳ تشنگی، پرگشوده، نیلی‌پوش
- ۴ عرشیان، علمی، دست‌بسته

۱۳۲ تعداد ترکیب‌های وصفی و «اضافی» متن «نظر رستم دو اشکال اضافی نیز دارد: یکی آن که مرگش به خود او خاتمه نمی‌یابد، همه نزدیکانش را دربر می‌گیرد و ویرانی کشورش را هم به دنبال می‌آورد؛ دوم آن که مرگ او مساوی میدان خالی کردن کسانی خواهد بود که او را تجسم آرمان‌های خود می‌دانند.» به ترتیب، کدام است؟

- ۱ چهار - ده
- ۲ سه - یازده
- ۳ دو - دوازده
- ۴ یک - سیزده

۱۳۳ در متن: «... و هر صاحب فراستی داند که هیچ کس از سهو و ذلت مصون و معصوم نتواند بود و هرگاه که به قصد و عمد منصوب نباشد مجال استعفا و تائی اندر توابع و لواحق آن هر چه فراخ تر است» چند غلط املایی وجود دارد؟

- ۱ یک
- ۲ دو
- ۳ سه
- ۴ چهار

۱۳۴ در کدام بیت «مفعول» بر سایر اجزای جمله مقدم شده است؟

- ۱ عاشقان را ز بر خویش مران تا بر تو
- ۲ شمع جانم را بکشت آن بی‌وفا
- ۳ عقل را با عشق زور پنجه نیست
- ۴ بندگان را نه گزیر است ز حکمت نه گریز
- سر و زر هر دو فشانند و دعا نیز کنند
- جای دیگر روشنایی می‌کند
- احتمال از ناتوانی می‌کند
- چه کنند؟ ار بکشی ور بنوازی خدم‌اند

۱۳۵ اجزای ساختمان کدام واژه‌ها به ترتیب، معادل «دهش - نامنظم - زیرنویس - آبرفت» است؟

- ۱ روش - ناشکر - زیربنا - خداپسند
- ۲ کنش - نادار - پیش‌پرده - دست‌پخت
- ۳ نگارش - ناتمام - دورنما - دست‌فرسود
- ۴ آرامش - نادرست - دست‌بوس - سرنوشت

۱۳۶ در همه گزینه‌ها به جز گزینه تعداد وابسته‌ها از نوع صفات بیانی یکسان است.

- ۱ دو چشم مست می‌گونت ببرد آرام هشیاران
- ۲ آب روان سرشک و آتش سوزان آه
- ۳ ای به دیدار تو روشن چشم عالم‌بین من
- ۴ گل با وجود او چو گیاه است پیش گل
- دو خواب‌آلوده بربودند عقل از دست بیداران
- پیش تو باد است و خاک بر سر خود ریختن
- آخرت رحمی نیاید بر دل مسکین من
- مه پیش روی او چو ستاره است پیش ماه

۱۳۷ در کدام بیت از مصدر «ساختن» در معنای «آهنگ کردن» استفاده شده است؟

- ۱ بساز ای مطرب خوشخوان خوشگو
- ۲ جدا شد یار شیرینت کنون تنها نشین ای شمع
- ۳ از آن پس بسازید سهراب را
- ۴ چه سازیم و این را چه درمان کنیم؟
- به شعر فارسی صوت عراقی
- که حکم آسمان است این اگر سازی اگر سوزی
- بینید یک شب بر او خواب را
- به دانش مگر چاره جان کنیم

۱۳۸ در کدام عبارت تعداد واژه‌های «وندی - مرگب» بیش تر است؟

- ۱ خلق و آفرینش نقاشی‌های زیبا و کم نظیر استاد محمد غفاری ملقب به کمال‌الملک
- ۲ گزارش نویسی تاریخچه مدرسه از طریق مصاحبه حضوری یا تلفنی با رئیس دبیرستان
- ۳ بررسی زمینه‌های گوناگون علمی از سوی دانش پژوهان جوان و گرفتن مدال‌های جهانی
- ۴ کلید موفقیت در تحقیق، جست‌وجو و پرسش و تلاش برای کشف حقایق و پدیده‌ها

۱۳۹ در متن «از زمینه‌های خیال‌انگیز شاهنامه، توصیف‌های استادانه‌ای است که سخن‌سرای بزرگ طوس از شب و روز و طلوع و غروب آفتاب به عمل آورده است و استاد طوس نه تنها حماسه پردازی تواناست بلکه نقاشی زبردست و شاعری تشبیه آفرین نیز هست.» به ترتیب، چند واژه وندی و چند واژه مرگب وجود دارد؟

- ۱ شش - پنج
- ۲ شش - چهار
- ۳ پنج - پنج
- ۴ پنج - شش

۱۴۰ نقش دستوری کلمات مشخص شده در بیت زیر به ترتیب کدام است؟

گشتم مقیم بزم او چون لطف دیدم عزم او گشتم حقیر راه او تا ساق شیطان بشکنم

- ۱ نهاد - متمم - مسند - مضاف الیه - متمم
- ۲ مسند - نهاد - مفعول - مسند - متمم
- ۳ نهاد - مسند - مسند - مضاف الیه - مفعول
- ۴ مسند - مسند - مفعول - مضاف الیه - مفعول

۱۴۱ در کدام بیت، متمم فعل، مقدم بر سایر اجزای جمله است؟

- ۱ با من دلشده گر یار نسازد چه کنم؟
- ۲ بر بساط دل سماع عیش گسترده لیک
- ۳ ز شوق در دل من آتشی چنان افروز
- ۴ به دست غم گرفتارم بیا ای یار دستم گیر

۱۴۲ در کدام گزینه تقدّم مسند وجود دارد؟

- ۱ دل شاه ایران بدان تنگ شد
- ۲ غمی بود رستم بیازید جنگ
- ۳ فرود آمد از رخس رستم چو باد
- ۴ به بالا ز رستم همی رفت خون

۱۴۳ همه ابیات به استثنای بیت فاقد جمله وابسته‌اند.

- ۱ بهار آمد و گلزار نور باران شد
- ۲ برقی از منزل لیلی بدرخشید سحر
- ۳ ارغوان جام عقیقی به سمن خواهد داد
- ۴ زین پیش دلاورا کسی چون تو شگفت

۱۴۴ تعداد صفت‌های کدام بیت کم تر است؟

- ۱ یاقوت جان‌فزایش از آب لطف زاده
- ۲ لفظی فصیح شیرین، قدی بلند چابک
- ۳ آن لعل دلکشش بین وان خنده دل آشوب
- ۴ آن آهوی سیه چشم از دام ما برون شد

۱۴۵ در کدام ابیات، «شاخص» وجود دارد؟

- الف) به عهد سلطنت شاه شیخ ابواسحاق
- ب) نخست پادشهی هم‌چو او ولایت بخش
- ج) دگر کریم چو حاجی قوام دریادل
- د) سوم چه قاضی عادل اصیل ملت و دین

- ۱ الف، ج
- ۲ ب، ج
- ۳ د، الف
- ۴ ب، د

۱۴۶ در عبارت‌های زیر، چند ترکیب وصفی وجود دارد؟

«دریای آسمان کبودتر و عمیق‌تر از هر شب دیگر به نظر می‌رسید و ستارگان درخشان‌تر ولی دور‌تر. نور فسفوری ماه از پشت به تکه‌های ابر تابیده بود و به حجم آن‌ها سایه‌زوشن‌های خیال‌انگیزی بخشیده بود.»

- ۱) چهار ۲) پنج ۳) شش ۴) هفت

۱۴۷ در کدام بیت صفت پیشین وجود ندارد؟

- ۱) نباشد غیر کوه غم که افشرده است پا در دل
۲) زبان هرچند شمع کشته را خاموش می‌باشد
۳) از آن پاک است از گرد علایق دامن پاکش
۴) ز رنگ آمیزی عشق آن که آگاه است، می‌داند
- درین وحشت سرا گر هم‌زبانی هست عاشق را
به خاموشی عجب تیغ‌زبانی هست عاشق را
که دایم در نظر آب روانی هست عاشق را
که در هر دم بهاری و خزانی هست عاشق را

۱۴۸ در چه تعداد از ابیات زیر، واژه «سلطان» شاخص است؟

- الف) مجد دین سرور و سلطان قضات، اسماعیل
ب) حافظ، ز شوق مجلس سلطان غیاث دین
ج) سلطان بهرامشاه آن که به تأیید حق
د) سلطان یمین دولت، بهرامشاه کو
- که زدی کلک زبان آورش از شرع، نطق
غافل مشو که کار تو از ناله می‌رود
هست به حق، پاسبان خانه و جان تو را
عرضش همیشه بار وفا و بقا کشد
- ۱) یک ۲) دو ۳) سه ۴) چهار

۱۴۹ در کدام گزینه تعداد «صفت‌های بیانی» (به‌عنوان وابسته پسین) بیشتر است؟

- ۱) لفظی فصیح شیرین، قَدی بلند چابک
۲) آن لعل دلکشش بین، وان خنده دل‌آشوب
۳) یاقوت جان‌فراش از آب لطف زاده
۴) از تاب آتش می‌برگرد عارضش خوی
- رویی لطیف زیبا، چشمی خوش کشیده
وان رفتن خوشش بین، وان گام آرمیده
شمشاد خوش‌خرامش در ناز پروریده
چون قطره‌های شبنم بر برگ گل چکیده

۱۵۰ در جمله‌های کدام گزینه حذف شناسه فعل به قرینه صورت گرفته است؟

- ۱) الف، د ۲) ج، ب ۳) الف، ج ۴) د، ب

۱۵۱ در کدام گزینه «هسته» گروه اسمی صحیح مشخص نشده است؟

- ۱) مه برده سر در گریبان فرو
۲) چو نمود رخ شاهد آرزو
۳) غضنفر بزد تیغ بر گردنش
۴) دیدند از کین دل سوی هم
- نشد هیچ کس را هوس، رزم او
به هم حمله کردند باز از دو سو
در آورد از پای، بی‌سر تنش
در صلح بستند بر روی هم

۱۵۲ در کدام گزینه «قید» وجود ندارد؟

- ۱) حدیث عشق جانان گفتنی نیست
۲) نخست خونم اگر می‌روی به قتل بریز
۳) عشق دانی چیست، سلطانی که هر جا خیمه زد
۴) موضعی در همه آفاق ندانم امروز
- وگر گویی کسی هم درد باید
که گر نریزی از دیده‌ام بیالاید
بی‌خلاف آن مملکت بر وی گلستان می‌شود
کز حدیث من و حسن تو خبر می‌نرود

۱۵۳ با توجه به بیت زیر، کدام موارد کاملاً درست است؟

- «گیرند مردم دوستان، نامهربان و مهربان
الف) در بیت دو «واو» عطف وجود دارد.
ب) یک مسند در بیت وجود دارد.
- هر روز خاطر با یکی ما خود یکی داریم و بس
ج) در بیت یک نقش تبعی یافت می‌شود.
د) در بیت یک صفت مبهم به چشم می‌خورد.

- ۱) الف، ب ۲) الف، ج ۳) ب، د ۴) ج، د

۱۵۴ در کدام مصراع «شد» فعل اسنادی است؟

- ۱ به پیش جهان آفرین شد نخست ۲ زمین آهنین شد سپهر آبنوس ۳ بشد سوی آب سر و تن بشست ۴ آن مرد بشد و طعام بخريد

۱۵۵ حروف «را» در همه گزینه‌ها به جز گزینه نشانه فک اضافه است.

- ۱ همی بر خروشید و فریاد خواند جهان را سراسر سوی داد خواند
۲ بپوید کاین مهتر آهرمن است جهان آفرین را به دل، دشمن است
۳ درد پرده غنچه را باد بام هزار آورد نذر گفتارها
۴ چو خندان شد و چهره شاداب کرد ورا نام تهمینه سهراب کرد

۱۵۶ مفهوم واژه «دست» در کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

- ۱ نیست بر بالای دست خاکساری هیچ دست خشت خم می نوشد اول، باده سر جوش را
۲ گر دست به خاک بر نهی کاین جا کیست آواز آید که حال معشوقم چیست
۳ تا دست به بیعت وفایت سودم در خانه نشستم و فرو آسودم
۴ تویی که دست تو با خامه سیاه نزار رخ عدو سیه و خاطرش نزار آورد

۱۵۷ نقش دستوری واژه «امروز» در کدام بیت با بقیه متفاوت است؟

- ۱ امروز روز شادی و امسال سال گل نیکوست حال ما که نکو باد حال گل
۲ امروز که در دست توام مرحمتی کن فردا که شوم خاک چه سود اشک ندامت
۳ امروز قدر پند عزیزان شناختم یا رب روان ناصح ما از تو شاد باد
۴ امروز جای هرکس پیدا شود ز خوبان کان ماه مجلس افروز اندر صدارت آمد

۱۵۸ در کدام گزینه نقش دستوری واژه‌ای نادرست نوشته شده است؟

- ۱ آن بیک نامور که رسید از دیار دوست آورد حرز جان ز خط مشکبار دوست (نهاد - مفعول)
۲ خوش می‌دهد نشان جلال و جمال یار خوش می‌کند حکایت عز و وقار دوست (قید - مضاف‌الیه)
۳ دل دادمش به مژده و خجلت همی‌برم زین نقد قلب خویش که کردم نثار دوست (مضاف‌الیه - متمم)
۴ شکر خدا که از مدد بخت کارساز بر حسب آرزوست همه کار و بار دوست (صفت - مضاف‌الیه)

۱۵۹ در همه ابیات فعل مجهول یافت می‌شود به جز گزینه

- ۱ از سبک سیری بساط زندگی چون گردباد تا نفس را راست کردم چیده و برچیده شد
۲ فتنه دنیا شدن صائب ز کوه دیدگیست چشم می‌پوشد ز عالم هر که صاحب دیده شد
۳ خط عیان شد تا بساط زلف او برچیده شد فتنه‌ها بیدار گردد چون عَلم خوابیده شد
۴ ریخت چون دندان امید زندگی بی‌حاصل است می‌رسد بازی به آخر مهره چون برچیده شد

۱۶۰ در کدام گزینه فعل مجهول به کار رفته است؟

- ۱ به خیمه فرود آمد و جامه بگردانید و تر و تباه شده بود. ۲ مثال داد تا هزار هزار درم به مستحقان دهند شکر این را و نبشته آمد.
۳ این چه رفت با بونصر بگفتم. سخت شاد شد. ۴ ایزد رحمت کرد پس از نمودن قدرت و سوری و شادی به آن بسیاری تیره شد.

۱۶۱ در کدام بیت تعداد واژگان وندی کم‌تر است؟

- ۱ زاغی از آن‌جا که فراغی گزید رخت خود از باغ به راغی کشید
۲ عاقبت از خامی خود سوخته رهروی کبک نیاموخته
۳ نادره کبکی به جمال تمام شاهد آن روضه فیروزه‌فام
۴ بر قدم او قدمی می‌کشید وز قلم او رقمی می‌کشید

۱۶۲ کدام گزینه «نهاد» صحیح، مشخص شده است؟

- ۱ هم حرکاتش متناسب به هم
- ۲ دید یکی عرصه به دامان کوه
- ۳ یکی روبهی دید بی‌دست و پای
- ۴ کسی نیک بیند به هر دو سرای
- هم خطواتش متقارب به هم
- عرصه‌ده مخزن پنهان کوه
- فروماند در لطف و صنع خدای
- که نیکی رساند به خلق خدای

۱۶۳ در همه بیت‌های زیر فعل مجهول یافت می‌شود به جز

- ۱ خوش‌تر آن باشد که سر دلبران
- ۲ بر آن دست بردند آهنگران
- ۳ سرش گشت از اندیشه دل‌گران
- ۴ یکی سخت سوگند خوردم به بزم
- گفته آید در حدیث دیگران
- چو شد ساخته کار گرز گران
- بخفت و نیاسوده گشت اندر آن
- بدان شب کجا کشته شد ژنده‌رزم

۱۶۴ در چند بیت هر سه نوع واژه «وندی، مرکب و وندی - مرکب» به کار رفته است؟

- الف) شهری ز تو زیر و زبر هم بی‌خبر هم باخبر
 ب) روزی که عکس روی او بر روی زرد من فتد
 ج) آن پیک نامور که رسید از دیار دوست
 د) ماهرویای مهربانی پیشه کن
- وی از تو دل صاحب‌نظر مستان سلامت می‌کنند
 ماهی شوم رومی‌رخی گر زنگی نوبرده‌ام
 آورد حرز جان ز خط مشکبار دوست
 خو برویی را ببايد زيوري

- ۱ چهار ۲ سه ۳ دو ۴ یک

۱۶۵ نقش‌های اصلی و غیر اصلی مشخص شده در بیت زیر، به ترتیب کدام است؟

کهن شود همه کس را به روزگار، ارادت مگر مرا که همان عشق اول است و زیادت

- ۱ مسند، مفعول، نهاد، مسند ۲ مسند، مضاف‌الیه، نهاد، صفت ۳ نهاد، متمم، مسند، صفت ۴ نهاد، مفعول، مضاف‌الیه، مسند

۱۶۶ در همه ابیات به جز بیت گزیده اجزای جمله به شیوه بلاغی بیان شده است.

- ۱ بیا که هاتف میخانه دوش با من گفت / که در مقام رضا باش و از قضا مگریز
- ۲ چراغ افروز چشم ما نسیم زلف خوبان است / مباد این جمع را یارب غم از باد پریشانی
- ۳ زان پیشتر که عالم فانی شود خراب / ما را ز جام باده گلگون خراب کن
- ۴ بیا تا گل برفشانیم و می در ساغر اندازیم / فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو در اندازیم

۱۶۷ نقش واژه در کدام گزینه صحیح نیست؟

- ۱ مجنون چو حدیث عشق بشنید / اول بگریست، پس بخندید (مضاف‌الیه)
- ۲ پرورده عشق شد سرشتم / جز عشق مباد سرنوشتم (مسند)
- ۳ چون رایت عشق آن جهانگیر / شد چون مه لیلی آسمان گیر (متمم)
- ۴ حاجتگاه جمله جهان اوست / محراب زمین و آسمان اوست (مسند)

۱۶۸ تعداد «نقش‌های تبعی» در کدام گزینه بیشتر است؟

- ۱ شیخ فریدالدین عطار نیشابوری، شاعر و عارف معروف قرن ششم، کتاب «اسرارنامه» را به جلال‌الدین خردسال هدیه داد و به پدرش گفت: «زود باشد که این پسر تو آتش در سوختگان عالم زند.»
- ۲ چون یاران مولانا به آزار شمس برخاستند، او ناگزیر دل از قونیه، آن شهر پرغوغا برکند و عزم کرد که به جایی برود که از او خبری نشنوند.
- ۳ پس از ناپدید شدن شمس، مولانا به همت یاران نزدیک خود به سرودن کتاب گران‌بهای مثنوی، عالی‌ترین اثر عرفانی ایران پرداخت.
- ۴ سعدی و فخرالدین عراقی، دو شاعر و عارف هم‌روزگار مولانا، ظاهراً با وی دیدار کرده‌اند و یکی از غزلیات مولوی، سعدی را شیفته خویش ساخته است.

۱۶۹ معنی واژه ردیف در کدام بیت با سایر ابیات، تفاوت دارد؟

- ۱ از دل سنگین لیلی کعبه جان ساختند
- ۲ خضر را زخم نمایان گشت عمر جاودان
- ۳ از هوسناکان حذر کن کاین گروه بی‌ادب
- ۴ می‌توان دامان بوی گل گرفت از دست باد
- از غبار خاطر مجنون بیابان ساختند
- تیغ سیراب تو را روزی که عریان ساختند
- مصر را بر یوسف بی‌جرم زندان ساختند
- وای بر جمعی که وقت خود پریشان ساختند

۱۷۰ در ابیات زیر مجموعاً چند نقش تبعی یافت می‌شود؟

- الف) حاجت گه جمله جهان اوست
ب) دلم به عشق گرفتار و جهان به مهر گرو
ج) مگر تو خود به کرم بازبخشی این دل ریش
- محراب زمین و آسمان اوست
درآمد از درم آن دل فریب جان آرام
که من ز شرم، تقاضا نمی‌توانم کرد
- ۱ چهار ۲ سه ۳ پنج ۴ دو

۱۷۱ در کدام بیت جمله مرکب (غیر ساده) دیده نمی‌شود؟

- ۱ ای آفتاب حُسن، برون آدمی ز ابر
۲ گویاترم ز بلبل اما ز رشک عام
۳ دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر
۴ و الله که شهر بی تو مرا حبس می‌شود
- کان چهره مشعشع تابانم آرزوست
مهر است بر دهانم و افغانم آرزوست
کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست
آوارگی کوه و بیابانم آرزوست

۱۷۲ باتوجه به بیت زیر، به ترتیب، «مضاف الیه» و «متمم» در کدام گزینه، صحیح آمده است؟

- ۱ زندگی، اشک
۲ ش، آب
۳ اشک، آب
۴ بنا، رخسار
- «ز رخسارش فرومی‌ریخت اشکی
بنای زندگی بر آب می‌دید»

۱۷۳ در کدام بیت مفعول جمله هسته محذوف است؟

- ۱ جام مینایی می‌سد ره تنگ دلیست
۲ نیست در شهر نگاری که دل ما ببرد
۳ باغبان ز خزان بی‌خبرت می‌بینم
۴ بانگ گاوی چه صدا باز دهد عشوه مخر
- منه از دست که سیل غمت از جا ببرد
بختم از یار شود رختم از این جا ببرد
آه از آن روز که بادت گل رعنا ببرد
سامری کیست که دست از ید بیضا ببرد

۱۷۴ در کدام بیت ترکیب‌های وصفی بیش‌تری دیده می‌شود؟

- ۱ میان موج می‌رقصید در آب
۲ ز رخسارش فرو می‌ریخت اشکی
۳ خروشان، ژرف، بی‌پهنا، کف‌آلود
۴ ز مستی بر سر هر قطعه زین خاک
- به رقص مرگ، اخترهای انبوه
بنای زندگی بر آب می‌دید
دل شب می‌درید و پیش می‌رفت
خدا داند چه افسرها که رفته

۱۷۵ در همه گزینه‌ها به جز گزینه «شاخص» وجود دارد.

- ۱ حرف‌های حاج آقا رضا تمام نشده بود که اعتراض‌ها آغاز شد.
۲ صادق هدایت با سید علی جمال‌زاده مکاتباتی داشته است.
۳ بستگان عمه‌ام، طوبا، سالی یک‌بار به خارج از کشور می‌روند.
۴ در هشت کیلومتری شهر باستانی بادرود، گنبد امام‌زاده علی‌عباس درخششی خاص دارد.

۱۷۶ در کدام گزینه «شاخص» وجود دارد؟

- ۱ دست سلطان خرد بوسه زدم
۲ سلطان و ایاز هر دو همدست
۳ به یکبار این چنین سرهنگ گشتی
۴ دهقان و خداوند این باغ رسول است
- پای سرهنگ نگیرم پس از این
سرهنگ خراب و پاسبان مست
بلایی یا رب ای سرهنگ بابک
سرهنگ بنی‌آدم و پیغمبر یزدان

۱۷۷ تعداد ترکیب‌های وصفی در کدام گزینه کمتر است؟

- ۱ آن سیه‌چرده که شیرینی عالم با اوست
۲ روی خوب است و کمال هنر و دامن پاک
۳ خال مشکین که بدان عارض گندمگون است
۴ صیقل آینه حسن بود دیده پاک
- چشم میگون لب خندان دل خرم با اوست
لاجرم همت پاکان دو عالم با اوست
سر آن دانه که شد رهنز آدم با اوست
روی گل تازه از آن است که شبنم با اوست

۱۷۸ از میان واژه‌های زیر به ترتیب چند واژه وندی، مرکب و وندی - مرکب است؟

«پرواربندی - کارانه - پذیرا - خدانشناس - خویشتن‌دار - تأسف‌انگیز - نامردمی - یک‌طرفه - مالمال - گلاب - ناشنوایی - آشتی‌کنان - بی‌برنامگی - حقوق‌بگیر»

- ۱ پنج - سه - شش ۲ چهار - چهار - شش ۳ چهار - سه - هفت ۴ پنج - دو - هفت

۱۷۹ در میان واژه‌های زیر چند کلمه از ترکیب «صفت + اسم = صفت» ساخته شده‌اند؟

«سه‌گوش - سفیدپوست - سفیدرود - چهل‌چراغ - خوش‌خط - ریش‌سفید - بالادست - سیاه‌چادر - نخست‌وزیر - زیردست - خوش‌بخت - بزرگ‌سال»

- ۱ هفت ۲ شش ۳ پنج ۴ چهار

۱۸۰ در کدام گزینه با افزودن پسوند «ا» به بن مضارع آن‌ها، «صفت» ساخته می‌شود؟

- ۱ شنیدن، خواندن، رفتن ۲ کوشیدن، دانستن، خواستن ۳ بریدن، نشستن، آمدن ۴ رسیدن، خوابیدن، آسودن

۱۸۱ در کدام گزینه «صفت بیانی» نمی‌یابید؟

- ۱ کم دهدت گیتی بسیاریان
۲ یکی زین سفره، نان خشک برد آن دیگری حلوا
۳ هزاران دانه افشان‌دیم و یک گل زان میان نشکفت
۴ چراغ آسمانی بود عقل اندر سر خاکی
به که بسنجی کم و بسیار را
قضا گویی نمی‌دانست رسم میزبانی را
به شورستان تبه کردیم رنج باغبانی را
ز باد عجب (= غرور) کشتیم این چراغ آسمانی را

۱۸۲ در کدام گزینه نقش «صفت بیانی» وجود دارد؟

- ۱ پیشانی عفو تو را پرچین نسازد جرم ما
۲ خوش‌ترین درسی که روز اولم آموخت عشق
۳ تا تماشای وصال خود کند
۴ در ره منزل لیلی که خطر‌هاست در آن
آیینی کی بر هم خورد از زشتی تمثال‌ها
در دبستان محبت ترک جان و مال بود
نور خود در دیدهٔ بینا نهاد
شرط اول قدم آن است که مجنون باشی

۱۸۳ در کدام گزینه ترکیب وصفی با صفت بیانی وجود دارد؟

- ۱ این دلبری و شوخی از سرو و گل نیاید / وین شاهدهی و شنگی در ماه و حور نباشد
۲ هوشم نماند با کس، اندیشه‌ام تویی بس / جایی که حیرت آمد سمع و بصر نباشد
۳ تو مست خواب نوشین تا بامداد و بر من / شب‌ها رود که گویی هرگز سحر نباشد
۴ گفتم به شیرمردی چشم از نظر بدوزم / با تیر چشم خویان تقوا سپر نباشد

۱۸۴ در همهٔ گزینه‌ها واژه‌ای یافت می‌شود که در گذر زمان «تحول معنایی» یافته است، به جز گزینهٔ

- ۱ تن ز جان و جان ز تن مستور نیست / لیک کس را دید جان دستور نیست
۲ هر نفس آواز عشق می‌رسد از چپ و راست / ما به فلک می‌رویم عزم تماشا که راست؟
۳ همی خواست زد بر سر شهریار / سپر بر سر آورد شاه سوار
۴ شوخ با صابون این شوخان بنزدایم ز تن / که به نرمی هم‌چو لیف‌اند و به سختی سنگ پا

۱۸۵ در کدام گزینه شناسه به قرینهٔ فعل قبلی حذف نشده است؟

- ۱ کبوتران اضطرابی می‌کردند و هر یک خود را می‌کوشید.
۲ نزدیک‌تر آید و سخن بلندتر گوید. پیش‌تر رفتند و ذکر دعوی تازه گردانید. گفت: واقف شدم.
۳ بطن چون آن بدیدند به نزدیک باخه رفتند و گفت: به وداع آمده‌ایم، پدرود باش ای دوست گرامی و رفیق موافق.
۴ گفت که: شاید بود که فروشندهٔ این جادو بوده است و چشم‌بندی کرده، در جمله گوسپند را بگذاشت و برفت و آن جماعت بگرفتند و ببرد.

۱۸۶ در کدام بیت کاربرد و معنای فعل «ایستادن» متفاوت است؟

- ۱) بتان چین به خدمت سر نهادند
- ۲) گر ایستاد حریفی اسیر عشق بماند
- ۳) گر دوست جان و سر طلبد ایستاده‌ایم
- ۴) در چاره کارش ایستادند
- بسان سرو بر پای ایستادند
- و گر گریخت خیالش به تاختن بکشد
- یاران بدین قدر بکنند احتمال دوست
- وز کار وی آن گره گشادند

۱۸۷ نقش کلمه «زیبا» در کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) نیکی پیر مغان بین که چو ما بدمستان
- ۲) رخ اندر ماه روشن کرد و گفتا چون دهم شرح
- ۳) عشقی است سخت زیبا فقری است پای برجا
- ۴) بربود انده تو صبرم و نیکو بربود
- هر چه کردیم به چشم کرمش زیبا بود
- که خوبی و نیکویی و هم زیبا و تابانی
- بر آسمان نهی پا گر دست این دو بوسی
- بگرفت انده تو جانم و زیبا بگرفت

۱۸۸ نقش ضمیر «ت» در کدام گزینه با بقیه تفاوت دارد؟

- ۱) گفت آگه نیستی کز سر در افتاد کلاه
- ۲) مکن کاری که برپا سنگت آید (آید)
- ۳) درون دلت شهر بندست راز
- ۴) جهان با این فراخی تنگت آید (آید)

۱۸۹ در همه ابیات زیر واژه مرکب دیده می‌شود به جز بیت

- ۱) به نام چاشنی بخش زبان‌ها
- ۲) در این بود درویش شوریده رنگ
- ۳) شغال نگون بخت را شیر خورد
- ۴) چو انعام کردی مشو خودپرست
- حلاوت سنج معنی در بیان‌ها
- که شیر برآمد، شغالی به چنگ
- بماند آنچه روباه از آن سیر خورد
- که من سروم دیگران زبردست

۱۹۰ قافیه کدام بیت با واژه مشخص شده در بیت زیر، رابطه‌ی معنایی «ترادف» دارد؟

- «به نام چاشنی بخش زبان‌ها»
- ۱) سحرگه رهروی در سرزمینی
 - ۲) شب است و شاهد و شمع و شراب و شیرینی
 - ۳) ثوابت باشد ای دارای خرمن
 - ۴) اگر چه رسم خوبان تند خویی ست
 - حلاوت سنج معنی در بیان‌ها
 - همی گفت این معما با قرینی
 - شبی خوش است چنین شب که دوستان یینی
 - اگر رحمی کنی بر خوشه چینی
 - نیازی عرضه کن بر نازنینی

۱۹۱ واژه قافیه در مصراع دوم کدام گزینه وابسته پسین نیست؟

- ۱) کسی نیک بیند به هر دو سرای
- ۲) چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش
- ۳) بخور تا توانی به بازوی خویش
- ۴) یکی روبهی دید بی دست و پای
- که نیکی رساند به خلق خدای
- ز دیوار محرابش آمد به گوش
- که سعیت بود در ترازوی خویش
- فروماند در لطف و صنع خدای

۱۹۲ نقش دستوری واژه مشخص شده در کدام گزینه نادرست است؟

- ۱) خرد را گر نبخشد روشنایی
- ۲) اگر لطفش قرین حال گردد
- ۳) در نایسته احسان گشاده‌ست
- ۴) به ترتیبی نهاده وضع عالم
- بماند تا ابد در تیره رای (مفعول)
- همه ادبارها اقبال گردد (مسند)
- به هر کس آنچه می‌بایست داده‌ست (مفعول)
- که نی موی باشد بیش و نی کم (مفعول)

۱۹۳ نقش واژه مشخص شده در کدام گزینه صحیح نیست؟

- ۱) یکی روبهی دید بی دست و پای / فروماند در لطف و صنع خدای (نهاد)
- ۲) خرد را گر نبخشد روشنایی / بماند تا ابد در تیره رای (متمم)
- ۳) برو شیر درنده باش، ای دغل / مینداز خود را چو روباه شل (متمم)
- ۴) اگر لطفش قرین حال گردد / همه ادبارها اقبال گردد (مسند)

۱۹۴ ردیف در همه ابیات به استثنای بیت گزینۀ به یک معنی آمده است.

- ۱ چون شراب عشق در وی کار کرد از بد و نیک جهان بیزار شد
- ۲ غلفی در اهل اسلام اوفتاد کای عجب این پیر از کفار شد
- ۳ هر که پندش داد بندش سخت کرد در دل او پند خلاقان خار شد
- ۴ چو باز افتادی از ره، ره ز سر گیر که همره دور رفت و کاروان شد

۱۹۵ نوع حرف ربط (پیوند) به کار رفته در همه ابیات یکسان است؛ به جز

- ۱ خرامان از درم باز آکت از جان آرزومندم به دیدار تو خشنودم، به گفتار تو خرسندم
- ۲ وجود من چو قلم سر نهاده بر خط توست بگردم ار به سرم هم چنان بگردانی
- ۳ دل مردم به ظاهر می‌بری از نوشند اما چو گل از خار چندین نیشتر زیر سپر داری
- ۴ همی داشت خود در دل این شهریار چنین تا برآمد براین روز چار

۱۹۶ در کدام گزینه فعل مجهول به کار رفته است؟

- ۱ ماهی که شد به طلعش افروخته زمین شاهی که شد به هم‌تش افراخته زمان
- ۲ سرم ز دست بشد چشم از انتظار بسوخت در آرزوی سر و چشم مجلس آرایی
- ۳ بنیاد هستی تو چو زیر و زیر شود در دل مدار هیچ که زیر و زیر شوی
- ۴ ای شاه شیرگیر چه کم گردد ار شود در سایه تو ملک فراغت مستخرم

۱۹۷ در عبارت «لکن در اظهار آن با تو تأملی کردم و منتظر بودم که انتباهی یابی و از خواب غفلت بیدار شوی، و چون از حدّ بگذشت وقتست که از کمال نادانی و جهالت تو گفته شود و بعضی از معایب رای و مقابح فعل تو شمرده.» چند فعل مجهول وجود دارد؟

- ۱ یک ۲ دو ۳ سه ۴ چهار

۱۹۸ در عبارت «دست‌یابی به دانشی در زمینه زبان و نقش‌های گوناگون آن جز از راه درس و کلاس و بهره‌یابی از معلّم و استمرار در فراگیری، امکان‌پذیر نیست.» به ترتیب چند واژه «وندی»، «مرگب» و «وندی - مرگب» وجود دارد؟

- ۱ چهار - یک - سه ۲ سه - دو - سه ۳ سه - یک - سه ۴ دو - دو - سه

۱۹۹ نوع دستوری واژه‌های «همنشینی - واجگاه - زبان‌شناسی - چهارم» به ترتیب در کدام گزینه ذکر شده است؟

- ۱ وندی - مرگب، وندی، مرگب، وندی وندی، وندی، وندی - مرگب، وندی
- ۲ وندی - مرگب، وندی، وندی، وندی وندی، وندی، وندی - مرگب، ساده

۲۰۰ واژه‌های قافیه در همه ابیات به جز بیت «وندی» است.

- ۱ به یوسف چون رسد جویای یوسف می‌شود ساکن وصال افزون کند شوق طلبکار معانی را
- ۲ خطر از سبزه بیگانه بیش از زهر می‌باشد جمال آشنا رویان گلزار معانی را
- ۳ لبی خامش تر از گوش صدف آماده می‌باید طلبکار وصال درّ شهوار معانی را
- ۴ ندارد بهره ای از حسن معنی چشم صورت بین به هر آینه منماید دیدار معانی را

۲۰۱ در همه گزینه‌ها به جز به ترتیب هسته گروه اسمی و نقش دستوری آن درست نوشته شده است.

- ۱ به دردش می‌رسد دانای اسرار نهان، صائب ز عرض حال خود هر کس لب اظهار می‌بندد (دانا: نهاد)
- ۲ دامن مادر نخست آموزگار کودک است طفل دانشور کجا پرورده نادان مادری (آموزگار: مسند)
- ۳ عاشقی را که چنین باده شبگیر دهند کافر عشق بود گر نشود باده پرست (باده: مفعول)
- ۴ نه از گل می‌گشاید دل، نه از گلزار عاشق را که باغ دلگشایی نیست غیر از یار عاشق را (باغ: مسند)

۲۰۲ در عبارت زیر چند «ترکیب وصفی» وجود دارد؟

«بنابراین خاله‌ام با همه تمگنی که داشت، به زندگی درویشانه‌ای قناعت کرده بود، نه از بخل، بلکه به بیشتر از آن احتیاج نداشت در خانه مشترکی که خانواده دیگری هم در آن زندگی می‌کردند، یک اتاق داشت. خانه کهن‌سالی بود و عاری از امکان آسایش. در همان یک اتاق زندگی خود را متمرکز کرده بود.»

ده ۴

نه ۳

هشت ۲

هفت ۱

۲۰۳ در کدام بیت مَتم فعل بر سایر اجزای اصلی جمله، مقدم شده است؟

- ۱ با یاد تو زهر بر شکر خندد
- ۲ زمین پرستی که دل داری چه گویم؟
- ۳ در میان دل و دین حاصل عشاق تو چیست؟
- ۴ از آرزوی رویت بر آستان کویت
- ۱ بار روی تو شام بر سحر خندد
- ۲ که بس مشکل فتاده است این سؤالت
- ۳ که چو حکم تو درآمد زمین آن نبرد
- ۴ هر دم هزار فریاد از آسمان بر آید

۲۰۴ در همه ابیات به استثنای بیت.....، مفعول مقدّم بر سایر ارکان جمله است.

- ۱ درد دل دوستان، گر تو پسندی رواست
- ۲ روز رویش چو برانداخت نقاب شب زلف
- ۳ جان در قدم تو ریخت سعدی
- ۴ گر خون من و جمله عالم تو بریزی
- ۱ هر چه مراد شماس، غایت مقصود ماست
- ۲ گفتمی از روز قیامت شب یلدا برخاست
- ۳ وین منزلت از خدای می خواست
- ۴ اقرار یاریم که جرم از طرف ماست

۲۰۵ در همه ابیات به استثنای بیت..... جای مضاف و مضاف‌الیه عوض شده است.

- ۱ کشور تدبیر را زیر و زبر سازد قضا
- ۲ غفلت ما را سبب عمر سبک جولان شده است
- ۳ جان غافل را سفر در چار دیواری تن است
- ۴ طفل طبعان را دل از بهر تماشا می دود
- ۱ ورنه در ملک رضا نوشیروان عادل است
- ۲ خواب ما را این صدای آب سنگین کرده است
- ۳ پای خواب آلوده را منزل کنار دامن است
- ۴ خو به عزلت کرده از سیر و تماشا فارغ است

۲۰۶ در کدام گزینه تعداد «ترکیب‌های اضافی» بیشتر است؟

- ۱ آشنایی نه غریب است که دلسوز من است
- ۲ مطرب عشق عجب ساز و نوایی دارد
- ۳ آبروی من اگر برد جمالش چه عجب
- ۴ آن شاخ گل کزو جگر خار تازه است
- ۱ چون من از خویش برفتم دل بیگانه بسوخت
- ۲ نقش هر نغمه که زد راه به جایی دارد
- ۳ برده از نار مغان آن رخ گلنار گرو
- ۴ از بلبلان گلاب نخواهد دریغ داشت

۲۰۷ کلمات مشخص شده، در همه گزینه‌ها به جز گزینه..... نقش دستوری «نهاد» دارند.

- ۱ زان می که ریخت عشقت در کام جان سعدی
- ۲ نازت نهاده‌ی به دل این بار امانت
- ۳ تو را آتش عشق اگر پر بسوخت
- ۴ هست سر بر دوش من باری و باری می کشم
- ۱ تا بامداد محشر در سر خمار دارم
- ۲ گر حسن تو از عشق، گرانبار نبودی
- ۳ مرا بین که از پای تا سر بسوخت
- ۴ تا مگر اندازمش در پای خوبان عاقبت

۲۰۸ نقش دستوری واژه «مشرک» در کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱ مشرک نی‌ام، پرستش باطل نمی‌کنم / حق‌بین و حق‌پرست به فرمان یک کسم
- ۲ یک لحظه که از حضور، غایب مانی / آن لحظه بدان که مشرک راهی تو
- ۳ نه مؤمن توحیدم، نه مشرک تقلیدم / نه منکر تحقیقم، نه واقف اسرارم
- ۴ چون مرا از مشک معنی بوی نیست / حس مشرک لایق این کوی نیست

۲۰۹ در کدام گزینه، «جمله غیر ساده» (مرکب) وجود دارد؟

- ۱ به تخته سیاه با گچ طرح جانوری می‌ریخت؛ ما را به رونگاری می‌نشانده و خود به نقطه‌چین نقشه خود می‌نشست.
- ۲ سال دوم دبیرستان بودیم، اول وقت بود و زنگ نقاشی ما بود. در کلاس نشسته بودیم و چشم به راه معلم، «صاد آمد».
- ۳ معلم پای تخته رسید؛ گچ را گرفت؛ برگشت و گفت: «خرگوشی می‌کشم تا بکشید».
- ۴ «صاد» هرگز جانوری جز از پهلوی نکشید. خلف صدق نیاکان هنرور خود بود و نمایش نیم‌رخ زندگان رازی در برداشت و از سر نیازی بود.

۲۱۰ در همه ابیات به جز بیت اجزای جمله به شیوه بلاغی بیان شده است.

- | | |
|--------------------------------------|--------------------------------------|
| ۱ به دام زلف تو دل مبتلای خویشتن است | بکش به غمزه که اینش سزای خویشتن است |
| ۲ گرت ز دست برآید مراد خاطر ما | به دست باش که خیری به جای خویشتن است |
| ۳ چو رای عشق زدی با تو گفتم ای بلبل | مکن که آن گل خندان برای خویشتن است |
| ۴ مرو به خانه ارباب بی مروت دهر | که گنج عافیت در سرای خویشتن است |

۲۱۱ در کدام گزینه تعداد ترکیب‌های اضافی در کمانک روبه روی بیت نادرست است؟

- | | |
|--------------------------------------|--|
| ۱ بندبر پای تحمّل چه کند گر نکند | انگبین است که در وی مگسی افتاده است (یک) |
| ۲ گر تشنگان بادیه را جان به لب رسد | تو خفته در کجاوه به خواب خوش اندری (دو) |
| ۳ نه من از دست نگارین تو مجروحم و بس | که به شمشیر غمت کشته چو من بسیارند (سه) |
| ۴ بند همه غم‌های جهان بر دل من بود | در بند تو افتادم و از جمله برستم (چهار) |

۲۱۲ در متن زیر چند «ترکیب وصفی و چند وابسته پیشین» به ترتیب، به کار رفته است؟

«این معلّم شریف باسواد، سفارش کرده بود که اگر سر قبر ویکتور هوگو رفتم، از جانب او فاتحه‌ای برای این نویسنده بزرگ بخوانم. این نامه مرا به فکر انداخت. متوجّه شدم که قدرت قلم این نویسنده تا چه حد بوده است.»

- | | | | |
|-----------|-------------|------------|------------|
| ۱ شش، پنج | ۲ هفت، چهار | ۳ هفت، پنج | ۴ هشت، پنج |
|-----------|-------------|------------|------------|

۲۱۳ در عبارت زیر به ترتیب چند «ترکیب وصفی و «اضافی» به کار رفته است؟

«امشب در این پهنه موحش، مردان بزرگی سر به آستان شهادت نهاده‌اند که شعار امام حسین (ع) را با خون خود نقش آن مرز و بوم پرآشوب کردند. مردان فروتن و شب زنده داری که پیکرهای رشید ایشان مظهر یک مسلمان کامل بود.»

- | | | | |
|--------------|------------|-----------|---------------|
| ۱ یازده - شش | ۲ نه - پنج | ۳ ده - شش | ۴ یازده - پنج |
|--------------|------------|-----------|---------------|

۲۱۴ تعداد «ترکیب وصفی» در کدام بیت بیش تر است؟

- | | |
|---|---|
| ۱ دو چشم مست می‌گوند ببرد آرام هشیاران | دو خواب آلوده بر بودند عقل از دست بیداران |
| ۲ گر آن ساقی که مستان راست، هشیاران بدیدندی | ز توبه توبه کردندی چو من بر دست خماران |
| ۳ تو با این مردم کوتاه نظر در چاه کنعانی | به مصر آ تا پدید آیند یوسف را خریداران |
| ۴ گر آن عیار شهر آشوب روزی حال من پرسد | بگو خوابش نمی‌گیرد به شب از دست عیاران |

۲۱۵ در عبارت زیر، چند «شاخص» وجود دارد؟

دکتر شهیدی، نویسنده و مترجم معاصر در ترجمه کتاب نهج‌البلاغه از نثر آهنگین به تبع جملات امام علی (ع) تأثیر پذیرفته است. نثر استاد شیوا و بسیار دلنشین است»

- | | | | |
|------|------|------|--------|
| ۱ یک | ۲ دو | ۳ سه | ۴ چهار |
|------|------|------|--------|

۲۱۶ در همه ابیات به جز بیت گزینه تعداد وابسته‌های پیشین یکسان است.

- | | |
|---|--|
| ۱ پخته چندین خام را نتوان به آسانی نمود | تاک در یک آستین صد سیلی استاد داشت |
| ۲ بهترین راه گزین که دو ره پیش تو است | یک رخت سوی نعیم است و دگر سوی بلاست |
| ۳ چو شد محرم ز یک دریا همه نامی که دانستم | در این دریای بی‌نامی دو نام آور نمی‌دانم |
| ۴ هر باب از این کتاب نگارین که بر کنی | همچون بهشت گویی از آن باب خوشتر است |

۲۱۷ در ابیات زیر، مجموعاً چند وابسته پیشین وجود دارد؟

«این همان بلبل گویاست که صیاد قضا
 «گر بخواهی که بری بهره ز فرهنگ وجود
 «از پس شکر و تحیت، به جنباش گفتم
 نایش از نغمه فروبست و پرش از پرواز»
 از همه عالم فارغ شو و زی او پرداز»
 کای خداوند از تو یکی پرسم راز»

- | | | | |
|------|------|--------|-------|
| ۱ دو | ۲ سه | ۳ چهار | ۴ پنج |
|------|------|--------|-------|

۲۱۸ در بیت کدام گزینه، «نهاد» اولین واژه بیت است؟

- ۱ قیامت باشد آن قامت در آغوش
- ۲ غلام کیست آن لعبت که ما را
- ۳ نصیحت گوی ما عقلی ندارد
- ۴ حدیث حسن خویش از دیگری پرس
- ۵ شراب سلسبیل از چشمه نوش
- ۶ غلام خویش کرد و حلقه در گوش؟
- ۷ بر او گو: در صلاح خویشتن کوش
- ۸ که سعدی در تو حیران است و مدهوش

۲۱۹ در کدام گزینه، «دیگر» صفت مبهم نیست؟

- ۱ با زمانی دیگر انداز ای که پندم می‌دهی
- ۲ سعدی چو جورش می‌بری نزدیک او دیگر مرو
- ۳ طبع تو سیر آمد از من جای دیگر دل نهاد
- ۴ تو به هر جا که فروود آمدی و خیمه زدی
- ۵ کاین زمانم گوش بر چنگست و دل در چنگ نیست
- ۶ ای بی‌بصر! من می‌روم؟ او می‌کشد قلاب را
- ۷ من که را جویم که چون تو طبع هر جایم نیست
- ۸ کس دیگر نتواند که بگیرد جای

۲۲۰ نوع کلمات کدام مجموعه با مجموعه های دیگر متفاوت است؟

- ۱ کردار - دستار - جستار - سپیدار
- ۲ گرفتار - برخوردار - مُردار - خریدار
- ۳ کشتار - رفتار - نوشتار - ساختار
- ۴ دیدار - شنیدار - گفتار - پندار

۲۲۱ وابسته مضاف‌الیه در کدام عبارت «وندی مرکب» است؟

- ۱ اهداف کلی آموزش زبان فارسی در مقاطع تحصیلی مختلف
- ۲ مطالعه کتب درسی و آشنایی با مسائل و موضوعات آن
- ۳ بهترین و مناسب ترین تشخیص واحدهای زیر زنجیری گفتار
- ۴ نگرش عمیق و مثبت به موضوعات ارائه شده کتاب

۲۲۲ نقش دستوری واژه‌های مشخص شده، به ترتیب در کدام گزینه تماماً درست است؟

- ۱ بسیار کس شدند اسیر کمند عشق
- ۲ گر افتد گذری بر وجود کشته عشق
- ۳ امشب به راستی شب ما روز روشن است
- ۴ سعدی نظر بیوشان، یا خرقة در میان نه
- ۵ تنها نه از برای من این شور و شر فتاد (مسند، مضاف‌الیه)
- ۶ سخن بگویی که در جسم مرده جان آری (مضاف‌الیه، مفعول)
- ۷ عید وصال دوست علی‌رغم دشمن است (قید، مضاف‌الیه)
- ۸ رندی روا نباشد در جامه فقیری (نهاد، متمم)

۲۲۳ الگوی ساخت واژه‌های وندی «دیده، پیرایه، رویگری، تابان» با کدام گزینه یکسان است؟

- ۱ دسته، نمایه، صوفی‌گری، خندان
- ۲ پایه، ساده، کوزه‌گری، سامان
- ۳ بسته، آویزه، آرایشگری، گریان
- ۴ بنده، ماله، وحشی‌گری، سوزان

۲۲۴ در متن زیر چند «صفت بیانی» وجود دارد؟

«اندک‌اندک جلوه‌هایی از تقدیر درخشان این نهضت به ملت لبخند زد. حلول این صبح روشن را پاس می‌داریم و یاد ایثارگران سهیم در این حماسه سترگ را - تا همیشه - در خاطره خویش به تابناکی پاس می‌داریم»

- ۱ سه
- ۲ چهار
- ۳ پنج
- ۴ شش

۲۲۵ به ترتیب «صفت فاعلی، صفت لیاقت، صفت مفعولی، بن مضارع» از مصدر «نوشتن» در کدام گزینه آمده است؟

- ۱ نوشته، نویسنده، نوشتنی، نویس
- ۲ نوشته، نویسنده، نوشتنی، بنویس
- ۳ نویسنده، نوشته، نوشتنی، بنویس
- ۴ نویسنده، نوشتنی، نوشته، نویس

۲۲۶ نوع صفت‌های بیانی به کار رفته در عبارت «آن باغ گل‌های رنگین و معطر شعر و خیال که صمیمانه قلب کودکان‌هم‌چون پروانه شوق در آن می‌پرید، در سموم این عقل بی‌درد پژمرد و صفای اهورایی آن همه زیبایی به این علم عددیین آلود» در کدام گزینه درست است؟

- ۱ نسبی، مطلق، نسبی، نسبی، فاعلی
- ۲ مفعولی، مطلق، نسبی، مطلق، نسبی
- ۳ نسبی، مطلق، نسبی، مطلق، نسبی، فاعلی
- ۴ مفعولی، نسبی، مطلق، نسبی، مطلق، نسبی، فاعلی

۲۲۷ در کدام بیت «این» نقش «صفت» دارد؟

- ۱ برآمد برین روزگار دراز
- ۲ بزن زخم، این مرهم عاشق است
- ۳ ای که منظور بینی و تأمل نکنی
- ۴ گر بلایی رو نماید، رو متاب
- ۵ کشید ازدهافش به تنگی فراز
- ۶ که بی‌زخم مردن، غم عاشق است
- ۷ گر تو را قوت این هست، مرا امکان نیست
- ۸ کز بلا این کار ما بالا شود

۲۲۸ در همه ابیات به استثنای واژه‌ای به کار رفته که معنای پیشین خود را از دست داده است و امروزه با معنای جدید به کار می‌رود.

- ۱ چه حاجت که نه کرسی آسمان
- ۲ هر ملک وجودی که به شوخی بگرفتی
- ۳ آچار سخن چیست؟ معانی و عبارت
- ۴ به خون و به مغز اندرون خار و خاک
- نهی زیر پای قزل ارسلان؟
- سلطان خیالت بنشاندی به خلافت
- نونو سخن آری چو فراز آمدت آچار
- شده غرق و بر گستوان چاک چاک

۲۲۹ در کدام بیت واژه‌های یافت می‌شود که با حفظ معنای قدیم معنای جدید پذیرفته است؟

- ۱ عنان میبچ که گر می‌زنی به شمشیرم / سپر کنم سر و دست ندارم از فتراک
- ۲ چنین که غمزه شوخ تو مست و مخمور است / چرا به گوشه محراب می‌کند بازی
- ۳ شخصی که تر از شربت تو شد جگر او / لب خشک نماند به همه عمر چو سوفار
- ۴ به گیسوی تو خوردم دوش سوگند / که من از پای تو سر برنگیرم

۲۳۰ پسوند «ان» در همه گزینه‌ها به جز گزینه کاربرد دوگانه‌ای دارد.

- ۱ افزون ز که کوهان او از عاج تر دندان او
- ۲ چون بساط خسروان است از طرایف بوستان
- ۳ گر شبانگه مشود دیده ابری گریان
- ۴ چه سازد با دل افسردگان شور نوای من
- از تیرها مژگان او از نوک سوفارش دهان
- چون درفش کاویان است از جواهر میوه‌دار
- بامدادان به چمن غنچه خندانی نیست
- نمک در دیده غافل نهادن خواب می‌گردد

۲۳۱ نقش قسمت مشخص شده در کدام گزینه با گزینه‌های دیگر یکسان نیست؟

- ۱ چنین آن دو ماهر در آداب ضرب
- ۲ دم تیغ بر گردش چون رسید
- ۳ برافراخت پس دست خیر گشا
- ۴ چو نمود رخ شاهد آرزو
- ز هم رد نمودند هفتاد حرب
- سر عمرو صد گام از تن پرید
- پی سر بریدن بیفشرد پا
- به هم حمله کردند باز از دو سو

۲۳۲ معنای فعل از مصدر «ایستادن» در کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱ با سینه گشاده در آماجگاه خاک
- ۲ صف دشمن تو را نایستد پیش
- ۳ گوش تو زی بانگ اوست و خواندن او را
- ۴ عارف چو بحر باید، لب خشک و رخ گشاده
- بی اضطراب هم‌چو هدف ایستاده‌ایم
- ور همه آهنین تو را باشد
- بر سر کوی ایستاده‌ای به بهانه
- بر جای خود چو بحری جوشان و ایستاده

۲۳۳ تعداد ترکیب‌های وصفی در مقابل همه ابیات درست بیان شده است، به جز

- ۱ برگ درختان سبز پیش خداوند هوش
- ۲ ای همه شکل تو مطبوع و همه جای تو خوش
- ۳ با چون تو حریری به چنین جای در این وقت
- ۴ اگر آن طایر قدسی ز درم باز آید
- هر ورقی دفتری است معرفت کردگار (دو)
- دلم از عشوه شیرین شکرخای تو خوش (چهار)
- گر باده خورم خمر بهشتی نه حرام است (دو)
- عمر بگذشته به پیرانه سرم باز آید (سه)

۲۳۴ در کدام گزینه حرف «را» بین مضاف و مضاف الیه فاصله ایجاد کرده است؟

- ۱ آن کس شیخ را گفت: «خدایت در بهشت کناد شیخ گفت: در آن جا جز شلان و کوران نباشند»
- ۲ درویشی حکایتی چند از آن شیخ خواست آن را می‌نوشتم؛ شیخ گفت: حکایت نویس مباح.
- ۳ بی خویشتن نشست بود، خواجه وار، شیخ ما را چشم بر وی افتاد. شیخ با کشی خلقی بکرد.
- ۴ روزی درویشی را بنشانده تا از حکایت های شیخ ما، او را چیزی می‌نوشتم.

۲۳۵ نوع دستوری «را» در کدام گزینه با گزینه های دیگر تفاوت دارد؟

- ۱ چه باشد گر خورم صدسال تیمار
- ۲ مرا تا عشق صبر از دل براندست
- ۳ نبینی آن که دارد بلبلی را
- ۴ تو را در دل درخت مهربانی
- چو بینم دوست را یک روز دیدار
- بدین امید جان من بماندست
- که از بانگش طرب خیزد دلی را
- به چه ماند؟ به گلزار خزانی

۲۳۶ همهٔ واژه‌های گزینه دو به دو به لحاظ رابطهٔ معنایی در یک حوزه قرار می‌گیرند.

- ۱) ادربار و اقبال - درویش و غنی - یقین و شک - عشق و عقل
۲) خویش و فامیل - دون و پست - نژد و غمگین - فخر و عار
۳) جیب و گریبان - اجل و حیات - ضایع و تباه - مناجات و تحمیدیه
۴) حلاوت و شیرینی - مغز و پوست - بخشش و کرم - خرد و رای

۲۳۷ ترکیب مشخص شده در همهٔ گزینه‌ها ترکیب وصفی است به استثنای گزینه

- ۱) با زمانی دیگر انداز ای که پندم می‌دهی
۲) فخری که از وسیلت دون همّتی رسد
۳) گریهٔ شام و سحر شکر که ضایع نگشت
۴) معیار دوستان دغل روز حاجت است
کاین زمان گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست
گر نام و ننگ داری از آن فخر عار دار
قطرهٔ باران ما گوهر یکدانه شد
قرضی برای تجربه از دوستان طلب

۲۳۸ معنای «شد» در کدام یک از ابیات زیر با بقیه متفاوت است؟

- ۱) نرگس ساقی بخواند آیت افسونگری
۲) منزل حافظ کنون بارگه پادشاست
۳) زاهد خلوت‌نشین دوش به میخانه شد
۴) ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز
حلقهٔ اوراد ما مجلس افسانه شد
دل بر دلداری رفت جان بر جانانه شد
از سر پیمان برفت با سر پیمانه شد
کان سوخته را جان شد و آواز نیامد

۲۳۹ در همهٔ گزینه‌ها به جز گزینه «نقش تبعی» به کار رفته است.

- ۱) در چشم پاک‌بین نبود رسم امتیاز
۲) تو خود وصال دگر بودی ای نسیم وصال
۳) ساقی بیا و باده ده اکنون که فرصت است
۴) از جفای تو من زار چو رفتم، رفتم
در آفتاب، سایهٔ شاه و گدا یکی است
خطا نگر که دل امید در وفای تو بست
مطرب بزن ترانه که فرصت غنیمت است
لطف کن که این بار چو رفتم، رفتم

۲۴۰ نقش کلماتی که زیر آن‌ها خط کشیده شده به ترتیب در کدام گزینه درست آمده است؟

«لقمان را گفتند ادب از که آموختی؟ گفت از بی‌ادبان»

- ۱) مفعول، نهاد، حرف ربط، نهاد
۲) متمم، مفعول، متمم، متمم
۳) مفعول، مفعول، متمم، متمم
۴) نهاد، منادا، حرف ربط، متمم

۲۴۱ در کدام عبارت، وابستهٔ مضاف‌الیه واژهٔ «وندی» است؟

- ۱) طنین قاطع کنندهٔ فرمان وحی در فضای درون من
۲) نخستین صدای زنگ‌های این کاروان رحیل کرده به سوی حج
۳) قناعت به حداقل ضرورت، لازمهٔ رسیدن به اوج مراتب انسانی
۴) اعتراض شاعر به مخالفان و بدگویان برای اثبات بی‌گناهی خویش

۲۴۲ ابیات کدام گزینه با مفهوم بیت زیر قرابت معنایی دارند؟

- «خرد را گر نبخشد روشنایی
الف) وگر زان زلف بندی برگشایی
ب) خرد را تو روشن بصر کرده‌ای
ج) خرد بخشید تا او را شناسیم
د) مهره‌کش رشتهٔ باریک عقل
بماند تا ابد در تیره‌رایی
چراغ عقل یابد روشنایی
چراغ هدایت تو بر کرده‌ای
بصارت داد تا هم زو هراسیم
روشنی دیدهٔ تاریک عقل

- ۱) ج - الف
۲) د - ج
۳) د - ب
۴) الف - ب

۲۴۳ مفهوم کنایی کدام بیت در مقابل آن نادرست است؟

- ۱) سیلاب ریشهٔ ما نتواند از زمین کند / خار علایق از بس دامن ما گرفته (بایداری)
۲) خویش را پیش تر از مرگ خبر باید کرد / در حضر فکر سرانجام سفر باید کرد (پیش بینی و عدم غفلت)
۳) آن چه از ریخت به پیمانهٔ ما نوشیدیم / اگر از خمر بهشت است و گر از بادهٔ مست (تسلیم و رضا)
۴) به هواداری او درّه صفت رقص کنان / تا لب چشمهٔ خورشید درخشان بروم (کشش و کوشش)

۲۴۴ کدام دو بیت با هم قرابت مفهومی ندارند؟

- ۱ نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی
نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی
- ۲ سعدی از آن جا که فهم اوست سخن گفت
یکی را به سر برنهد تاج بخت
- ۳ همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو ببوشی
مگر تو خود به خموشی ثنای خود گویی
- ۴ خود نه زبان در دهان عارف مدهوش
حسنه به ازل نظر چو در کارم کرد
- ۵ حمد و ثنا می کند که موی بر اعضا
بنمود جمال و عاشق زارم کرد
- ۶ پیش از آن کاندز جهان باغ و می و انگور بود
از شراب لایزالی جان ما مخمور بود

۲۴۵ مفهوم عبارت «كُلُّ شَيْءٍ يَرْجِعُ إِلَى أَصْلِهِ» در کدام بیت وجود ندارد؟

- ۱ مادر فرزند، جویای وی است
- ۲ سیر جسم خشک، بر خشکی فتاد
- ۳ جان، گشاده سوی گردون بال‌ها
- ۴ دل تو را در کوی اهل دل کشد
- ۵ اصل‌ها مرفوع‌ها را در پی است
- ۶ سیر جان، پا در دل دریا نهاد
- ۷ تن، زده اندر زمین چنگال‌ها
- ۸ تن تو را در حبس آب و گل کشد

۲۴۶ بیت زیر با همه ابیات تقابل مفهومی دارد؛ به جز

- «مگو سوخت جان من از فرط عشق»
 ۱ بند لب عاشق نشود مهر خموشی
 ۲ فکر تو خموشی است «حزین» از سخن عشق
 ۳ در انجمن عشق که گفتار خموشی است
 ۴ صحبت عشق و خموشی در نمی‌گیرد به هم
 ۵ در نی گریه نیست که منقار نگردد
 ۶ این کهنه شرابی است که از جوش فتاده
 ۷ خاموش نشستن ز سخندانی عقل است
 ۸ می‌شکافد سنگ را از شوخ‌چشمی این شرار

۲۴۷ عبارت زیر با کدام گزینه قرابت مفهومی ندارد؟

- «طعن و ناسزای دشمنان را هرگز جواب تلخ نمی‌داد و به نرمی و حُسن خلق، آنان را به راه راست می‌آورد.»
- ۱ چه کند سیل گران‌سنگ، به همواری دشت
 - ۲ وفا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم
 - ۳ درشتی و نرمی به هم در به است
 - ۴ ملول از هم‌رهان بودن طریق کاروانی نیست
 - ۵ خاک در دیده دشمن به مدارا زده‌ام
 - ۶ که در طریقت ما کافری است رنجیدن
 - ۷ چو رگ‌زن که جراح و مرهم نه است
 - ۸ بکش دشواری منزل به یاد عهد آسانی

۲۴۸ کدام گزینه با مصراع «همه بیشی تو بکاهی همه کمی تو فزایی» ارتباط معنایی دارد؟

- ۱ اگر عزّ و جاه است و گر ذلّ و قید
- ۲ هرگز بلندکرده بخت مباد پست
- ۳ چونان که فزودی بکاهی، ایراک (زیرا که)
- ۴ این دولت من بس که منم بنده تو
- ۵ من از حق شناسم نه از عمرو و زید
- ۶ هرگز عزیز کرده جودت مباد خوار
- ۷ بر سیرت و بر عادت گیاهی
- ۸ این عزّت من بس که خداوند تویی

۲۴۹ در کدام بیت، آرایه تناقض (پارادوکس) مشهود است؟

- ۱ شب رفت صبح آمد، غم رفت فتوح آمد
- ۲ خوبان پارسی گو بخشندگان عمرند
- ۳ ای یوسف خوش‌نام ما، خوش می‌روی بر بام ما
- ۴ آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است
- ۵ خورشید درخشان شد تا باد چنین بادا
- ۶ ساقی بده بشارت رندان پارسا را
- ۷ ای در شکسته جام ما، ای بر بریده دام ما
- ۸ با دوستان مروّت با دشمنان مدارا

۲۵۰ کدام بیت با سایر ابیات قرابت معنایی ندارد؟

- ۱ چو روزی به سعی آوری سوی خویش مکن تکیه بر زور بازوی خویش
- ۲ بخور تا توانی به بازوی خویش که سعیت بود در ترازوی خویش
- ۳ ز دانایی چو دم زد رزق را از محض دانایی ز سعی خویش می‌داند زهی انسان و کفرانش
- ۴ کس به مقصد کی رسد از سعی خویش کوشش ما سر به سر بی‌حاصل است

۲۵۱ فقط بیت گزینه با دیگر ابیات تناسب معنایی ندارد.

- ۱ بر نیاید شعله را از سر، هوای سرکشی نفس چون از دل برآرد ریشه حبّ جاه را؟
- ۲ مرغی که ز دام نفس خود رست هر جای که بر پرد، نترسد
- ۳ اهل صیقل رسته‌اند از بوی و رنگ هر دمی بینند خوبی بی‌درنگ
- ۴ از چنبر نفس، رسته بودند آنها بت‌ها همه را شکسته بودند آنها

۲۵۲ مفهوم همه ابیات به جز بیت با یکدیگر قرابت دارد.

- ۱ جسم خاکی است حجاب نظر راهروان سیل چون گرد ره از خویش فشاند، دریاست
- ۲ با حجاب تن خاکی نتوان واصل شد کوزه خود بشکن، لب به لب جو بگذار
- ۳ مسوز این تن خاکی ز تاب آتش خشم که خاک را نبود تاب هیچ‌گونه عذاب
- ۴ بگشای دو دست خود گر میل کنار است بشکن بت خاکی را تا روی بتان بینی

۲۵۳ مفهوم کدام گزینه با بیت زیر قرابت معنایی دارد؟

«با بال شکسته پر گشودن، هنر است / این را همه پرنده‌گان می‌دانند»

- ۱ پای شکسته گرچه به جایی نمی‌رسد / آه شکستگان به اثر زود می‌رسد مرغ شکسته بال دل من که روز و شب / پرواز در هوای رخ یار می‌کند
- ۲ اقبال بین که از پی طی ره وصال / پرواز داده شوق به مرغ شکسته بال دل‌ها از آن مسخر من شد که همچو زلف / پرواز من همیشه به بال شکسته بود

۲۵۴ مفهوم بیت زیر با همه ابیات به جز قرابت دارد.

«رزق هر چند بی‌گمان برسد / شرط عقل است جستن از درها»

- ۱ رزق بی‌کوشش نمی‌آید به کف، حرف است این نیم‌نانی می‌رسد تا نیم‌جانی در تن است
- ۲ این که روزی بی‌تردد می‌رسد، افسانه است پنجه کوشش کلید رزق را دندان است
- ۳ شد به لب وا کردنی گنجینه گوهر صدف در تلاش رزق، آدم بی‌دهن باشد چرا
- ۴ من از رسیدن روزی به خویش دانستم که رزق مردم بی‌دست و پا خدا دادست

۲۵۵ مفهوم بیت زیر در کدام بیت وجود ندارد؟

«در نیابد حال پخته هیچ خام پس سخن کوتاه باید والسلام»

- ۱ فریاد من از سوختگی هاست چو آتش چون باده ز خامی نبود جوش و خروشم
- ۲ تا نسوزد بر نیاید بوی عود پخته داند کاین سخن با خام نیست
- ۳ آتش روی تو زین گونه که در خلق گرفت عجب از سوختگی نیست که خامی عجب است
- ۴ دردا که پیچیم در این سوز نهانی وان را خبر از آتش ما نیست که خام است

۲۵۶ مفهوم کدام گزینه با سایر گزینه‌ها تناسب ندارد؟

- ۱) گر بایاد مرد باری خیز و در میدان بمیر / مرگ در میدان به از مرگی که اندر بستر است
- ۲) مردن اندر شیرمردی بهتر از ننگ فرا / کآدمی را عاقبت سیل فنا در معبر است
- ۳) صلح اگر خواهی به ساز و برگ لشگر کوش از آنک / بیش ترسد دشمن از تیغی که بیشش جوهر است
- ۴) قتلگاه خویش را با دیده خواری مبین / زان که آن جا قصر حورالعین و حوض کوثر است

۲۵۷ عبارت زیر با کدام بیت تناسب معنایی دارد؟

«هر درختی را ثمره معین است که به وقتی معلوم به وجود آن تازه آید و گاهی به عدم آن پژمرده شود و سرو را هیچ از آن نیست و همه وقتی خوش است.»

- ۱) به همت می توان قطع تعلق کرد از دنیا
- ۲) گرچه چون سرو تماشاگاه اهل نظرم
- ۳) قمریان را عقده‌ای ای سرو از دل باز کن
- ۴) ندارد نشئه آزادی ما ساغر دیگر

۲۵۸ بیت زیر، با همه ابیات قرابت مفهومی دارد، به جز:

«چون شیر به خود سپه شکن باش / فرزند خصال خویشان باش»

- ۱) پارسا باش و نسبت از خود کن / پارسازادگی ادب نبود
- ۲) چو کنعان را طبیعت بی هنر بود / پیمبرزادگی قدرش نیفزود
- ۳) نباید کند جز که نام نکو / خردمند زین زیستن آرزو
- ۴) هنر بنمای اگر داری نه گوهر / گل از خار است و ابراهیم از آزر

۲۵۹ کدام یک از ابیات زیر با بیت «دانست که دل، اسیر دارد / دردی نه دواپذیر دارد» تناسب معنایی ندارد؟

- ۱) طبیب از من به جان آمد که سعدی قصه کوتاه کن
- ۲) آن را که چنین دردی از پای دراندازد
- ۳) در علاج درد ما رنگ از رخ تدبیر ریخت
- ۴) عاشق آشفته فرمان کی برد

۲۶۰ بیت: «تا نگردي آشنا زین پرده رمزی نشنوی / گوش نامحرم نباشد جای پیغام سروش» با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟

- ۱) آشنایی‌های آن بیگانه پرور بین که من
- ۲) دعوی عشق ز هر بلهوسی می آید
- ۳) نیست پروا تلخ کامان را ز تلخی‌های عشق
- ۴) حرف از صفای سینه مگو پیش زاهدان

۲۶۱ متن زیر، با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

«کجا هستند پادشاهانی که به هنگام نوشیدن ساغر مرگ، در این کاخ‌ها، فرمانروایی می‌کردند؟ چه بناهایی که صبح برپا بود و عصر ویران گشت.»

- ۱) در تاب توبه چند توان سوخت همچو عود
- ۲) گفتم ای مسند جم جام جهان بینت کو
- ۳) دهان تنگ شیرینت مگر ملک سلیمان است
- ۴) عمرتان بادا دراز ای ساقیان بزم جمع

۲۶۲ فقط بیت گزینه با بیت زیر قرابت معنایی دارد.

«ناتم افزود و آبرویم کاست / بینوایی به از مذلت خواست»

- ۱) خرابی باعث تعمیر باشد بینوایی را
- ۲) «فیاض» طعن خواری ما بیش از این مزین
- ۳) برگ عیش بی خزان در بینوایی یافتم
- ۴) دست طلب چو پیش کسان می کنی دراز

۲۶۳ مفهوم عبارت: «مردمی که به خانه‌های تاریک و بی‌دریچه عادت کرده‌اند، از پنجره‌های باز و نورگیر، گریزان هستند، آخر چشمشان را می‌زند و خسته‌شان می‌کند.» در کدام گزینه یافت نمی‌شود؟

- ۱ تو خود روشندل و صاحب نظر باش
- ۲ نور خورشید در جهان فاش است
- ۳ تو را که چشم ز نور ستاره خیره شود
- ۴ تو کز سرای طبیعت نمی‌روی بیرون
- چه سود از پند نابیناست خفاش
- آفت از ضعف چشم خفاش است
- ز آفتاب حقیقت چه در توانی یافت؟
- کجا به کوی طریقت گذر توانی کرد؟

۲۶۴ مفهوم کلی دو بیت با یکدیگر تقابل دارد؟

- الف- نه سایه دارم و نه بر بیفکنندم و سزاست
- ب- اگر برگ وبری داری ز خود بفشان که پیوسته
- ج- درخت اگر متحرک شدی ز جای به جای
- د- جانت را دانش نگه دارد ز دوزخ همچنانک
- اگر نه بر درخت تر کسی تبر نمی‌زند
- تبر پیوند اینجا با درخت بارور دارد
- نه جور ارّه کشیدی و نی جفای تیر
- بر نگه دارد درختان را ز آتش و ز تبر

- ۱ الف - ج ۲ ج - د ۳ ب - ج ۴ الف - ب

۲۶۵ قسمت مشخص شده، در کدام گزینه به معنی «توجه نکردن و باور نداشتن» است؟

- ۱ خروشید کای پایمردان دیو
- ۲ به نیروی یزدان نیکی دهش
- ۳ نباشم بدین محضر اندر گوا
- ۴ برین رزمگه شان به جنگ آوریم
- بریده دل از ترس گیهان خدیو
- کزین کوه آتش نیابم تپش
- نه هرگز بر اندیشم از پادشا
- خود ایدر زمانی درنگ آوریم

۲۶۶ مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱ من به وصف کی رسم جایی که با کلّ کمال
- ۲ خاطر ما وصف ذاتش چون تواند گفت چون؟
- ۳ چون من حیران توانم از تماشایش گذشت؟
- ۴ چگونه وصف جمالش کنم که حیران را
- در بیابان تحیر عقل سرگردان اوست
- ناطقه مدهوش و دل سرگشته، جان حیران اوست
- آب نتوانست از آن سرو خرامان بگذرد
- مجال نطق نباشد که باز گوید چون

۲۶۷ کدام گزینه به مفهوم بیت زیر نزدیک‌تر است؟

«کمال عقل آن باشد در این راه که گوید نیستم از هیچ آگاه»

- ۱ توانا و دانا و دارنده اوست
- ۲ به نام خداوند جان و خرد
- ۳ در جلالت عقل و جان فرتوت شد
- ۴ گوش آن کس نوشد اسرار جلال
- خرد را و جان را نگارنده اوست
- کزین برتر اندیشه برنگذرد
- عقل حیران گشت و جان مبهوت شد
- کو چو سوسن صد زبان افتاد و لال

۲۶۸ مفهوم «عزیزترین رفقای من، حسن سیرت را با صباحت توأم داشت.» با کدام گزینه قرابت دارد؟

- ۱ ذات او راست صفات ملکی و بشری
- ۲ من آن را آدمی دانم که دارد سیرت نیکو
- ۳ سیرت مرد نگر در گذر از صورت و ریش
- ۴ ای صاحبی که صورت و شکل مبارکت
- که به سیرت ملک است او و به صورت بشر است
- مرا چه مصلحت با آن که این گبرست و آن ترسا
- کان گیا کش بنگارند نچینند برش
- مر سیرت بدیع تو را ترجمان فتاد

۲۶۹ کدام بیت با عبارت «مرد باید در میان بازار مشغول تواند بود، چنان که یک لحظه از حق تعالی غایب نشود.» تناسب مفهومی دارد؟

- ۱ طریقت به جز خدمت خلق نیست
- ۲ لاف آن بهتر که در میدان سربازان ز نیم
- ۳ از خلق نهفته چند باشی
- ۴ شرط مردی نیست در خلوت خدا را داشتن
- به تسبیح و سجاده و دلق نیست
- شرط دعوی نیست تنها گوی و چوگان باختن
- ناسوده نخفته چند باشی
- مرد آن است در میان مردمان با حق بود

۲۷۰ کدام گزینه با مفهوم عبارت «وی در کوه ساکن شده است؟ بس کاری نباشد.» تناسب دارد؟

- ۱) کناره گیر ز مردم صفای وقت بین
- ۲) اگر پای در دامن آری چو کوه
- ۳) وحشت چو رو دهد همه جا کنج عزلت است
- ۴) تلاش گوشه نشینی ز پوچ مغزی هاست
- که قطره گوشه گرفت از محیط، گوهر گشت
- سرت ز آسمان بگذرد در شکوه
- رفتن به کوه و دشت و بیابان چه لازم است
- که خلوت تو همان پر هواست هم چو حباب

۲۷۱ کدام گزینه با بیت زیر تناسب مفهومی ندارد؟

- «به آنچه می گذرد دل منه که دجله بسی / پس از خلیفه بخواهد گذشت در بغداد»
- ۱) نظامی نیست دنیا را دلا از عهد او بگسل
 - ۲) پیر ما گفت جهان بر روشی محکم نیست
 - ۳) دولت ده روزه دنیا بود نقشی بر آب
 - ۴) حب دنیا بت بود دل خانه حق ای عجب
 - منه بر کار دنیا دل که دنیا بی ثبات آمد
 - از خوش و ناخوش او قطع نظر باید کرد
 - دل به نقش موج دریای بی لنگر منه
 - در درون خانه حق بت نهان کردن چرا

۲۷۲ بیت «به آن چه می گذرد دل منه که دجله بسی / پس از خلیفه بخواهد گذشت در بغداد» با کدام بیت قرابت معنایی ندارد؟

- ۱) در عالم فنا که بقا پا به رکاب است
- ۲) جهان پیر است و بی بنیاد، از این فرهادکش فریاد
- ۳) جهان پیر رعنا را ترخم در جلت نیست
- ۴) دامنم دجله بغداد شد از حسرت آن
- گر زندگی خضر بود، نقش بر آب است
- که کرد افسون و نیرنگش ملول از جان شیرینم
- ز مهر او چه می پرسی در او همت چه می بندی؟!
- که نسیمی رسد از جانب بغداد مرا

۲۷۳ مفهوم مقابل بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟

- «پنهان ز دیده ها و همه دیده ها از اوست / آن آشکار صنعت پنهانم آرزوست»
- ۱) آن دوست زهر ذره خود را به شما بنمود
 - ۲) صبر هم سودی ندارد کآب چشم
 - ۳) گفتم به نیرنگ و فسون پنهان کنم ریش درون
 - ۴) بر او علم یک ذره پوشیده نیست
 - در مشرق و در مغرب یک دیده بینا کو
 - راز پنهان آشکارا می کند
 - پنهان نمی ماند که خون بر آستانم می رود
 - که پیدا و پنهان به نزدش یکی است

۲۷۴ مفهوم کدام گزینه با بیت «هلا منکر جان و جانان ما / بز ن زخم انکار بر جان ما» تناسب دارد؟

- ۱) دل به جز انکار زهد، کار ندارد اگر
- ۲) بس که از پهلونشینان زخم منکر خورده ام
- ۳) شمع ز دم سرد خسان باک ندارد
- ۴) زخم دلخواهی که خورد از دست جانان «محتشم»
- کار تو داری دلا، چون به از این کار نیست
- می خلد بند قبا چون تیر در پهلوی من
- خورشید ز صرصر نکند هیچ محابا (صرصر: باد سخت و سرد)
- مذعی از رشک خواهد شد به جای او هلاک

۲۷۵ مفهوم آیه «تُعْزُ مِنْ تَشَاءُ وَ تُدَلِّ مِنْ تَشَاءُ» با کدام بیت، متناسب است؟

- ۱) آن که را کردگار کرد عزیز
- ۲) آن که خود را شناخت نتواند
- ۳) آن که عیب تو گفت، یار تو اوست
- ۴) آن که با طمع سرو کار است
- نتواند زمانه خوار کند
- آفریننده را کجا داند
- وان که پوشیده داشت، مار تو اوست
- گر عزیز جهان بود خوار است

۲۷۶ مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱) بلبل را که به دیدار ز گل قانع شد
- ۲) باش خرسند چو مردان به قناعت صائب
- ۳) مورم اما خوشه چین خرمن دونان نی ام
- ۴) دل قانع ز احسان کریمان است مستغنی
- در اگر بسته شود رخنه و دیواری هست
- که فقیر از دل خرسند توانگر گردد
- می کنم شکر به اکسیر قناعت خاک را
- به آب تلخ دریا احتیاجی نیست گوهر را

۲۷۷ مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱ نیفتد با کسی ما را سر و کار / که خود هم توشه داریم و هم انبار
- ۲ نبود به ناز بالش مردم مرا نیاز / کز دست خود بود چو سیو تکیه گاه من
- ۳ محتاج به می نیست رخ لاله عذاران / این جام ز خود باده گلرنگ برآرد
- ۴ در بزم ما به باده و جام احتیاج نیست / ما را بس است مستی ذکر مدام دوست

۲۷۸ کدام بیت مفهوم «قناعت» را می‌رساند؟

- ۱ غم دنیای دنی چند خوری باده بخور / حیف باشد دل دانا که مشوش باشد
- ۲ خلعت دنیا زیاد از خویشتن در دسر است / آن چه می‌آید زیاد از آستین، چین می‌شود
- ۳ تو را هر گوهر گوید مشو قانع به حسن من / که از شمع ضمیر است آن که نوری در جبین دارم
- ۴ گدای کوی تو از هشت خلد مستغنی است / اسیر عشق تو از هر دو عالم آزاد است

۲۷۹ بیت: «هرکسی کاو دور ماند از اصل خویش / باز جوید روزگار وصل خویش» با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

- ۱ دل، قطره‌ای ز شبنم دریای عشق اوست / کز راه دیده به دریا همی رود
- ۲ سیل دریا دیده، هرگز بر نمی‌گردد به خود / نیست ممکن هر که مجنون شد دگر عاقل شود
- ۳ چون ز دریا سوی ساحل بازگشت / چنگ شعر مثنوی با ساز گشت
- ۴ سروری را اصل و گوهر برترین سرمایه است / مردم بی اصل و بی گوهر نیابد سروری

۲۸۰ بیت «بشنو، از نی چون حکایت می‌کند / از جدایی‌ها شکایت می‌کند» با کدام بیت تقابل مفهومی دارد؟

- ۱ سینه مالامال درد است، ای دریغا مرهمی / دل ز تنهایی به جان آمد خدا را مرهمی
- ۲ عاشق بیدار را دیدار آرد در خروش / عندلیب از شوق گل فریاد و زاری می‌کند
- ۳ دلم از جور تو بسیار شکایت دارد / وقت آن شد که شکایت به حکایت آرد
- ۴ دارم دلی که سوخته اشتیاق اوست / جز وصل او چه چاره بود اشتیاق را

۲۸۱ مفهوم کدام بیت با ابیات دیگر متفاوت است؟

- ۱ در نمی‌گیرد به ارباب خرد افسون عشق / گر نه‌ای بیکار، خون مرده را تلقین مکن
- ۲ نیست تدبیر خرد را در جهان عشق کار / ناخدا و تخته کشتی در این دریا یکی است
- ۳ مایه پرهیزگار قوت صبر است و عقل / عقل گرفتار عشق صبر زیون هواست
- ۴ عقل کجا پی برد شیوه سودای عشق / باز نیابی به عقل سد معمای عشق

۲۸۲ کدام بیت با بیت زیر قرابت مفهومی دارد؟

- «باز آ که در هوایت خاموشی جنونم / فریادها برانگیخت از سنگ کوهساران»
- ۱ فریاد کز غم تو فریادرس ندارم / با که نفس بر آرم چون هم‌نفس ندارم
 - ۲ کوه از سیل سرشکم در صدا آید، بلی / گریه من سنگ را در ناله زار آورد
 - ۳ اگر این داغ جگر سوز که بر جان من است / بر دل کوه نهی سنگ به آواز آید
 - ۴ سنگ را در ناله می‌آرد وداع دوستان / بیستون فریادها در ماتم فرهاد کرد

۲۸۳ مفهوم همه ایات به استثنای بیت با یکدیگر تناسب دارد.

- ۱ با نیم پختگان نتوان گفت سوز عشق / خام از عذاب سوختگان بی خبر بود
- ۲ در نیابد حال پخته هیچ خام / پس سخن کوتاه باید والسلام
- ۳ بسیار سفر باید تا پخته شود خامی / صوفی نشود صافی تا درنکشد جامی
- ۴ پیر میخانه چه خوش گفت به دُردی کش خویش / که مگو حال دل سوخته با خامی

۲۸۴ مفهوم بیت زیر از کدام بیت دریافت می شود؟

«حسنّت به ازل نظر چو در کارم کرد بنمود جمال و عاشق زارم کرد»

- ۱ جامه دلبری و حسن به ابریشم ناز
بر قد سرو تو استاد ازل دوخته است
- ۲ گرچه تو را از ازل حسن خداداد بود
عشق که بود این که داد حسن تو را این رواج
- ۳ جز دمدمه عشق تو در گوش نماند
جان را ز حلاوت ازل هوش نماند
- ۴ عشق از لذت دیدار سراپا نظر است
حسن مشتاق نمود است و عیان خواهد بود

۲۸۵ کدام گزینه با بیت «پنهان ز دیده ها و همه دیده ها از اوست / آن آشکار صنعت پنهانم آرزوست» قرابت مفهومی دارد؟

- ۱ روشن گهری، پرده در راز نهان است / از چشم تو می خوردن پنهان تو گل کرد
- ۲ نور چشم مردم است از دیده مردم نهان / زان سبب انگشت نمای پیر و برنا کرده اند
- ۳ تا نهان کردی ز من رخ، یک نفس غایب نشد / صورت روی تو از چشم خیال اندوز من
- ۴ چشم کجا بیندش از ره صورت از آنک / هست نهان جای عقل در لب خاموش او

۲۸۶ کدام بیت با سایر ایات قرابت معنایی ندارد؟

- ۱ تانخوردی پشت پایی از جهان
خویش را زین گوشه گیری وارهان
- ۲ گوشه ای و گوشه ای و گوشه ای
توشه ای و توشه ای و توشه ای
- ۳ گوشه گیری کشتی نوح است در بحر وجود
از کشاکش وارهان جسم نزار خویش را
- ۴ قطره باران ز فیض گوشه گیری شد گهر
زینهار از خلوت ای روشن روان بیرون میا

۲۸۷ ایات همه گزینه ها به استثنای بیت گزینه با مصراع نخست بیت زیر تناسب معنایی دارند.

«برداشته دل ز کار او بخت درماند پدر به کار او سخت»

- ۱ فلک با بخت من دایم به کینست
که با من بخت و دوران هم به کینست
- ۲ به اقبال دارای دیهیم و تخت
بهین میوه خسروانی درخت
- ۳ در ریاض ما نروید سرو اقبال بلند
بخت خرم، سبزه بیگانه بستان ماست
- ۴ تیره گون شد کوکب بخت همایون فال من
واژگون گشت از سپهر واژگون اقبال من

۲۸۸ در همه ایات به عدم تعلق و وابستگی سفارش شده است؛ به جز:

- ۱ گر بو بری زان روشنی آتش به خواب اندر زنی
کز شب روی و بندگی زهره حریف ماه شد
- ۲ تن را بدیدی جان نگر، گوهر بدیدی کان نگر
این نادره ایمان نگر، که ایمان در او گمراه شد
- ۳ خود را بیفشان چون شجر، از برگ خشک و برگ تر
بی رنگ نیک و رنگ بد توحید و یک تویی بود
- ۴ یک سو رو از گرداب تن، پیش از دم غرقه شدن
زیرا بقا و خرّمی زان سوی شش سویی بود

۲۸۹ مفهوم کدام بیت با سایر ایات متفاوت است؟

- ۱ در عهد من ز دهر مجو خوش دلی که هست
در شیشه زمانه وجودم جهان غم
- ۲ نظامی نیست دنیا را دلا از عهد او بگسل
منه بر کار دنیا دل که دنیا بی ثبات آمد
- ۳ مجو درستی عهد از جهان سست نهاد
که این عجزه عروس هزار داماد است
- ۴ دل در جهان مبند و به مستی سؤال کن
از فیض جام و قصه جمشید کامگار

۲۹۰ مفهوم بیت «چنین قفس نه سزای چو من خوش الحانی است / روم به گلشن رضوان که مرغ آن چمنم» در همهٔ گزینه‌ها به جز گزینهٔ دیده می‌شود.

- | | |
|--|------------------------------------|
| ۱) جان گشاده سوی گردون بال‌ها | تن زده اندر زمین چنگال‌ها |
| ۲) خود ز فلک برتریم وز ملک افزون‌تریم | زین دو چرا نگذریم منزل ما کبریاست |
| ۳) جان که از عالم علوی ست یقین می‌دانم | رخت خود باز بر آنم که همان جا فکنم |
| ۴) سبزهٔ خط تو دیدیم و ز بستان بهشت | به طلبکاری این مهر گیاه آمده‌ایم |

۲۹۱ مفهوم بیت زیر با کدام بیت، تناسب دارد؟

«بگفتا رو صبوری کن در این درد / بگفت از جان صبوری چون توان کرد»

- | | |
|---|-------------------------------------|
| ۱) ای آشنای کوی محبت صبور باش | بیداد نیکوان همه بر آشنا رود |
| ۲) صبر کن بر نفس گرم خود ای تشنه جگر | که چو دل آب شود چشمهٔ حیوان گردد |
| ۳) صبوری ورز اگر خواهی که کام دل به دست آری | سرانجام همه کارت بود از صبر پا برجا |
| ۴) هر آن کسم که نصیحت همی کند به صبوری | به هرزه باد هوا می‌دمد بر آهن سردم |

۲۹۲ هر دو بیت کدام گزینه از مفهوم بیت «عشق بازی، کار بیکاران بود / عاقلش با کار بیکاران چه کار؟» دور است؟

- | | |
|---------------------------------------|--|
| الف) چرخ طفل مکتب او بود و او پیر خرد | لیکن از پیران چون او معظم نخواهی یافتن |
| ب) عاشقی خود نه کار فرزانه است | عقل در راه عشق دیوانه است |
| ج) عقل تا جوید شتر از بهر حج | رفته باشد عشق تا کوه صفا |
| د) هم عقل را معلم لطف شده ادیب | هم خلق را مفرح خلقت شده صفا |
| هـ) شود آسان ز عشق کار چند | که بود نزد عقل بسی دشوار |
| و) ای عقل نگفتم که تو در عشق ننگی | در دولت خاقان نتوان کرد خلافت |
- ۱) ب، و ۲) الف، د ۳) هـ، ج ۴) ج، د

۲۹۳ مفهوم بیت زیر، با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

«نیست جاننش محرم اسرار عشق / هر که را در جان غم جانانه نیست»

- | | |
|---|--|
| ۱) حدیث عشق نداند کسی که در همه عمر | به سر نکوفته باشد در سرائی را |
| ۲) خبر از عشق نبوده است و نباشد همه عمر | هر که او را خبر از شُنعَت (زشتی) و رسوایی نیست |
| ۳) دردی است درد عشق که هیچش طیب نیست | گر دردمند عشق بنالد غریب نیست |
| ۴) هر کاو شراب عشق نخورده است و دُرْد درد | آن است کز حیات جهانش نصیب نیست |

۲۹۴ در کدام گزینه مفاهیم «اخلاص عمل، راسخ بودن، ناکامی، تأیید الهی» به ترتیب آمده است؟

- | | |
|--------------------------------|-------------------------------|
| الف) بیفشرد چون کوه پا بر زمین | بخایید دندان به دندان کین |
| ب) چو نمود رخ شاهد آرزو | به هم حمله کردند باز از دو سو |
| ج) چو غلتید در خاک آن ژنده فیل | بزد بوسه بر دست او جبرئیل |
| د) به نام خدای جهان آفرین | بینداخت شمشیر را شاه دین |
- ۱) د، الف، ب، ج ۲) ج، الف، ب، د ۳) د، الف، ج، ب ۴) ج، د، الف، ب

۲۹۵ کدام گزینه با بیت «مگو سوخت جان من از فرط عشق / خموشی است هان، اولین شرط عشق» تناسب دارد؟

- | |
|--|
| ۱) چند بود بیان تو، بیش مگو به جان تو / هست دل از زبان تو در غم و در نکایتی (= آزرده‌گی) |
| ۲) مردم از بیم جان سکوت کنند / مگسان مدح عنکبوت کنند |
| ۳) تا نبندی ز سخن لب نشود دل گویا / عیسی از مریم خاموش پذیرد گفتار |
| ۴) خاموش «حزین» که بر نتابد / افسانهٔ عشق را زبان‌ها |

۲۹۶ مضمون همه ایات، به استثنای بیت با یکدیگر تناسب دارد.

- ۱ آسمان کشتی ارباب هنر می شکند
- ۲ بگیرد از تو فلک داده های خود به لجاج
- ۳ فلک به مردم نادان دهد زمام مراد
- ۴ دفتر دانش ما جمله بشوید به می
- تکیه آن به که بر این بحر معلق نکنیم
- چو کودکان که متاعی دهند و پس گیرند
- تو اهل فضلی و دانش همین گناهت بس
- که فلک دیدم و در قصد دل دانا بود

۲۹۷ مفهوم مقابل بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟

«تو یک ساعت، چو افریدون به میدان باش، تا زان پس / به هر جانب که روی آری درفش کاویان بینی»

- ۱ از هوای نفس اگر خود را کنی گردآوری / روز حشر از آتش دوزخ حصار می شود
- ۲ به عجز اقرار کن صائب و گر نه نفس سرکش را / چو شمع از سرزدن رگ های گردن بیش می گردد
- ۳ خویشتن را چون به راه داد و عدل و دین روی / گر چه افریدون نه ای بر گاه افریدون کنی
- ۴ دست آهنگر مرا در مار ضحاک کشید / گنج افریدون چه سود اندر دل دانای من

۲۹۸ بیت «من نکردم خلق تا سودی کنم / بلکه تا ببرندگان جودی کنم» با مفهوم کدام بیت قرابت معنایی دارد؟

- ۱ عشق دریایی کرانه ناپدید
- ۲ نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی
- ۳ تو حکیمی تو عظیمی تو کریمی تو رحیمی
- ۴ زشت باید دید و انگارید خوب
- کی توان کردن شنا ای هوشمند؟
- نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی
- تو نماینده فضلی تو سزاوار ثنایی
- زهر باید خورد و انگارید قند

۲۹۹ مفهوم مقابل بیت «کمال عقل آن باشد در این راه / که گوید نیستم از هیچ آگاه» در کدام گزینه آمده است؟

- ۱ دیده عقل بین گزیند حق
- ۲ عقل ما رهنمای هستی اوست
- ۳ عز و صفش که روی بنماید
- ۴ آتش و آب و باد خاک سکون
- دیده رنگ بین نبیند حق
- هست ها زیر پای هستی اوست
- عقل را جان و عقل بر باید
- همه در امر قدرت بی چون

۳۰۰ بیت زیر، با همه ایات قرابت معنایی دارد به جز

«چه در کار و چه در کار آزمودن / نباید جز به خود محتاج بودن»

- ۱ گنج زری بود در آن خاکدان
- ۲ غیر، که غافل ز دل زار توست
- ۳ خواهش مرهم ز دل خویش کن
- ۴ چشم فرو بسته اگر واکنی
- چون پری از دیده مردم نهان
- بی خبر از مصلحت کار توست
- هر چه طلب می کنی از خویش کن
- در تو بود هر چه تمنا کنی

۳۰۱ کدام بیت با عبارت زیر قرابت مفهومی ندارد؟

«مردان بار را به نیروی همت کشند، نه به قوت تن.»

- ۱ همت قوی کن از مدد رهروان عشق
- ۲ شیوه ارباب همت نیست جود ناتمام
- ۳ به بازو توانا نباشد سپاه
- ۴ شود مرد را قدر عالی ز همت
- کان بار را به قوت همت توان کشید
- رخصت دیدار دادی، طاقت دیدار ده
- برو همت از ناتوانان بخواه
- نه مرد است آن کس که همت ندارد

۳۰۲ مفهوم کدام گزینه با بیت «کسی نیک بیند به هر دو سرای / که نیکی رساند به خلق خدای» در تقابل است؟

- ۱ ز نیکی به نیکی رسد مرد از آن
- ۲ یکی جز به نیکی جهان نسپرد
- ۳ که نیکی ست اندر جهان یادگار
- ۴ تو نام ما به کار خیر بفروز
- که هر کس که او گل کند گل خورد
- همی از نژندی فروپژمرد
- نماند به کس جاودان روزگار
- که نیکی مرد را فرخ کند روز

۳۰۳ عبارت «خاله‌ام با همه‌ی تمکنی که داشت به زندگی درویشانه‌ای قناعت کرده بود، نه از بخل بلکه از آن جهت که به بیشتر از آن احتیاج نداشت.» با همه‌ی ابیات به‌جز گزینه تناسب مفهومی دارد.

- ۱ ز اکسیر قناعت خاک شکر می‌تواند شد
- ۲ زان در نظر خلق عزیز است که گوهر
- ۳ کرده‌ام صائب قناعت از وصالش با خیال
- ۴ از قناعت می‌رود بیرون ز سر سودای حرص
- ۱ ز فیض سیرچشمی سنگ گوهر می‌تواند شد
- ۲ قانع شده از بحر به یک قطره آب است
- ۳ زان گل بی‌خار تسکین خارخارم می‌دهد
- ۴ ره ندارد در دل خرسند، استسقای حرص

۳۰۴ عبارت «روزی حضرت روح‌الله می‌گذشت، ابلهی با وی دچار شد و از حضرت عیسی سخنی پرسید؛ بر سبیل تَلَطُّف جوابش باز داد و آن شخص مسلم نداشت و آغاز عربده و سفاهت نهاد. چندان که او نفرین می‌کرد، عیسی تحسین می‌نمود....» با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟

- ۱ تندخویی با خلاق، مهر را کین کردن است
- ۲ عارفان از قهر بیش از لطف می‌بایند فیض
- ۳ بر نمی‌آید درشتی از ملایم طینتان
- ۴ جمع نسازی دل از ترخ دوران
- ۱ آفرین را در دهان خلق نفرین کردن است
- ۲ بر خلیل الله باغ دلگشا در آتش است
- ۳ می‌شکافد نرمی مغز استخوان پسته را
- ۴ دوستی دشمن اعتبار ندارد

۳۰۵ مفهوم بیت «گر چه خوردی هر دم از جام فلک صد گونه زهر / هم به تریاکی رسی زین چرخ گردان غم مخور» در کدام گزینه بیش تر دیده می‌شود؟

- ۱ و نیز مانند مادرم توکلی داشت که به او مقاومت و استحکام و اراده می‌بخشید.
- ۲ به این زندگی گذرا آن قدرها دل نمی‌بست که پیشامد ناگوار را فاجعه‌ای بینگارد.
- ۳ در نظرش اگر یک روی زنگی زشت می‌شد، روی دیگری بود که بشود به آن پناه برد.
- ۴ خاله‌ام با همه‌ی تمکنی که داشت، به زندگی درویشانه‌ای قناعت کرده بود.

۳۰۶ مفهوم عبارت «هر چه عاشق در رازپوشی بکوشد؛ باز نگاه دو دیده‌اش از سر ضمیر خبر می‌دهد». با کدام بیت تناسب ندارد؟

- ۱ حال من دور از آن جمال می‌پرس
- ۲ تو را صبا و مرا آب دیده شد غماز
- ۳ ور از جهان سخن سر تو برون افتاد
- ۴ حال من خود در نمی‌آید به نطق
- ۱ رنگ و رویم ببین و حال می‌پرس
- ۲ و گرنه عاشق و معشوق رازدارانند
- ۳ سزد که راز نگه داشتن نه کار صداست
- ۴ شرح حالم اشک خونین من است

۳۰۷ عبارت: «مرد آن بود که در میان خلق بنشیند و بر خیزد و بخورد و بخسبد و بخرد و بفروشد و زن خواهد» با مفهوم کدام بیت متناسب است؟

- ۱ نهفته باش ز مردم که خلق دیو رهند
- ۲ ای دل تو در این روز فراغت مطلب
- ۳ در صحبت خلق جز پریشانی نیست
- ۴ نیست باز آمدن از فکر و خیال تو مرا
- ۱ فرشته اوست که از چشم خلق پنهان است
- ۲ وز مردم این زمانه راحت مطلب
- ۳ کنجی بنشین و جز قناعت مطلب
- ۴ با رفیقان موافق سفر دور خوش است

۳۰۸ مفهوم مقابل بیت «عشق بازی کار بیکاران بود / عاقلش با کار بیکاران چه کار؟» در کدام گزینه دیده نمی‌شود؟

- ۱ اندر اقلیم عشق بیکارند
- ۲ چو رسیدم به جای بی‌جایان
- ۳ عمر خود هر که بی‌غم عشقت
- ۴ لاابالی پیشه گیر و عاشقی بر طاق نه
- ۱ عقل‌های تهی رو پُر کار
- ۲ نکنم بیش کار بیکاران
- ۳ می‌گذارد به هرزه بی‌کار است
- ۴ عشق را در کار گیر و عقل را بی‌کار کن

۳۰۹ کدام بیت، «فاقد» مفهوم بیت زیر است؟

«تعلیم ز ارّه گیر در امر معاش

- ۱ به گیتی ز بخشش بود مرد مه
- ۲ مدار و ببخش آن‌چه افزون بود
- ۳ اگر هزار گنه بینی از سپهر دورنگ
- ۴ بخل عیبی است که صد فضل پوشاند و جود
- ۱ نیمی سوی خود می‌کش و نیمی می‌پاش
- ۲ تو گر گنج‌داری ببخش و منه
- ۳ وز اندازه خورد بیرون بود
- ۴ بر او ببخش که بخشیدن گناه، خوش است

۴ کیمیایی است که صد عیب هنر گرداند

۳۱۰ مفهوم بیت «چو بینم که درویش مسکین نخورد / به کام اندرم لقمه زهر است و درد» با کدام عبارت تناسب دارد؟

- ۱ چو من بسته باشم، اگرچه ملالت به کمال رسیده باشد - اهماً جانب من جایز نشمری.
- ۲ به طریق تعاون قوتی کنید تا دام از جای برگیریم که رهائش ما در آن است.
- ۳ در هنگام بلا شرکت بوده است، در وقت فراغ موافقت اولی تر.
- ۴ مگر تو را به نفس خویش حاجت نمی باشد و آن را بر خود حقی نمی شناسی؟

۳۱۱ مفهوم کدام گزینه در مقابل آن به درستی نیامده است؟

- ۱ در نابسته احسان گشاده ست / به هر کس آن چه می بایست داده ست (لطف به اندازه خدا)
- ۲ کمال عقل آن باشد در این راه / که گوید نیستم از هیچ آگاه (ناتوانی عشق در راستی آزمایی عاشق)
- ۳ به ترتیبی نهاده وضع عالم / که نی یک موی باشد بیش و نی کم (نظم و ترتیب حساب شده در آفرینش)
- ۴ اگر لطفش قرین حال گردد / همه ادبارها اقبال گردد (قرین حال شدن لطف ایزدی موجب خوش بخت شدن است).

۳۱۲ پدیدآورنده در کدام گزینه نادرست است؟

- ۱ «فرهاد و شیرین» نظامی
- ۲ «الهی نامه» سنایی
- ۳ «تحفة الاحرار» جامی
- ۴ «اسرارالتوحید» محمدبن منور

۳۱۳ متن زیر با همه ایات قرابت مفهومی دارد؛ به جز:

«عامل شهری به خلیفه نبشت که دیوار شهر خراب شده است، آن را عمارت باید کردن. جواب نبشت که شهر را از عدل، دیوار کن؛ که حاجت نیست به گل و خشت و سنگ و گچ.»

- ۱ چو خشنود داری جهان را به داد
- ۲ همه داد کن تو به گیتی درون
- ۳ به داد و دهش کوش و نیکی سگال
- ۴ اگر دادگر چند بی کس بود
- توانگر بمانی و از داد شاد
- که از داد هرگز نشد کس نگون
- ولی را بپرور عدو را بمال
- ورا راستی پاسبان بس بود

۳۱۴ مفهوم کلی همه ایات با یکدیگر تناسب دارند؛ به جز:

- ۱ چه کوشی بهر یک گوهر به کان تیره هستی
- ۲ چرا تا زر و داروویت هست از درد بخروشی
- ۳ چو زرع و خوشه داری از چه معنی خوشه چین هستی
- ۴ چه زنگی می توان از دل ستردن با سیه رای
- تو خود هم گوهری گر تربیت یابی و هم کانی
- چرا تا دست و بازوویت هست از کار وامانی
- چو اسب و توشه داری از چه اندر راه حیرانی
- چه کاری می توان از پیش بردن با تن آسانی

۳۱۵ مفهوم همه ی ایات به جز بیت دعوت به ابداع و نوآوری و پرهیز از تقلید نابجا است؟

- ۱ از ره تقلید اگر حاصل شود کسب کمال
- ۲ در پس آینه طوطی صفتم ساخته اند
- ۳ خواه بد و خواه نیک هر چه کنی تازه کن
- ۴ مشو مقید همراه اگر چه توفیق است
- هر که گردد خم نشین باید که افلاطون شود
- آنچه استاد ازل گفت بگو می گویم
- تن به تنوع مده مخترع کار باش
- که از جریده روی کار مهر بالا رفت

۳۱۶ عبارت: «آن چه دارم از اندک مایه حطام دنیا حلال است و به هیچ زیادت حاجتمند نیستم.» با کدام بیت تناسب معنایی ندارد؟

- ۱ درویش را که ملک قناعت مسلم است
- ۲ گنج زر گر نبود کنج قناعت برجاست
- ۳ در قناعت که تو را دسترس است
- ۴ قناعت می کنم با درد چون درمان نمی بینم
- درویش نام دارد و سلطان عالم است
- آن که آن داد به شاهان به گدایان این داد
- گر همه عزت نفس است بس است
- تحمل می کنم با زخم چون مرهم نمی بینم

۳۱۷ مفهوم بیت «کدام دانه فرو رفت در زمین که نرُست / چرا به دانهٔ انسانیت این گمان باشد» با همهٔ ابیات تناسب دارد به جز

- ۱) گر بنگری آن چنان که رای است
- ۲) از خود آزادی، بر حق بنده می‌سازد تو را
- ۳) آزمودم مرگ من در زندگی است
- ۴) زنده شدند دوباره کشتگان دی
- این مرگ نه مرگ، نقل جای است
- پیش‌تر از مرگ مردن زنده می‌سازد تو را
- چون رهم زین زندگی پابندگی است
- تا منکر قیامت بی‌اعتبار شد

۳۱۸ مفهوم عبارت زیر با کدام بیت قرابت معنایی بیشتری دارد؟

«آنچه دارم از اندک مایهٔ حُطام دنیا حلال است و کفایت است و به هیچ زیادت حاجتمند نیستم»

- ۱) هرگز مشو از قدرت ناراضی
- ۲) زر و نعمت اکنون بده کان توست
- ۳) الوان نعمتی که نشاید سپاس گفت
- ۴) شکر نعمت را نکویی کن که حق
- با آنچه خدا نموده قسمت خوش باش
- که بعد از تو بیرون ز فرمان توست
- اسباب راحتی که نشاید شمار کرد
- دوست دارد بندگان حق گزار

۳۱۹ مفهوم کلی کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

- ۱) کرد ناگه قهر یزدان عجز سلطان آشکار
- ۲) کز صحت بیماری شخص تو بدیدم
- ۳) تیغ قهر تو سرفرازان را
- ۴) ملک‌العرش پس از قدرت، رحمت بنمود
- قهر یزدانی ببین و عجز سلطانی نگر
- بخشایش جبار، پس از قدرت جبار
- سر بُرد، پس به سر دهد جان را
- قدرت و رحمت او خلق جهان را عبر است

۳۲۰ عبارت «بارها از تو گفتم از تو / بارها از تو، بارها با تو / ای حقیقی‌ترین مجاز، ای عشق / ای همه استعاره‌ها با تو» با همهٔ گزینه‌ها به جز قرابت معنایی دارد.

- ۱) اظهار عشق را به زبان احتیاج نیست
- ۲) چشم ما را مرگ نتواند ز روی عشق بست
- ۳) به دل‌نشینی صحرای عشق صحرا نیست
- ۴) عشق اگر رو بر زمین مالد همان تاج سر است
- چندان که شد نگه به نگه آشنا بس است
- دیدۀ قربانیان را سیری از قصاب نیست
- سیاه خیمهٔ این دشت جز سویدا (نقطهٔ سیاه دل) نیست
- پرتو خورشید را نتوان به زیر پا گرفت

۳۲۱ مفهوم «پیر» در کدام بیت، با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱) همت ما مدد پیر و جوان خواهد بود
- ۲) با جوانان راه صحرا بر گرفتم بامداد
- ۳) مشو به میکده غایب ز چشم پیر مغان
- ۴) ندیدم چنین گنج و ملک و سریر
- خاک ما خاک مراد دو جهان خواهد بود
- کودکی گفتا تو پیری با خردمندان نشین
- که با مرید، نظرهاست پیر مرشد را
- که وقف است بر طفل و درویش و پیر

۳۲۲ مفهوم کدام گزینه به بیت «ناز تو و نیاز تو شد همه دلپذیر من / تا ز تو دلپذیر شد هستی ناگزیر من» نزدیک است؟

- ۱) تا دل، سخن‌پذیر و سخن، دلپذیر شد
- ۲) ای سروناز حسن که خوش می‌روی به ناز
- ۳) من از درمان و درد و وصل و هجران
- ۴) به جای دوست گرت هرچه در جهان بخشند
- جانم ز وصل هم نفسی ناگزیر شد
- عشاق را به ناز تو هر لحظه صد نیاز
- پسندم آنچه را جانان پسندد
- رضا مده که مقامی بود حقیر از دوست

۳۲۳ مفاهیم «غبطه‌خوردن بر عاشق، پذیرفتن سختی عشق، فراغت به واسطهٔ عشق، توکل» به ترتیب از کدام ابیات دریافت می‌شود؟

- الف) این‌که از لغزش مستانه نمی‌اندیشد
- ب) سمندر سالم از آتش بر آید
- ج) ای که با زلف و رخ یار گذاری شب و روز
- د) بند همه غم‌های جهان بر دل من بود
- می‌توان یافت که دل تکیه به جایی دارد
- به اهل عشق باشد مهربان در
- فرصت باد که خوش صبحی و شامی داری
- در بند تو افتادم و از جمله برستم

- ۱) د، ج، الف، ب ۲) د، ب، ج، الف ۳) ج، ب، د، الف ۴) ج، د، الف، ب

۳۲۴ مفهوم کَلّی کدام دو بیت، با یکدیگر تناسب دارد؟

- الف) آزادی اگر خواهی از عقل گریزان باش
ب) من و انکار شراب این چه حکایت باشد
ج) یکی از عقل می‌لافت یکی طامات می‌بافت
د) عقل اگر داند که دل در بند زلفش چون خوش است
- سر خیل مجانین شو، سر حلقه طفلان باش
غالباً اینقدرم عقل و کفایت باشد
بیا کاین داوری‌ها را به پیش داور اندازیم
عاقلان دیوانه گردند از پی زنجیر ما

۴ ب - د

۳ ب - ج

۲ الف - د

۱ الف - ج

۳۲۵ کدام گزینه با مفهوم عبارت «وی در کوه ساکن شده است؟ بس کاری نباشد.» تناسب دارد؟

- ۱ کناره گیر ز مردم، صفای وقت ببین
۲ اگر پای در دامن آری چو کوه
۳ وحشت چو رو دهد همه جا کنج عزلت است
۴ تلاش گوشه نشینی ز پوچ مغزی هاست
- که قطره گوشه گرفت از محیط، گوهر گشت
سرت ز آسمان بگذرد در شکوه
رفتن به کوه و دشت و بیابان چه لازم است
که خلوت تو همان پر هواست همچو حباب

۳۲۶ با توجه به تأثیر عشق بر وجود عاشق، گوینده کدام بیت متفاوت است؟

- ۱ گویند ز عشق کن جدایی
۲ گرچه ز شراب عشق مستم
۳ دریاب که مبتلای عشقم
۴ پرورده عشق شد سرشتم
- این نیست، طریق آشنایی
عاشق تر از این کنم که هستم
آزاد کن از بلای عشقم
جز عشق مباد سرنوشتم

۳۲۷ بیت: «آب چه دانست که او گوهر گوینده شود / خاک چه دانست که او غمزه غمازه شود؟» با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟

- ۱ این لطف بین که با گل آدم سرشته اند
۲ تا در این آب و گلی کار کلوخ اندازی است
۳ چون که خدمت شه آید من می‌دانم
۴ همچو گرد این تن خاکی نتواند برخاست
- وین روح بین که در تن آدم تنیده اند
گفت و گو جمله کلوخ است و یقین دل شکن است
گر ز آب و گلم ای دوست، نیم پای به گل
از سر کوی تو زان رو که عظیم افتاده است

۳۲۸ مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟

- ۱ دل بی سوز کم گیرد نصیب از صحبت مردی
۲ می ز رطل عشق خوردن کار هر بی ظرف نیست
۳ ساقیا در قدح باده چه پیمودی دوش
۴ محرم این هوش جز بی هوش نیست
- مس تابیده ای آور که گیرد در تو اکسیرم
وحشی ای باید که بر لب گیرد این پیمانه را (رطل=ظرف بزرگ)
که حریفان همه در خواب گراند هنوز
مر زبان را مشتری جز گوش نیست

۳۲۹ مفهوم ابیات همه گزینه‌ها به استثنای گزینه یکسان است.

- ۱ مست بی خویشتن از خمر ظلوم است و جهول
۲ ما ظلومیم و جهول از احتمال بار یار
۳ ذره ناچیز ما بر گردن همت گرفت
۴ برد آدم از امانت هر چه گردون بر نتافت
- مستی از عشق نکو باشد و بی خویشتنی
گرچه رسواییم یارب نی تو رسوا کرده‌ای
بار سنگین امانت را که گردون بر نتافت
ریخت می بر خاک چون در جام گنجیدن نداشت

۳۳۰ مفهوم کدام بیت متفاوت است؟

- ۱ غمان تو مرا نگذاشت تا غمگین شوم یکدم
۲ در آب و گل ز آدم خاکی نشان نبود
۳ سنت عشق سعدیا ترک نمی‌دهی بلی
۴ مهر بتان در آب و گل ما سرشته اند
- هوای تو مرا نگذاشت تا من آب و گل باشم
کاغشته شد به آب محبت خمیر ما
کی ز دلم به در رود خوی سرشته در گلم
«صائب» خمیرمایه بت خانه‌ایم ما

۳۳۱) مفهوم کدام بیت با سایر ابیات تفاوت دارد؟

- ۱) هوای کوی تو از سر نمی رود آری
- ۲) جان سپارم به خاک پاک وطن
- ۳) تا بود جان گرانیام به تن
- ۴) در ره عشق وطن از سر و جان خاسته‌ایم
- غریب را دل سرگشته با وطن باشد
- دفن کردم به زیر خاک وطن
- سر ما و قدم و خاک وطن
- تا در این ره چه کند همت مردانه ما

۳۳۲) مفهوم عبارت «مردمی که به خانه‌های تاریک و بی‌دریچه عادت کرده‌اند، از پنجره‌های باز و نورگیر، گریزان هستند.» در کدام گزینه وجود

ندارد؟

- ۱) در این سرای بی‌کسی کسی به در نمی‌زند
- ۲) یکی ز شب گرفتگان چراغ بر نمی‌کند
- ۳) دل خراب من دگر خراب‌تر نمی‌شود
- ۴) چه چشم پاسخ است از این دریچه‌های بسته‌ات
- به دشت پرملال ما پرنده پر نمی‌زند
- کسی به کوچه سار شب در سحر نمی‌زند
- که خنجر غمت ازین خراب‌تر نمی‌زند
- برو که هیچ‌کس ندا به گوش کر نمی‌زند

۳۳۳) بیت «بسوزند چوب درختان بی‌بر / سزا خود همین است مر بی‌بری را» با کدام بیت، تناسب معنایی دارد؟

- ۱) ای سرو پای بسته به آزادی مناز
- ۲) گرت ز دست بر آید چو نخل باش کریم
- ۳) گذر گهی است پر ستم که اندرو به غیر غم
- ۴) نه سایه دارم و نه بر، بیفکنندم و سزاست
- آزاده من که از همه عالم بریده‌ام
- ورت ز دست نیاید چو سرو باش آزاد
- یکی صلائی آشنا به رهگذر نمی‌زند
- اگر نه بر درخت تر کسی تبر نمی‌زند

۳۳۴) بیت زیر با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

- ۱) بسوزند چوب درختان بی‌بر
- ۲) سرو را بی‌ثمری باعث رعنائی شد
- ۳) خجلت بی‌ثمری عیش مرا دارد تلخ
- ۴) هرچه دیدم در این باغ ندیدم به بود
- سزا خود همین است مر بی‌بری را
- قامت از بار علایق نکشیدن به بود
- نخل بی‌بار مرا زود بریدن به بود
- هر گل تازه که چیدم نچیدن به بود
- پشت دست و لب افسون گزیدن به بود
- زان ثمرها که گزیدیم در این باغستان

۳۳۵) کدام گروه از ابیات، مفهومی مشترک دارند؟

- الف) منسوخ شد مروت و معدوم شد وفا
- ب) اگر هفت کشور به شاهی تو راست
- ج) هنر خوار شد، جادویی ارجمند
- د) همه سوی دوزخ نهادید روی
- ه) گشته است بازگونه همه رسم‌های خلق
- وز هر دو نام ماند چو سیمرغ و کیمیا
- چرا رنج و سختی همه بهر ماست؟
- نهان راستی، آشکارا گزند
- سپردید دل‌ها به گفتار اوی
- زین عالم نبیره (فرومایه) و گردون بی‌وفا

- ۱) الف - ج - ه
- ۲) الف - د - ه
- ۳) ب - ج - د
- ۴) ب - الف - ه

۳۳۶) بیت‌های همه گزینه‌ها به جز با بیت زیر قرابت معنایی دارند.

«هنر خوار شد، جادویی ارجمند»

- ۱) شد آن که اهل نظر بر کناره می‌رفتند / هزار گونه سخن در دهان و لب خاموش
- ۲) پری نهفته رخ و دیو در کرشمه حسن / بسوخت دیده ز حیرت که این چه بوالعجبی است
- ۳) جای آن است که خون موج زند در دل لعل / زین تغابن (= ضرر رساندن) که خَرَف (= سفال) می‌شکند بازارش
- ۴) همای گو مفکن سایه شرف هر گز
- در آن دیار که طوطی کم از زغن باشد

۳۳۷ مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟

- ۱ وفاداری کن و نعمت شناسی
- ۲ پشیمان شود دل کند پُر هراس
- ۳ به یزدان نباید بود ناسپاس
- ۴ ز دیوان هر آن کس که بُد ناسپاس
- که بدفرجامی آرد ناسپاسی
- که جانش به یزدان بود ناسپاس
- دل ناسپاسان بود پر هراس
- وز ایشان دل انجمن پر هراس

۳۳۸ مفهوم مصراع اول بیت «چو نمود رخ شاهد آرزو / به هم حمله کردند باز از دو سو» با کدام بیت زیر قرابت دارد؟

- ۱ ز خون دل شده رنگین دو دیده تر ما
- ۲ گذشت عمر و دل ما به آرزو نرسید
- ۳ زدی به تیغ و بریدی و ساختی پامال
- ۴ ستاره سوختگان چون سپند سبز شدند
- بهار لاله ما گل کند ز ساغر ما
- در آشیانه ما پیر شد کبوتر ما
- چه روزها که نه افکنده‌ای تو بر سر ما
- کجاست گریه ابر بهار اختر ما

۳۳۹ بیت «شیر حَقَم نیستم شیر هوا / فعل من بر دین من باشد گوا» با کدام گزینه تناسب مفهومی ندارد؟

- ۱ طالب راه خدا باش ای پسر
- ۲ چون من پادشاه تن خویش گشتم
- ۳ کوش تا آن نفس که آید پیش
- ۴ نتوان گذشتن از دو جهان بی جهاد نفس
- از ره شیطان ملعون کن حذر
- اگر چند لشکر ندارم امیرم
- نشود فوت از تو ای درویش
- این راه دور قطع به شمشیر می شود

۳۴۰ معنی عبارت «در هنگام بلا شرکت بوده است، در وقت فراغ موافقت اولی تر، و الا طاعنان مجال وقیعت یابند.» کدام است؟

- ۱ در موقع گرفتاری، با هم بودیم پس در موقع آسودگی، سازگاری بهتر است و گر نه خرده گیران فرصت بدگویی پیدا می کنند.
- ۲ در وقت مصیبت شریک بوده است در وقت آرامش، اجازه دادن بهتر است و الا فرصت عیب جویی می یابد.
- ۳ چون در لحظه گرفتاری با او بوده است حال باید به دیدار او برود و الا دیگران فرصت انتقاد پیدا می کنند.
- ۴ آن گاه که با هم شریک بودیم، این گرفتاری پیش آمده، حال باید به او اجازه بدهی هر چه می خواهد بگوید.

۳۴۱ مفهوم کدام گزینه با عبارت «ای دوست، ابتدا از بریدن بند اصحاب اولی تر.» قرابت دارد؟

- ۱ همه مرغان خلاص از بند خواهند
- ۲ از مراد خود تبرّا کن اگر خواهی که تو
- ۳ به سیم و زر جوان مردی توان کرد
- ۴ خواهی که تمتع بری از دینی و عقبی
- من از قیدت نمی خواهم رهایی
- در میان بی مرادان یک نفس بی غم زنی
- خوش آن کس کاو جوان مردی به جان کرد
- با خلق کرم کن چو خدا با تو کرم کرد

۳۴۲ مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱ معیار دوستان دغل روز حاجت است
- ۲ دوستان را به گاه سود و زیان
- ۳ دشمن از دوست وقت آزر و نیاز
- ۴ فراق افتد میان دوستداران
- قرضی به رسم تجربه از دوستان طلب
- بتوان دید و آزمود توان
- جز به سود و زیان ندانی باز
- زیان و سود باشد در تجارت

۳۴۳ مفهوم عبارت «پدرم دریا دل بود، در لاتی کار شاهان را می کرد» با کدام بیت ارتباط معنایی دارد؟

- ۱ آنچه دی کاشته‌ای می کنی امروز درو
- ۲ در کوی می کشان نبود راه بُخل را
- ۳ چشم بی شرم تو سیری را نمیداند که چیست
- ۴ رسم دهش ز همت اهل جهان مخواه
- طمع خوشه گندم مکن از دانه جو
- این جاز دست خشک سبو آب می چکد
- در تلاش رزق تا حرص مگس باشد تو را
- طفند و دستشان به دهن آشناتر است

۳۴۴ مفهوم مقابل عبارت «وقتی ماجرای نیمه‌کوری خود را برایشان گفتم، اول باور نکردند اما آن‌قدر گفته‌ام صادقانه بود که در سنگ هم اثر می‌کرد.» در کدام گزینه وجود دارد؟

- ۱ مبر از صحبت ایشان که همچون باد در آتش
- ۲ چو آتش دامن او هر که گیرد، رنگ او گیرد
- ۳ کند به زاهد و می‌خواره یک روش تأثیر
- ۴ میان گریه می‌خندم که چون شمع اندرین مجلس
- در آب و خاک اثر دارد دم گیرای درویشان
- به این افسون اثرها در خیال خود پرستش
- فتاده است چو آتش به خشک و تر، لاله
- زبان آتشینم هست، لیکن در نمی‌گیرد

۳۴۵ کدام بیت مفهوم متفاوتی دارد؟

- ۱ تا رنج تحمّل نکنی گنج نبینی
- ۲ کزین پس به کنجی نشینم چو مور
- ۳ گر هنرمند گوشه گیر بُود
- ۴ نشاید بهی یافت بی رنج و بیم
- تا شب نرود صبح پدیدار نباشد
- که روزی نخوردند پیلان به زور
- کام دل از هنر کجا یابد؟
- که بی رنج کس نارد از سنگ سیم

۳۴۶ مفهوم کدام بیت متفاوت است؟

- ۱ منزل حافظ کنون بارگه پادشاست
- ۲ من آن مرغم که هر شام و سحر گاه
- ۳ بلبل گلشن قدسم شده از جور فلک
- ۴ به جان او که به شکرانه جان برافشانم
- دل بر دلدار رفت، جان بر جانانه شد
- ز بام عرش می‌آید صغیرم
- بی گنه بسته زندان و گرفتار قفس
- اگر به سوی من آری پیامی از بر دوست

۳۴۷ مفهوم بیت کدام گزینه با بیت «گریه شام و سحر شکر که ضایع نگشت قطره باران ما گوهر یک‌دانه شد» قرابت دارد؟

- ۱ در دل تنگم ز داغ عشق شمع می‌برفروز
- ۲ شکر توام ز تیغ زبان موج می‌زند
- ۳ دعای صبح و آه شب کلید گنج مقصود است
- ۴ خانه دل ما را از کرم عمارت کن
- خانه تن را چراغی از دل بیدار ده
- چون آب اگرچه خون مرا نوش کرده‌ای
- بدین راه و روش می‌رو که با دلدار پیوندی
- پیش از آن که این خانه رو نهد به ویرانی

۳۴۸ مفهوم ابیات زیر با کدام بیت تناسب ندارد؟

- عاقبت از خامی خود سوخته
- کرد فرامش ره و رفتار خویش
- ۱ مار را هر چند بهتر پروری
- ۲ کلاغی تک کبک در گوش کرد
- ۳ مسکین خرک آرزوی دم کرد
- ۴ گیرم که مارچوبه کند تن به شکل مار
- رهروی کبک نیاموخته
- ماند غرامت زده از کارخویش
- چون یک خشم آورد کیفربری
- تک خویشتن فراموش کرد
- نایافته دم دو گوش گم کرد
- کو زهر بهر دشمن و کو مهره بهر دوست

۳۴۹ در کدام بیت، شاعر از عدم ثبات رأی می‌نالَد؟

- ۱ طالب نکند سیر مقامی مگر از عرش
- ۲ سر تا به قدم جمله هنر دارد و خوبی
- ۳ عیب پوشی سهل باشد عیب نا دیدن خوش است
- ۴ هر چه در وصف تو گویند به نیکویی هست
- طبعی که بلند آمد پستی نشناسد
- عیبش همه آن است که با بنده نسازد
- چشم من روشن که دایم صاحب این دیده‌ام
- عیب آن است که هر روز به طبعی دگری

۳۵۰ در کدام ابیات مفهوم مشترک یافت می‌شود؟

الف) نیارد زغن لحن بلبل سرود

ب) چو با کبک پوید ره زاغ را

ج) گرچه تقلید است استون جهان

د) اگر دولت و کیش باید تو را

هـ) نمی‌گویمت از تَرُشخو بترس

۱ الف، ب، ج

۲ ج، د، هـ

۳ هـ، د، الف

۴ ب، هـ، د

به تقلید نتوان هنرمند بود

تک خود فرامش شود زاغ را

هست رسوا هر مقلد ز امتحان

رفیقی به از خویش باید تو را

ز بیگانه‌ی آشمارو بترس

پاسخنامه تشریحی

۱ در بیت «ب، املای صحیح کلمه «ثنا» است. ۱ ۲ ۳ ۴

۲ یکی شیر شزره به چنگال تیز / ز چنگش کجا خاستی رستخیز ۱ ۲ ۳ ۴

۳ «یقین» در لغت به معنی بی شبهه و شک بودن و یا امری که واضح و ثابت شده باشد. با توجه به ساختار جمله، این واژه در گزینه‌های «۱، ۳ و ۴» به معنی بصیرت،

آگاهی و بی گمانی است اما «یقین» در گزینه «۲» به معنی «به درستی» نقش قیدی دارد.

۴ واژه «نگ» دارای دو معنی متضاد است. گاه به معنی «عار، رسوایی، بدنامی و بی‌آبرویی» است مانند گزینه‌های ۲، ۳ و ۴ و گاهی به معنی اعتبار و آبرو است

مانند گزینه (۱).

توجه: «نگ» هرگاه با واژه «نام» بیاید به معنی آبرو و اعتبار است؛ نظیر:

من امروز نَز بهر جنگ آمدم / پی پوزش و نام و ننگ آمدم

۵ واژه «مرشد» به معنی پیر و راهنما و شیخ است. یعنی کسی است که سالک را راهنمایی می‌کند بنابراین مرشد سالک نیست بلکه هدایتگر سالک است. ۱ ۲ ۳ ۴ ۵

۶ املای درست واژه املائی عبارت‌اند از: «حمیت» ۱ ۲ ۳ ۴ ۶

۷ معنای واژه‌های «چنگ، محراب» صحیح است. معنای درست دیگر واژه‌ها: حکمت: دانایی؛ تفرج: گشایش یافتن، سیر، گردش؛ حلاوت: شیرینی، شیرین شدن؛

نگون بخت: بد اقبال، بدبخت، تیره‌روز؛ زنخدا: چانه؛ صورت: چهره، شکل، ظاهر (سیرت: باطن، شیوه ریا، روش)؛ شوریده رنگ: پریشان حال، آشفته حال؛

۸ مهرباب: محراب ۱ ۲ ۳ ۴ ۸

۹ ویرایش معانی نادرست: ۱ ۲ ۳ ۴ ۹

چاشتگاه: نزدیک ظهر / خیرخیز: سریع / ضیعت: زمین زراعتی / فراخ: گسترده، آسوده / محجوب: پنهان / شرع: سایه بان

۱۰ املای صحیح سایر کلمات: ۱ ۲ ۳ ۴ ۱۰

۱- ضیاع: ملک و مال، دارایی

۲- سریر: تخت پادشاه، خیمه، سایبان

۳- مستور: پوشیده، محجوب

۱۱ واژه‌های (تَعَمَّلَات) و (لَعَالی) غلط نوشته شده که شکل درست املای آن‌ها (تَأَمَّلَات) و (لَآلِی) است. ۱ ۲ ۳ ۴ ۱۱

۱۲ بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ ۲ ۳ ۴ ۱۲

گزینه «۱»: املای صحیح «نغز» به معنی «دل‌نشین» است.

گزینه «۳»: املای صحیح «بحر» است.

گزینه «۴»: املای صحیح «هایل» است.

۱۳ به آهنگ خواست ← به آهنگ خاست ۱ ۲ ۳ ۴ ۱۳

۱۴ گزینه ۱ امل ← آرزو / گزینه ۳ خاییدن ← جویدن / گزینه ۴ ضیا ← روشنایی که صورت درست واژه‌ها هستند. ۱ ۲ ۳ ۴ ۱۴

۱۵ شکل درست واژه‌های املائی: «مأبی»، «می گذارند»، «اشباحی»، «مهملی». ۱ ۲ ۳ ۴ ۱۵

۱۶ معنای درست واژه‌ها چنین است: ۱ ۲ ۳ ۴ ۱۶

زنخدا: چانه، بخشی از صورت

عمل: کار

دَعَل: مکر، ناراستی، فساد و تباهی، مکار، حيله گر، تنبل

صُنْع: آفرینش، ساختن، احسان و نیکویی

۱۷ در گزینه‌های دیگر واژه‌های زیر غلط معنا شده‌اند که درست این واژه‌ها عبارت است از: جیب: گریبان / قرین: هم‌نشین و یار همراه / زایل شدن: نابودی ۱ ۲ ۳ ۴ ۱۷

۱۸ در این گزینه «بار» به معنی «حمل وسیله سنگین» است اما در گزینه‌های دیگر به معنی «اجازة ورود» است. ۱ ۲ ۳ ۴ ۱۸

۱۹ در این گزینه واژه «محجوب» به معنی «پوشیده و پنهان» است. ۱ ۲ ۳ ۴ ۱۹

در بررسی گزینه‌های دیگر این واژه به معنی «باحیا» است.

۲۰ صورت صحیح واژگان غلط نوشته شده: ۱ ۲ ۳ ۴ ۲۰

تازی ← عرب / مذلت ← خواری و پستی و فرومایگی / پرورده ← پرورش یافته

۲۱ معنای کامل واژه‌ها: ۱ ۲ ۳ ۴ ۲۱

سیماب: جیوه (سیماب گون به رنگ جیوه - جیوه‌ای)

تازی: عرب، عربی

پایاب: قسمت کم عمق رودخانه

افسر: تاج پادشاهان، کلاه پادشاهان، صاحب منصب

۲۲ غلط‌های املائی متن عبارت‌اند از: ۱ ۲ ۳ ۴ ۲۲

همیت ← حمیت / دناعت ← دنانت



- ۲۳ واژه‌های همال (= سستی)، منسوب (+ نسبت داده شده)، قَراغ (+ آسودگی) و گُزارد (+ آدا کردن) در متن غلط نوشته شده است. ۱ ۲ ۳ ۴
- ۲۴ املای درست واژه «قرض» به معنی بدهی است. ۱ ۲ ۳ ۴
- ۲۵ غرقه خواست شد / هزاهز و غریو خاست ۱ ۲ ۳ ۴
- ۲۶ امارت - بگزارند درست است. ۱ ۲ ۳ ۴
- ۲۷ شکل درست واژه املایی: صواب: درست، مصلحت - راه صواب: راه درست و راست ۱ ۲ ۳ ۴

ثواب: پاداش، اجر

- ۲۸ مشمعز کننده ← مشتمز کننده ۱ ۲ ۳ ۴ بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: وحله ← وهله / لعامت ← لئامت

گزینه ۳: حوزه ← حوضه / آجل ← عاجل

گزینه ۴: شبّه ← شَبّح / مطبوع ← متبوع

- ۲۹ واژه «مطبوعی» نادرست، و درست آن «متبوعی» (فرمان روایی) است. ۱ ۲ ۳ ۴

۳۰ معنای درست واژه‌ها: ۱ ۲ ۳ ۴

اجنبی: بیگانه / نهیب: فریاد، هیبت، هراس / درایت: آگاهی، تدبیر

- ۳۱ معنای کامل کلمات گزینه ۲: ۱ ۲ ۳ ۴

کوشک: قصر - هر بنای رفیع

اذن: اجازه - فرمان

حمیت: غیرت - تعصب - رشک بردن

خطّه: معادل شهرستان امروزی - ولایت - مجموعه شهرهایی که تحت نظر یک والی اداره می‌شوند.

- ۳۲ در این گزینه واژه «یا» به کار رفته است که در بیت مورد سؤال با واژه «گر» هم‌معناست. ۱ ۲ ۳ ۴

۳۳ فوج: گروه، دسته ۱ ۲ ۳ ۴

مزیح: مُمال کلمه مزاح، شوخی

بارگی: اسب (مشخص است که از ابزارآلات جنگی نیست).

گرد: دلیر، پهلوان

- ۳۴ زه آب: چشمه ۱ ۲ ۳ ۴

ورطه: گرداب

مناصحت: خیرخواهی

- ۳۵ املای درست واژه‌ها: «گذارند: رها کردن، ترک کردن» (گزاردن: به جا آوردن، ادا کردن) / «نقض: شکستن، باطل کردن» (نغز: خوب، خوش، نیکو) ۱ ۲ ۳ ۴

۳۶ شکل درست واژه املایی: برائت (بیزاری) / ثَقَّت: اعتماد ۱ ۲ ۳ ۴

- ۳۷ در میان واژگان این سوال ۴ واژه به غلط معنا شده است که صورت صحیح آنها عبارت‌اند از: ۱- استخلاص (رهایی جستن) ۲- خایب (ناامید - بی‌بهره) ۳- ۱ ۲ ۳ ۴

الحاح (اصرار - درخواست کردن) ۴- ریاحین (گل‌های خوشبو)

- ۳۸ سه واژه اشتباه معنا شده‌اند: ۱ ۲ ۳ ۴

مسامحه: سهل‌انگاری / رفعت: بلندی / مسحور: جادوشده و شیفته

- ۳۹ تنها در این گزینه معنای همه واژه‌ها درست آمده است. ۱ ۲ ۳ ۴

۴۰ بررسی گزینه‌ها: ۱ ۲ ۳ ۴

گزینه ۱) راح: شراب / راه: مسیر

گزینه ۳) حور: سیه‌چشمان بهشتی / هور: خورشید

گزینه ۴) آزار: اولین ماه سال رومی / آزار: اذیت، شکنجه

- ۴۱ فعل «شد» در عبارت «از آن افزون نخواهد شد» اسنادی است. و واژه «افزون» نقش مسندی دارد. اما در سایر گزینه‌ها فعل «شد» به معنی «رفت» است و ۱ ۲ ۳ ۴

غیراسنادی است.

- ۴۲ واژه «روزی» در این بیت به معنای «رزق» و روزی است که از طرف باری تعالی به انسان می‌رسد. ۱ ۲ ۳ ۴

۴۳ واژه «چنگ» در گزینه ۱) به معنی «چنگال» و «دست» است ← در خم زلف پریشان چنگ زدیم.

اما در سایر گزینه‌ها از ادوات موسیقی است. در هر یک از گزینه‌های ۲، ۳، ۴ از طریق زنجیره سخن در بیت متوجه می‌شویم که «چنگ» به معنای «ساز» است.

در گزینه ۲) از طریق گوش و قول

در گزینه ۳) از طریق نی و بنوازم

در گزینه ۴) از طریق ناله، استماع (شنیدن)، سماع (رقص) *واژه «رخصه» به معنی «اجازه» است.

- ۴۴ «بخشایش» از مصدر «بخشودن» به معنای «عفو، گذشت، رحم و رقت» است این واژه را با «بخشش» که از مصدر «بخشیدن» و به معنای «کرم، لطف» است، اشتباه ۱ ۲ ۳ ۴

نگیرید.

- ۴۵ معنای درست واژه‌ها: ۱ ۲ ۳ ۴

۱ - زنخدان: چانه

۲ - حمیت: غیرت، جوانمردی، مردانگی

۳ - شغال: جانور پستانداری از تیره سگان که جزء رسته گوشت‌خواران است



۴ - چنگ: نوعی ساز که سر آن خمیده است و چند تار دارد.

۵ - دون همت: کوتاه همت، دارای طبع پست، کوتاه اندیشه

۴۶ ۱ ۲ ۳ ۴ تیره‌رای: بداندیشی، گمراهی (تیره‌رای: گمراه) / ادبار: سیه‌روزی، بدبختی

۴۷ ۱ ۲ ۳ ۴ راغ = صحرا، بیابان، دامنه کوه

شاهد = محبوب

روضه = باغ، بوستان، گلستان

مقارب = همگرا

خامی = بی تجربگی

۴۸ ۱ ۲ ۳ ۴ در سایر گزینه‌ها واژه‌های «عار»، «قرض» و «خویش» نادرست نوشته شده‌اند.

۴۹ ۱ ۲ ۳ ۴ توقیع، مصدر باب تفعیل به معنای امضا کردن است.

گزینه‌های ؟ و ؟ صفت مفعولی است و متناسب نیستند.

معنای گزینه ؟ کاملاً دور است.

۵۰ ۱ ۲ ۳ ۴ در گزینه ۳، تنها یک غلط املائی وجود دارد ← حلال بی شبهت، اما سایر گزینه‌ها هر کدام دو غلط املائی دارند.

مسرت یعنی شادی و با واژه «سور» هم‌خانواده است.

غازی یعنی جنگجو و با واژه «غزو» هم‌خانواده است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱) سعب ← صعب / مغرون ← مقرون

گزینه ۲) قراق ← قراغ / گذاردن ← گزاردن (ادا کردن)

گزینه ۴) هشم ← حشم / مخنقه ← مخنقه

۵۱ ۱ ۲ ۳ ۴ مبشر و کراهیت و موکد با هم تناسب ندارند.

۵۲ ۱ ۲ ۳ ۴

منظور از نماز پیشین در گذشته نماز ظهر بوده است.

۵۳ ۱ ۲ ۳ ۴ ویرایش غلط‌های املائی:

محبوب - بگزارد - خرد

۵۴ ۱ ۲ ۳ ۴ فقط در این گزینه معنای واژه «مثال» متفاوت است در این گزینه این واژه به معنای «امر و فرمان» است اما در گزینه‌های دیگر به معنای «مانند و شبیه» است.

۵۵ ۱ ۲ ۳ ۴ الف) مقرون: پیوسته، همراه

ج) متفق: همسو، هم‌عقیده، موافق

د) تمکن: توانگری، ثروت

۵۶ ۱ ۲ ۳ ۴ بررسی سایر گزینه‌ها:

مقرر: به معنای اقرارکننده نیست.

توقیع: به معنای نامه کوتاه نیست.

حرب: آلت نزاع است؛ نه نزاع.

۵۷ ۱ ۲ ۳ ۴ بررسی واژه‌های نادرست:

(زنخاند: چانه)، (توقیع کردن: مهر زدن یا امضا کردن)، (روضه: باغ، گلزار)، (وزر: بار سنگین)، (یوز: یوزپلنگ، جانور شکاری کوچک‌تر از پلنگ که با آن به شکار روند)، بقیه واژه‌ها درست هستند.

۵۸ ۱ ۲ ۳ ۴ معنای درست واژه‌ها:

محضر: محل حاضر شدن، محل حضور / مَلک: فرشته (مَلک، صاحب) / وَعظ: اندرز دادن، اندرز

۵۹ ۱ ۲ ۳ ۴ واژه «سور» غلط معنی شده است. سور = جشن

۶۰ ۱ ۲ ۳ ۴ کراهیت به معنای ناپسندی است که در این گزینه به صورت صفت معنا شده است.

۶۱ ۱ ۲ ۳ ۴ «غیرت» به معنای «هیبت» نیست این واژه به معنای «تعصب، دشمنی، حمیت و حسادت» است.

۶۲ ۱ ۲ ۳ ۴ بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱) مناسک: جمع منسک یا منسک: جاهای عبادت حاجیان

گزینه ۲) نماز پیشین: نماز ظهر

گزینه ۳) عقد: گردن‌بند

۶۳ ۱ ۲ ۳ ۴ شکل درست واژه‌های املائی: بی‌شائبه: مطمئن، بی‌شک، بی‌تردید

۶۴ ۱ ۲ ۳ ۴ معنای درست واژه‌ها: بارقه = درخشش غم‌گسار = غم‌خوار

۶۵ ۱ ۲ ۳ ۴ معنای صحیح واژه‌ها: شاب = جوان

حجره = اتاق

استسقا = آب خواستن

۶۶ ۱ ۲ ۳ ۴ شکل درست واژه املائی: شیرخوارگی



۶۷) ۱ ۲ ۳ ۴ حلاوت - روضه درست است.

۶۸) ۱ ۲ ۳ ۴ معنای کامل واژه‌ها:

شاب: جوان، متضاد شیخ

استسقا: آب خواستن، نام مرضی که بیمار آب بسیار خواهد

مساعت: همیاری، یآوری

آماس: ورم، تورم

لُفاف: پارچه و کاغذی که بر چیزی بپیچند

۶۹) ۱ ۲ ۳ ۴ واژه «تمکن» به معنای امکانات مالی و ثروت است بنابراین کلمه «کمین» که به عنوان هم‌خانواده برای این واژه نوشته شده درست نیست «کمین» و «تمکن» یکی از

سه حرف اصلیشان جابه‌جا شده‌اند.

۷۰) ۱ ۲ ۳ ۴ بررسی سایر گزینه‌ها:

الف) مناسک ← جاهای عبادت حاجیان (جمع منسک)

ج) استسقا ← نام مرضی که بیمار آب بسیار خواهد.

۷۱) ۱ ۲ ۳ ۴ معنای کامل واژه‌ها:

محمل: کجاوه که به شتر بندند، مهد، هودج

سرشت: ذات، فطرت، آفرینش، طبع

رایت: پرچم، بیرق، علم، درفش، سَنَجَق

موسم: هنگام، زمان

۷۲) ۱ ۲ ۳ ۴ (مستور - ائتلاف) درست است. (مستور = پوشیده / ائتلاف = گرد هم آمدن)

۷۳) ۱ ۲ ۳ ۴ الوهیت: مقام الهی ازل: زمان بی آغاز فخر: سفال

۷۴) ۱ ۲ ۳ ۴ بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: خنیده: مشهور

گزینه ۲: رایت: پرچم

گزینه ۴: خزاین: گنجینه‌ها

۷۵) ۱ ۲ ۳ ۴ واژه «گران» در گزینه‌های ۱، ۲ و ۳ به معنی «سنگین» و «عظیم» است اما در گزینه ۲ متضاد ارزان است.

* معنی گزینه ۳: گرمی خشم تو اگر به کوه‌های گران و سنگین برسد کوه‌ها را با همه سنگینی و گرانی چون کاه سبک و پژمرده می‌کند.

۷۶) ۱ ۲ ۳ ۴ این واژه درست معنا شده است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: شایق: بلند

گزینه ۳: خوف: ترس

گزینه ۴: فروغ: نور و روشنایی

۷۷) ۱ ۲ ۳ ۴ خرگه: خرگاه، خیمه به‌ویژه خیمه بزرگ / خیرخیر: سریع، سَرسری / کراهیت: ناپسندی / خطوات: گام‌ها

۷۸) ۱ ۲ ۳ ۴ واژه «اقدام» جمع قَدَم است و تناسبی با قامت ندارد.

گزینه ۱) بالا

گزینه ۲) اندام

گزینه ۴) قد

۷۹) ۱ ۲ ۳ ۴ «رشحه» به معنای قطره و تراوش است.

۸۰) ۱ ۲ ۳ ۴ ۱- گران‌مایه = با ارزش ۲- خاست = بلند شد (خواست = طلب کرد) ۳- گرد = پهلوان ۴- خشت = نیزه کوچک

۵- خودکامگی = خودخواهی

۸۱) ۱ ۲ ۳ ۴ در سایر گزینه‌ها سبک به معنای کم وزن می‌باشد اما در بیت گزینه ۴ و ابیات مطرح شده در سؤال، سبک به معنای فوراً است.

۸۲) ۱ ۲ ۳ ۴ معنای درست واژه:

ژیان: خشمگین، قهرآلود

۸۳) ۱ ۲ ۳ ۴ خاستن: بلند شدن

خواستن: درخواست کردن - طلبیدن

۸۴) ۱ ۲ ۳ ۴ معنای درست واژه‌هایی که نادرست معنا شده‌اند:

ترگ: کلاه‌خود / دژم: خشمگین

۸۵) ۱ ۲ ۳ ۴ در این گزینه سه غلط املائی دیده می‌شود که درستی واژگان چنین است: محضر - هلال - فایق

در گزینه‌های دیگر:

۱) رزم

۲) مرهم

۳) مهترزادگان - قالب



۸۶) ۱ ۲ ۳ ۴ با توجه به این که یکی از معانی هژبر که در کتاب درسی هم نیامده شیر است و غضنفر نیز به همین معناست بنابراین گزینه ۲ نمی تواند پاسخ تست باشد.

قبا: جامه بلندی که باز باشد و از دو طرف با دکمه بسته شود.

۸۷) ۱ ۲ ۳ ۴ دو غلط املائی در بیت ها دیده می شود: قرب: غرب / خوار: خار

۸۸) ۱ ۲ ۳ ۴ شکل درست غلط های املائی عبارت اند از:

الف) مسطور ← مستور

ب) صریر ← سریر

۸۹) ۱ ۲ ۳ ۴ ثیان = خشمگین (غضنفر: شیر)

یم = دریا

ژنده فیل = فیل بزرگ

۹۰) ۱ ۲ ۳ ۴ نبرده سوار: سوار کار جنگ جو

۹۱) ۱ ۲ ۳ ۴ در گزینه ۲: شجاعت متضاد سهم (ترس)

در گزینه ۳: برهنه متضاد قبا (لباس)

در گزینه ۴: نو متضاد ژنده (یکی از معنای ژنده کهنه است)

۹۲) ۱ ۲ ۳ ۴ پادشاه مترادف با واژه دستور نیست.

گزینه ۱: یکی از معانی دستور وزیر است.

گزینه ۲: یکی دیگر از معانی دستور، معین به معنی یاور است.

گزینه ۴: اذن به معنی رخصت و اجازه که مترادف است با دستور

۹۳) ۱ ۲ ۳ ۴ لخت لخت: تکه تکه، پاره پاره

اخلاص: پاکی

وصی: جانشین

۹۴) ۱ ۲ ۳ ۴ در این گزینه مانند بیت مورد سوال واژه «بینداخت» به معنی «زد» است؛ اما در گزینه های دیگر این واژه به معنی «از دست رها کردن» و یا «پرتاب کردن» است

۹۵) ۱ ۲ ۳ ۴ متواتر = پی در پی

حبه = دانه

مطوقه = طوق دار

۹۶) ۱ ۲ ۳ ۴ معونت = یاری

عقده = بند (عقد: گردن بند)

ملالت = به ستوه آمدن، ماندگی، آزرده گی

رخصت = اجازه

۹۷) ۱ ۲ ۳ ۴ املائی صحیح واژه «ثنا» است.

۹۸) ۱ ۲ ۳ ۴ شکل درست واژه های املائی: ۱ - مقصور ۲ - ظفر

۹۹) ۱ ۲ ۳ ۴ در گزینه ۲، یک غلط وجود دارد: «قفا»

گزینه های دیگر هر کدام ۲ غلط املائی دارند:

گزینه ۱: «سیادت» - دهر

گزینه ۳: «خار» - سلاح

گزینه ۴: «تریاق» - نزه

۱۰۰) ۱ ۲ ۳ ۴ در این گزینه غلط املائی دیده نمی شود.

بررسی سایر گزینه ها:

۱) فراق: دوری و جدایی

۳) بیفزود: اضافه کرد.

۴) اهمال: سستی

۱۰۱) ۱ ۲ ۳ ۴ در گزینه ۱، «را» نشانه مفعولی است و در گزینه های دیگر، «را» نشانه فاعل اضافه است.

۱۰۲) ۱ ۲ ۳ ۴ شرم کشد: شرم مرا بکشد (ضمیر پیوسته در اینجا نقش مفعولی دارد).

تا زنده ام بس است همین شرمساریم: تا زنده ام این شرمساری برای من کافی است (ضمیر پیوسته در اینجا نقش متمم دارد).

۱۰۳) ۱ ۲ ۳ ۴ کلمه های «نابسته»، «روشنایی»، «واژه وندی» و «تیره رایی» وندی - مرکب محسوب می شوند. در ابیات ارائه شده واژه مرکب وجود ندارد.

۱۰۴) ۱ ۲ ۳ ۴ حق را می طلبد - راه را می نماید - تأسف برمی انگیزد - سخن را می شناسد.

۱۰۵) ۱ ۲ ۳ ۴ در این گزینه، دو الگوی متفاوت برای ساخت دستوری کلمات وجود دارد:

امیدوار و شاه وار: اسم + پسوند ← صفت

جشنواره و گوشواره: اسم + پسوند ← اسم

۱۰۶) ۱ ۲ ۳ ۴ مفعول در گزینه های ۱، ۳ و ۴ به ترتیب «نیک»، «نیک»، «در»، «آن چه» و «نیستم از هیچ آگاه» است.

چه چیزی را نبیند؟ نیک: مفعول / چه چیزی را رساند؟ نیک: مفعول / چه چیزی را گشاده است؟ در: مفعول / چه چیزی را داده است؟ آن چه: مفعول / چه چیزی را گوید؟ نیستم از هیچ آگاه:

مفعول



۱۰۷) ۱ ۲ ۳ ۴ رابطه گروه واژه‌های مطرح شده چنین است:

«محمل و مهد»، «رایت و بیرق» و «بیعت و میثاق»: مترادف

«ورزش و فوتبال» و «هنر و نقاشی»: تضمن

«ادبار و اقبال»: تضاد

«دست و بدن»، «تند و ترش» و «پروانه و ملخ»: تناسب

۱۰۸) ۱ ۲ ۳ ۴ «شد» در گزینه‌های «ب»، «ج» و «د» به معنای «رفت» فعل غیر اسنادی است و در دیگر گزینه‌ها فعل اسنادی (=ربطی) محسوب می‌شود.

۱۰۹) ۱ ۲ ۳ ۴ مقصود سؤال این است که در کدام گزینه واژه «ماه» نهاد محسوب می‌شود و از طریق هم‌نشینی نهاد با مسند می‌توان به معنی «ماه» پی بُرد.

در گزینه (۲) واژه «ماه» نهاد است و از طریق هم‌نشینی «ماه» با «طولانی» (= مسند) می‌توان دریافت که مقصود از «ماه» سی روز یا یک دوازدهم سال است.

در گزینه (۱) «روی ماه» اضافه تشبیهی است یعنی «روی» به «ماه» (= قمر) مانند شده است و نهاد و مسند این گزینه به ترتیب «شب» و «بیدار» است.

در گزینه (۳) «ماه» به معنی سی روز، نهاد است و مسند ندارد.

در گزینه (۴) «ماه» متمم است و به دلیل رابطه هم‌نشینی آن ستاره می‌توان پی برد که مقصود از آن سیاره ماه یا قمر است.

۱۱۰) ۱ ۲ ۳ ۴ در گزینه ۴ رابطه معنایی تضمن وجود ندارد و رابطه واژه‌های «ابر و باریدن» و «دل و دلدار» تناسب و «یار و دلدار» مترادف است.

تضمن‌های موجود در گزینه‌های ۱، ۲ و ۳ به ترتیب «سنگ و لعل»، «گل و باغ» و «دیده و وجود» است.

۱۱۱) ۱ ۲ ۳ ۴ کسی نیک بیند به هر دو سرای / که نیکی رساند به خلق خدای

نهاد حرف ربط (= پیوند)

نقش اولین کلمه در دو مصراع دیگر گزینه‌ها:

۱) زنخدان: مفعول / که: حرف ربط (= پیوند) [زنخدان به جیب فرو بردن: کنایه]

۲) شغال: مفعول / بماند: فعل

۴) چنان: ضمیر اشاره در نقش قیدی / چه: ضمیر پرسشی در نقش قیدی

۱۱۲) ۱ ۲ ۳ ۴ «دیده آمد» در مصراع دوم فعل مجهول است در مصراع اول «درون دیده» یک ترکیب اضافی است و فقط «آمد» فعل است.

در بررسی گزینه‌های دیگر:

تمام کلماتی که قبل از «شود» و «گشت» آمده است «مسند» است بنابراین این گزینه‌ها فعل مجهول ندارند.

۱۱۳) ۱ ۲ ۳ ۴ در این گزینه فقط یک نقش تبعی یعنی تکرار به کار رفته است: «تو»

در بررسی گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱: «معطوف ← شمشیر» / بدل ← «هر دو»

گزینه ۳: در این گزینه هم بدل به کار رفته است. بدل ← «خود» / اول ← «معطوف ← «دل»

گزینه ۴: «معطوف ← بدعهدی» / تکرار ← «غلط»

۱۱۴) ۱ ۲ ۳ ۴ «شکسته شد» فعل مجهول است؛ چون در ساختمان آن صفت مفعولی به کار رفته است.

در گزینه‌های دیگر به جای صفت مفعولی، مسند دیده می‌شود:

۱) خسته: مسند / تیره: مسند

۲) سرگشته: مسند / به: مسند

۴) میسر: مسند / منور: مسند (در این بیت «شده باشد» فعل مجهول نیست).

۱۱۵) ۱ ۲ ۳ ۴ اگر عناوین و القاب کسره بگیرند یا خود هسته گروه اسمی قرار بگیرند دیگر شاخص نیستند.

۱۱۶) ۱ ۲ ۳ ۴ بررسی موارد در سایر گزینه‌ها

گزینه ۱: «این» صفت اشاره / «دو» هسته

گزینه ۲: «حاجی قوام» شاخص

گزینه ۳: «هر» صفت مبهم / «دو» صفت شمارشی / «جهان» هسته

۱۱۷) ۱ ۲ ۳ ۴ نقش دستوری کلمه «دست به دست» در این بیت قید است که حالتی را مطرح می‌کند: گفته سخت را دست به دست می‌برند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): صلاّی سرخوشی / نکته: سرخوشی در اینجا اسم است؛ نه صفت.

مضاف‌الیه

گزینه (۲): سرانجام کمال نیستی است.

مضاف‌الیه

گزینه (۴): تو به یک جرعه دیگر من را از دست می‌دهی.

مفعول

۱۱۸) ۱ ۲ ۳ ۴ اولین ← صفت / همایش ← اسم / پرافتخار ← صفت / مردان ← اسم / قهرمان ← صفت / کشورها ← اسم / مختلف ← صفت / جهان ← اسم

۱۱۹) ۱ ۲ ۳ ۴ واژه‌های وند: ۱- پرنده (پر + نده)، ۲- آدمی (آدمی + ی)، ۳- خاموشی

واژه مرکب: چارپا

۱۲۰) ۱ ۲ ۳ ۴ حرف «راء» در گزینه (۱) «راء» مفعولی است ولی در سایر گزینه‌ها فک اضافه است و باعث جابجایی مضاف و مضاف‌الیه می‌شود.

۲- سبب غفلت ها / ۳- سفر جان غافل / ۴- دل طفل طبعان

۱۲۱) ۱ ۲ ۳ ۴ فعل «بگشتیم» در گزینه (۱) به معنی «چرخیدیم» جست و جو کردیم، است

معنی بیت ۱: دور تا دور همه اطراف این باغ را جست و جو کردیم و گشتیم. در هیچ درختی در باغ، این میوه وجود ندارد.



فعل «گشت» در سایر گزینه‌ها فعل اسنادی به معنی «شد» است و نیاز به مسند دارد.

گزینه ۲	مصور	گشت
	مسند	فعل اسنادی
گزینه ۳	سیر	نگشتم
	مسند	فعل اسنادی
گزینه ۴	بیدار	نگشتم
	مسند	فعل اسنادی

۱۲۲) فعل «شد» در گزینه ۲، اسنادی است و به مسند نیاز دارد.

چو شب، روز شد
نهاد مسند

اما در سایر گزینه‌ها فعل «شد» به معنی «رفت» است و غیراسنادی است.

گزینه ۱) کاری نکردیم و شد روزگار: کاری نکردیم و عمر گذشت و سپری شد.

گزینه ۳) چو بانو چنان دید، شد سوی کوه: وقتی بانو آن گونه دید به طرف کوه رفت.

گزینه ۴) به بارگاه او ملک ز خلد شد: فرشته به امید درگاه او از بهشت رفت.

۱۲۳) واژه‌های «هر، همه، هیچ، فلان، دیگر، دگر، چند» هرگاه با اسم و هسته بیابند، صفت مبهم شمرده می‌شوند مانند «دگر» در گزینه ۴ دگر، پرسش اگر صفت مبهم اسم/هسته

واژه‌های یادشده بدون اسم و هسته بیابند، ضمیر مبهم محسوب می‌شوند مانند «دگر» در گزینه‌های ۱، ۲، ۳.

در گزینه ۱ و ۲ و ۳ واژه «دگر» ضمیر مبهم است یعنی بدون اسم و هسته آمده است. به عبارت دیگر به هنگام قرائت بیت، پس از واژه «دگر» مکث می‌کنیم مانند: وان دگر، پرسش کند....

۱۲۴) در این گزینه واژه‌های «چند» و «دیگر» صفت مبهم هستند که اولی وابسته پیشینی است که در اینجا به صورت پسین آمده است و دومی پسین است.

در گزینه‌های دیگر:

۱) «هیچ» وابسته پیشین / «چند» وابسته پسین

۲) «هر» وابسته پیشین / «دیگر» وابسته پسین

۴) «هر» وابسته پیشین / «دگر» در هر دو مورد وابسته پسین است.

۱۲۵) در این گزینه رابطه معنایی به کار نرفته است در حالی که در گزینه‌های دیگر:

۱) تضمین: درخت و سرو / ۲) تضاد: دشمن و دوست / ۴) تناسب: درخت و بلبل و غنچه

۱۲۶) در گزینه‌های دیگر فعل «شد» در معنای اصلی و اسنادی به کار رفته است اما در این گزینه به معنای «رفت» است که اسنادی نیست.

۱۲۷) در این گزینه واژه «دیده» به معنای «چشم» است و «شد» فعل اصلی و اسنادی است اما در گزینه‌های دیگر:

۲) گفته آید / ۳) گفته آید / ۴) گفته شد: همگی فعل‌های مجهول هستند.

۱۲۸) «دیدگان» مفعول جمله دوم و واژه وندی است. (دید + ه + ان)

بررسی مفعول در سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱) سینه: ساده

گزینه ۲) قلب: ساده

گزینه ۳) سکوت: ساده

۱۲۹) واژه «گلوگیر» هسته گروه اسمی: واژه مرکب

۱۳۰) در گزینه ۴، واژه «تلخی» مفعول است: کعبه نتوانست تلخی (را) از زمزم جدا کند.

نکته: به مفعولی که نشانه «را» ندارد «مفعول مجرّد» می‌گویند؛ و در این جا «تلخی» مفعول است و «کعبه» نهاد است.

۱۳۱) بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱) بی‌تاب صفت است؛ نه اسم. / جوشش اسم است؛ نه صفت.

گزینه ۲) شکسته صفت است؛ نه اسم.

گزینه ۳) پرگشوده وندی مرکب است؛ نه وندی.

۱۳۲) ترکیب‌های وصفی: دو اشکال/اشکال اضافی/ همه ی نزدیکان (۳ ترکیب)

ترکیب‌های اضافی: نظر رستم/مرگش/خود او/نزدیکانش/ویرانی کشور/کشورش/مرگ او/مساوی میدان خالی کردن/میدان خالی کردن/تجسم آرمان/آرمان‌های خود (۱۱ ترکیب)

۱۳۳) شکل درست واژه‌های املائی: ۱- زلت (خطا و لغزش سهو) ۲- منسوب (نسبت داده شده است)

۱۳۴) در عبارت «عاشقان را مران»، «را» نشانه مفعول و عاشقان مفعول است.

بررسی موارد در سایر گزینه‌ها:

در گزینه ۲: شمع نهاد است.

در گزینه ۳: عقل با عشق زور پنجه ندارد.

در گزینه ۴: بندگان از حکمت گریزد و گریزی ندارد. نقش نهادی دارد.

۱۳۵) معادل‌های اجزای ساختمان واژه:

دهش = نگارش ← بن مضارع + ش / زیرنویس = دورنما ← صفت + بن مضارع / نامنظم = ناتمام ← نا + صفت / آبرفت = دست فرسود ← اسم + بن ماضی

نکته: در گزینه ۴ دست‌بوس از اسم + بن مضارع تشکیل شده است.



۱۳۶) در این گزینه صفت بیانی به کار نرفته است. ۱ ۲ ۳ ۴

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) مست و میگون

۲) روان و سوزان

۳) عالم‌بین و مسکین

۱۳۷) گزینه (۱) ← بساز: بخوان / گزینه (۲) ← سازی: قبول کنی / گزینه (۳): پس از آن قصد و آهنگ سهراب کنید و یک شب در خواب او را بکشید. ۱ ۲ ۳ ۴

۱۳۸) واژه‌های «گوناگون و دانش پژوهان»، «دو واژه وندی - مرکب هستند». ۱ ۲ ۳ ۴

در گزینه ۱، واژه وندی - مرکب وجود ندارد. / در گزینه ۲، «گزارش نویسی» / در گزینه ۴، «جست و جو» وندی - مرکب هستند.

۱۳۹) واژه های وندی: ۱- زمینه، ۲- توصیف ها، ۳- استادانه، ۴- توانا، ۵- نقاشی، ۶- شاعری - واژه های مرکب: خیال انگیز، شاهنامه، سخن سرای، زبردست، تشبیه ۱ ۲ ۳ ۴

آفرین.

۱۴۰) بررسی سایر جملات بیت: ۱ ۲ ۳ ۴

مقیم بزم او گشتم

مسند

عزم او را لطف دیدم (پنداشتم)

مفعول

حقیر راه او گشتم

مضاف‌الیه

ساقی شیطان را بشکنم.

مفعول

۱۴۱) در گزینه ۱ فعل «نسازد» به حرف اضافه اختصاصی نیاز دارد. «با من» متمم فعل است و بر فعل مقدم شده است. ۱ ۲ ۳ ۴

۱۴۲) جابه‌جایی ارکان جمله و تقدم یکی بر دیگری سبب پدید آوردن شیوه بلاغی می‌شود. ۱ ۲ ۳ ۴

غمی بود رستم یبازید چنگ

مسند نهاد

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): شیوه عادی

گزینه (۳): مقدم شدن فعل و متمم بر نهاد

گزینه (۴): مقدم شدن متمم و فعل بر نهاد (مصرع اول) / تقدم فعل و مسند بر نهاد (مصرع دوم)

۱۴۳) که ← حرف ربط وابسته ساز است؛ بنابراین جمله بعد از آن وابسته است. ۱ ۲ ۳ ۴

بررسی گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: در این گزینه سه جمله هسته به کار رفته است ← بهار آمد- گلزار نورباران شد- چمن ز عشق رخ یار لاله باران شد

گزینه «۳»: در این گزینه هم دو جمله هسته به کار رفته است ← مصراع اول یک جمله و مصراع دوم هم دومین جمله هسته است.

گزینه «۴»: در این گزینه نیز دو جمله هسته به کار رفته که سهم هر مصراع یک جمله است.

۱۴۴) در بیت ۱ دو صفت وجود دارد: ۱- جان فرا ۲- خوش خرام ۱ ۲ ۳ ۴

تعداد صفت‌ها در سایر گزینه‌ها:

گزینه (۲) ۸ صفت: ۱- فصیح ۲- شیرین ۳- بلند ۴- چابک ۵- لطیف ۶- زیبا ۷- خوش ۸- کشیده

گزینه (۳) ۸ صفت: ۱- آن ۲- دلکش ۳- آن ۴- دل آشوب ۵- آن ۶- خوش ۷- آن ۸- آرمیده

گزینه (۴) ۵ صفت: ۱- آن ۲- سیه چشم ۳- چه ۴- این ۵- رمیده

۱۴۵) در بیت الف: کلمات «شاه» و «شیخ» و در بیت ج: کلمه «حاجی» شاخص محسوب می‌شوند. ۱ ۲ ۳ ۴

نکته: شاخص‌ها القاب و عناوینی هستند که بدون هیچ نشانه یا نقش‌نمایی، در کنار اسم قرار می‌گیرند؛ مانند «امام، علّامه، شاه، شیخ، حاجی، کدخدا، تیمسار، خاله، عمو و ...»

۱۴۶) ۱ ۲ ۳ ۴

۱- هر شب

۲- شب دیگر

↓

↓

وابسته پیشین، صفت مبهم

وابسته پسین، صفت مبهم

۳- نور فسفری (رنگ‌ها همیشه صفت هستند).

۴- سایه روشن‌های خیال انگیز

↓

وابسته پسین، صفت بیانی

۱۴۷) در این گزینه «علاق»، «پاکش» و «روان» همه وابسته‌های پسین هستند و صفت پیشینی در بیت به کار نرفته است. ۱ ۲ ۳ ۴

بررسی گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: «این وحشت سرا» ← این صفت اشاره است.

گزینه «۲»: «عجب تیغ زبانی» ← عجب صفت تعجبی است

گزینه «۴»: «آن که» به معنای «آن کسی که» است ← آن صفت اشاره است.

۱۴۸) موارد «ب» و «ج» دارای شاخص است که واژه «سلطان» می‌باشد. ۱ ۲ ۳ ۴

بررسی سایر موارد:



(الف) «سلطان» نقش‌نمای اضافه دارد؛ پس هسته گروه اسمی است.

(د) «سلطان» نقش‌نمای اضافه دارد؛ پس هسته گروه اسمی است.

۱۴۹ (۱) (۲) (۳) (۴) فصیح - شیرین - بلند - چابک - لطیف - زیبا - خوش - کشیده

شرح سایر گزینه‌ها:

گزینه (۲) دلکش - دل‌آشوب - خوش - آرمیده

گزینه (۳) جان‌فزا - خوش‌خرام

گزینه (۴) صفت بیانی ندارد.

۱۵۰ (۱) (۲) (۳) (۴) در مورد (الف) فعل «گرفت» با توجه به دو فعل قبل، باید «گرفتند» می‌شد اما شناسه‌اش به قرینه لفظی حذف شده است.

در مورد (ج) فعل «رهانید» با توجه به فعل قبل باید رهانیدند، می‌شد که به قرینه لفظی شناسه‌اش حذف شده است.

البته امروزه این نوع حذف به هیچ وجه روا نیست.

۱۵۱ (۱) (۲) (۳) (۴) این مصراع را اگر مرتب کنیم چنین می‌شود: تن بی سرش را از پای در آورد؛ بنابراین «تن» هسته است و «بی سر» صفت است.

در گزینه (۱): «هوس» هسته گروه اسمی است چون با مرتب کرد این مصراع مشخص می‌شود که «هوس» هسته است: هوس هیچ‌کس رزم با او نشد.

۱۵۲ (۱) (۲) (۳) (۴) بررسی قیده‌ها در سایر گزینه‌ها:

گزینه (۲): نخست

گزینه (۳): بی‌خلاف

گزینه (۴): امروز

۱۵۳ (۱) (۲) (۳) (۴) بررسی گزینه‌ها:

(الف) یک «واو» عطف وجود دارد: نامهربان و مهربان

(ب) یار بس است.

مسنند

(ج) نقش‌های تبعی: ۱ - نامهربان و مهربان (بدل از «دوستان») ۲ - مهربان: معطوف ۳ - خود: بدل از ما

(د) هر: صفت مبهم

۱۵۴ (۱) (۲) (۳) (۴) فعل «شد» در سایر گزینه‌ها به معنی «رفت» است و فعل غیراسنادی است اما در گزینه ۲ اسنادی است و نیاز به مسند دارد: زمین آهنین شد نهاد مسند فعل اسنادی

۱۵۵ (۱) (۲) (۳) (۴) گزینه (۱) ← سراسر جهان را سوی داد خواند

گزینه (۲) ← به دل، دشمن جهان آفرین است.

گزینه (۴) ← ورا نام (نام وی)

*در گزینه (۳)، «را» نشانه مفعول است.

*«رای فک اضافه بین مضاف و مضاف‌الیه جابه‌جا شده می‌آید. مثال: فلک را سقف بشکافیم ← سقف فلک را بشکافیم مضاف مضاف‌الیه

۱۵۶ (۱) (۲) (۳) (۴) واژه «دست» در گزینه‌های ۲، ۳ و ۴ در معنای نانهاده خود یعنی «قدرت» به کار رفته است و مجاز محسوب می‌شود. اما در گزینه (۱) در معنای اصلی و نهاده خود آمده است از این رو مجاز ندارد.

۱۵۷ (۱) (۲) (۳) (۴) واژه «امروز» در گزینه (۱) نقش دستوری «نهاد» و در بقیه گزینه‌ها نقش «قید» دارد.

۱۵۸ (۱) (۲) (۳) (۴) در گزینه (۳) نقش «ش» متمم است: «دل را به او دادم».

۱۵۹ (۱) (۲) (۳) (۴) ساختمان فعل مجهول از صفت مفعولی (بن ماضی + ه) + انواع فعل «شد» تشکیل می‌شود. در گزینه ۲ «صاحب دیده» صفت است و ریشه فعلی ندارد. بنابراین فعل «شد» اسنادی است و «صاحب دیده» مسند آن است.

بررسی گزینه‌های دیگر:

(۱) بساط برچیده شد ← بساط را برچید

(۳) عَلم خوابیده شد ← او عَلم را خواباند.

(۴) مهره چون برچیده شد ← او مهره را برچید.

۱۶۰ (۱) (۲) (۳) (۴) «نیشته آمد»: نوشته شد، فعل ماضی مجهول است. (صفت مفعولی فعل موردنظر + فعل کمکی «شد»)

* دقت کنید فعل «شد» در سایر گزینه‌ها فعل اسنادی است و به مسند نیاز دارد.

گزینه ۱: نر و تپاه شده‌بود مسند معطوف فعل اسنادی

گزینه ۳: شاد شد مسند فعل اسنادی

گزینه ۴: تیره شد مسند فعل اسنادی

۱۶۱ (۱) (۲) (۳) (۴) در این گزینه تنها واژه وندی به کار رفته «خامی» است در حالی که در سایر گزینه‌ها: (۱) زاغی - فراغی - راغی / (۳) نادره - کبکی / (۴) قدمی - رقمی

۱۶۲ (۱) (۲) (۳) (۴) در این گزینه «حرکاتش» نهاد است اما در گزینه‌های دیگر:

(۲) یکی عرصه: مفعول / (۳) روبهی: مفعول / (۴) خلق: متمم



۱۶۳) ۱ ۲ ۳ ۴ نیاسوده گشت: فعل مجهول نیست؛ زیرا «آسودن» فعل لازم است.

فعل‌های مجهول در گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱: «گفته‌آید» (گفته شود)

گزینه ۲: «شد ساخته» (ساخته شد)

گزینه ۴: «گشته شد»

۱۶۴) ۱ ۲ ۳ ۴ بیت الف) وندی: شهری، بی‌خبر، باخبر، مستان / مرکب: صاحب‌نظر / وندی - مرکب: زیروزیر

بیت ب) وندی: روزی، ماهی و زنگی / مرکب: نوبرده / وندی - مرکب: رومی‌رخی

بیت ج) وندی: نامور، مشکبار / مرکب و وندی - مرکب: ندارد.

بیت د) وندی: مهربانی و زیوری / مرکب: ماهروی / وندی - مرکب: خوبروی

۱۶۵) ۱ ۲ ۳ ۴ با توجه به این‌که در این بیت، جای مضاف و مضاف‌الیه عوض شده است، شکل بازگردانی بیت چنین است: ارات همه کس، به روزگار (در طول ایام) کهن

می‌شود، مگر برای من که همان عشق اول است و زیاد (بیش‌تر) نیز شده است.

«کهن»: مسند / «همه کس»: مضاف‌الیه (گروه مضاف‌الیه) / «ارادت» نهاد / «همان» صفت

۱۶۶) ۱ ۲ ۳ ۴ بیت ۱ از چهار جمله تشکیل شده است و در هر جمله اجزای جمله در جای مناسب خود به کار رفته اند.

شکل مرتب شده

گزینه ۲) مباد این جمع را یارب غم از باد پریشانی ← یارب این جمع را از باد پریشانی غم مباد.

شکل مرتب شده

گزینه ۳) زان پیشتر که عالم فانی شود خراب ← زان پیشتر که عالم فانی خراب شود.

شکل مرتب شده

گزینه ۴) فلک را سقف بشکافیم ← سقف فلک را بشکافیم

۱۶۷) ۱ ۲ ۳ ۴ پرورده عشق شد سرشتم ← سرشتم پرورده عشق شد .

نهاد مسند فعل

۱۶۸) ۱ ۲ ۳ ۴ سعدی و فخرالدین عراقی / دو شاعر و عارف هم‌روزگار مولانا ← بدل

معطوف

شرح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱) شاعر و عارف معروف قرن ششم ← بدل از عطار / شاعر و عارف ← معطوف

گزینه ۲) آن شهر پرغوغا ← بدل

گزینه ۳) عالی‌ترین اثر عرفانی ایران ← بدل

۱۶۹) ۱ ۲ ۳ ۴ «ساختند» در گزینه ۱ «به‌معنای ایجادکردن، درست‌کردن و بناکردن است؛ اما در گزینه‌های ۲، ۳ و ۴» به‌معنای گردانیدن، کردن و نمودن به‌کار رفته است.

۱۷۰) ۱ ۲ ۳ ۴ فقط دو نقش تبعی در گزینه‌ها دیده می‌شود: «آسمان» معطوف است و «خود» بدل. توجه داشته باشیم که «جهان» در گزینه ب نهاد است چون قبل از آن «واو

ربط» به کار رفته است.

۱۷۱) ۱ ۲ ۳ ۴ در این گزینه حرف ربط هم پایه‌ساز «اما» به کار رفته است و همان‌طور که می‌دانیم حروف ربط هم پایه‌ساز جمله‌های مرکب نمی‌سازند اما در گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱: حرف ربط وابسته ساز «که» وجود دارد که مصراع دوم با آن شروع شده است.

گزینه ۳: مانند گزینه ۱ مصراع دوم با «که» شروع شده است.

گزینه ۴: در این گزینه حرف ربط وابسته‌ساز «از این رو» به قرینه معنوی حذف شده است که باید در آغاز مصراع دوم می‌آمد.

۱۷۲) ۱ ۲ ۳ ۴ زرخسار ش / بر آب

متّم مضاف‌الیه متّم

نقش دستوری تمام واژه‌های بیت:

زرخسار ش / فرومی‌ریخت اشکی / بنای زندگی بر آب می‌دید

متّم مضاف‌الیه فعل پیوندی نهاد مفعول مضاف‌الیه متّم فعل

۱۷۳) ۱ ۲ ۳ ۴ جمله «منه از دست» جمله هسته در این گزینه است که مفعول آن حذف شده است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: «درختم از این جا ببر» ← جمله هسته است که «درختم» در آن مفعول است.

گزینه ۳: «آه از آن روز» ← جمله هسته است که نیازی به مفعول ندارد که بخواهد حذف شده باشد.

گزینه ۴: «سامری کیست» ← جمله هسته است که نیازی به مفعول ندارد.

۱۷۴) ۱ ۲ ۳ ۴ در این گزینه سه ترکیب وصفی به کار رفته است ← هر قطعه - این خاک - چه افسرها

بررسی:

گزینه ۱: فقط یک ترکیب وصفی دارد ← اخترهای انبوه

گزینه‌های دیگر ترکیب وصفی ندارند.

۱۷۵) ۱ ۲ ۳ ۴ در گزینه ۳ واژه «عمه» به اسم اضافه نشده است و شاخص نیست بلکه هسته گروه اسمی است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: شاخص ← حاج آقا / گزینه ۲: شاخص ← سیّد / گزینه ۴: شاخص ← امام‌زاده

۱۷۶) ۱ ۲ ۳ ۴ تنها در این گزینه عنوانی که آن را شاخص می‌نامیم با اسمش همراه است ← سرهنگ بابک.

در گزینه‌های دیگر عنوان مورد نظر هسته گروه اسمی است چون با نقش‌نمای اضافه همراه است و یا به تنهایی آمده است که هر دو مورد چنین واژه‌ای شاخص نیست:



گزینه ۱: سلطان خرد / سرهنگ

گزینه ۲: سلطان / سرهنگ

گزینه ۴: دهقان / سرهنگ بنی آدم

همان گونه که می بینید در موارد بالا یا عنوان بدون اسم آمده یا با نقش نمای اضافه همراه است.

۱۷۷ ۱ ۲ ۳ ۴ دیدۀ پاک ← ۱ مورد

شرح سایر گزینه ها:

گزینه ۱) آن سیه چرده - چشم میگون - لب خندان - دل خرم ← ۴ مورد

گزینه ۲) روی خوب - دامن پاک - دو عالم ← ۳ مورد

گزینه ۳) خال مشکین - آن عارض - عارض گندمگون - آن دانه ← ۴ مورد

۱۷۸ ۱ ۲ ۳ ۴ واژه های وندی: کارانه، پذیرا، نامردمی، ناشنوایی، بی برنامه گی / مرکب: خویشتن دار، گلاب: تأسف انگیز

واژه های وندی - مرکب: پرواربندی - خدشناس - یک طرفه - مالامال - آشتی کنان - حقوق بگیر

۱۷۹ ۱ ۲ ۳ ۴ صفت + اسم = صفت: سفید پوست، خوش خط، زیر دست، خوش بخت، بزرگ سال

صفت + اسم = اسم: سه گوش، سفید رود، نخست وزیر، سیاه چادر، چهل چراغ

صفت / قید + اسم = اسم: بالادست / اسم + صفت: ریش سفید

کلمات زیر نمونه ای برای این الگواند: رادمرد، بلند قامت، زیر دست، بدبخت، خوش بخت، خوش حساب، خوشحال، سفید پوست، تنگ چشم، تنگ حوصله، خوش خط، خوش

برخور، بدگمان، پرزور، کم دوام، کوچک سال، بزرگ سال، واژه سه گوش از صفت + اسم = اسم ساخته شده

۱۸۰ ۱ ۲ ۳ ۴ شنیدن: شنوا / خواندن: خوانا / رفتن: روا / که همگی صفت هستند.

۱۸۱ ۱ ۲ ۳ ۴ تشریح سایر گزینه ها:

گزینه ۱: بسیار دان (بسیار داننده): صفت بیانی فاعلی

گزینه ۲: خشک: صفت بیانی ساده

گزینه ۴: آسمانی: صفت بیانی نسبی

۱۸۲ ۱ ۲ ۳ ۴ «بِنا» در ترکیب «دیده بِنّا» صفت بیانی فاعلی است.

۱۸۳ ۱ ۲ ۳ ۴ «خواب نوشین» ترکیب وصفی است و «نوشین» صفت بیانی نسبی است.

۱۸۴ ۱ ۲ ۳ ۴ بررسی گزینه ها:

گزینه ۱: «دستور» ← معنای قدیم: مشنور، راهنما، وزیر

گزینه ۲: «تماشا» ← معنای قدیم: راه رفتن، تفرّج

گزینه ۴: «شوخ» ← معنای قدیم: چرک بدن

۱۸۵ ۱ ۲ ۳ ۴ «هریک» جزء واژه هایی است که هم می توان آن را با فعل جمع وهم فعل مفرد آورد.

اما در گزینه های دیگر شناسه های فعل به قرینه لفظی حذف شده و مفرد آمده است و نهاد آنها جمع است. البته می دانیم که امروزه حذف شناسه به قرینه به هیچ وجه درست نیست.

۱۸۶ ۱ ۲ ۳ ۴ در این گزینه «ایستادن» به معنای «شروع به انجام کاری» به کار رفته است؛ اما در گزینه های دیگر در معنای «توقف کردن» به کار رفته است.

۱۸۷ ۱ ۲ ۳ ۴ در این گزینه واژه «زبّا» قید است؛ اما در گزینه های دیگر نقش مسند دارد.

۱۸۸ ۱ ۲ ۳ ۴ ضمیر «ت» در این گزینه متمم است و در سایر گزینه ها نقش مضاف الیهی دارد.

۱۸۹ ۱ ۲ ۳ ۴ واژه «شوریده رنگ» وندی مرکب است. اجزای سازنده این واژه: شورید + ه + رنگ

گزینه ۱) چاشنی بخش = چاشنی + بخش

حلاوت سنج = حلاوت + سنج

گزینه ۳) نگون بخت = نگون + بخت

گزینه ۴) خودپرست = خود + پرست / زیر دست = زیر + دست

۱۹۰ ۱ ۲ ۳ ۴ «حلاوت» به معنی «شیرینی» است. این واژه با قافیه گزینه ۲) در مصراع اول «شیرینی» رابطه معنایی «ترادف» دارد.

*دقت کنید در بیت «۱» و «۲» چون اولین بیت یک غزل هستند مصراع اول و دوم با هم هم قافیه اند.

قافیه های بیت ۱: سرزمینی - قرینی

قافیه های بیت ۲: شیرینی - بینی

۱۹۱ ۱ ۲ ۳ ۴ واژه «گوش» در مصراع دوم واژه ی قافیه است. که خود هسته گروه اسمی است و نقش متممی دارد.

گزینه ی ۱) خلقی خدای

هسته وابسته پسین: مضاف الیه

گزینه ی ۳) ترازوی خویشت

هسته وابسته پسین: مضاف الیه

گزینه ی ۴) صنع خدای

هسته وابسته پسین: مضاف الیه

۱۹۲ ۱ ۲ ۳ ۴ واژه «خرد» نقش متمم دارد. بازگردانی مصراع اول «اگر روشنائی را به خرد نبخشد»

مفعول متمم



۱۹۳) ۱ ۲ ۳ ۴ یکی رویه‌ی دید بی دست و پای شکل مرتب شده رویه‌ی بی دست و پای دید را فعل مفعول صفت

۱۹۴) ۱ ۲ ۳ ۴ فعل «شد» ردیف است. این فعل در گزینه «۴» به معنی «رفت» و در گزینه‌های ۱، ۲ و ۳ در معنای اصلی خود؛ یعنی فعل اسنادی آمده است.

۱۹۵) ۱ ۲ ۳ ۴ حرف ربط پیوند «اما» در گزینه «۳» «هم‌پایه‌ساز» است. در گزینه‌های دیگر حروف ربط «وابسته‌ساز» به کار رفته است.

حروف ربط (پیوند) وابسته‌ساز در سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱ «که» در «کت» ... که از جان آرزومندت هستم ...

گزینه ۲ «ار» اگر ...

گزینه ۴ تا

۱۹۶) ۱ ۲ ۳ ۴ ساختمان مجهول از صفت مفعولی (بن ماضی + ه) + انواع فعل «شد» تشکیل می‌گردد. در گزینه «۱» فعل‌های «افروخته شد» و «افراخته شد» با الگو و ساختمان فعل مجهول مطابقت دارند.

۱۹۷) ۱ ۲ ۳ ۴ فعل‌های مجهول در عبارت سؤال: ۱- گفته شود. ۲- شمرده (شود)

* فعل «شود» در آخر عبارت به قرینه «گفته شود» حذف شده است.

۱۹۸) ۱ ۲ ۳ ۴ واژه‌های ون‌دی: دانش، زمینه، فراگیری، نقش‌ها

واژه مرکب: امکان‌پذیر

واژه‌های ون‌دی - مرکب: دست‌یابی، گوناگون، بهره‌یابی

۱۹۹) ۱ ۲ ۳ ۴ واژه‌هایی که یک تک‌واژه آزاد همراه با وند دارند ون‌دی هستند. مثل همنشینی - واجگاه، چهارم. و واژه‌هایی که دو تک‌واژه آزاد با وند دارند ون‌دی - مرکب‌اند.

مثل زبان + شناس + ی

۲۰۰) ۱ ۲ ۳ ۴ در گزینه «۱»: «طلب‌کار» قافیه و مرکب است.

در گزینه‌های ۲، ۳ و ۴، واژه‌های قافیه به ترتیب عبارت‌اند از: «گلزار، شهوار، دیوار» که «ون‌دی» هستند.

۲۰۱) ۱ ۲ ۳ ۴ فعل «نیست» در این گزینه به معنای «وجود ندارد» به کار رفته است و «باغ» نهاد است. (باغ: هسته / دلگشا: وابسته)

۲۰۲) ۱ ۲ ۳ ۴ ترکیب‌های وصفی:

همه تمکنی، زندگی درویشانه‌ای، خانه مشترک، خانواده دیگر، یک اتاق، خانه کهن‌سالی، همان اتاق، یک اتاق (هشت مورد)

واژه «آن» در هر دو مورد «ضمیر» است نه «صفت اشاره».

۲۰۳) ۱ ۲ ۳ ۴ ز من (از من) متمم اجباری و مقدم بر فعل خود آمده است.

۲۰۴) ۱ ۲ ۳ ۴ در گزینه‌های دیگر، گروه‌های مفعولی «درد دل دوستان»، «جان» و «خون من» مقدم آمده‌اند. اما در گزینه ۲ «روز رویش» نهاد جمله است و در ابتدای جمله آمده است.

۲۰۵) ۱ ۲ ۳ ۴ بازگردانی مصراع اول بیت گزینه ۱: قضا، کشور تدبیر را زیر و زبر می‌سازد

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: غفلت ما را سبب ← سبب غفلت ما

گزینه ۳: جان غافل را سفر ← سفر جان غافل / پای خواب‌آلوده را منزل ← منزل پای خواب‌آلوده

گزینه ۴: طفل طبعان را دل ← دل طفل طبعان

۲۰۶) ۱ ۲ ۳ ۴ آبروی من - جمالش - نار مغان - رخ گلنار ← چهار مورد.

نکته: «رخ گلنار» اضافه تشبیهی است. (رخ مانند گل انار)

سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱ دلسوز من - دل بیگانه ← دو مورد

گزینه ۲ مطرب عشق - نقش نغمه ← دو مورد

گزینه ۴ شاخ گل - جگر خار ← دو مورد

۲۰۷) ۱ ۲ ۳ ۴ در این گزینه واژه «سعدی» مضاف الیه است اما در گزینه‌های دیگر نقش واژه‌های مشخص شده «نهاد» است

۲۰۸) ۱ ۲ ۳ ۴ در این بیت مشرک از نظر دستوری صفت است، حسی که مشرک گونه است لایق این کوی نیست.

گزینه ۱: من مشرک نیستم
گزینه ۲: تو مشرک راه هستی
گزینه ۳: من مشرک تقلید نیستم

۲۰۹) ۱ ۲ ۳ ۴ تنها در این گزینه است که حرف ربط وابسته‌ساز موجود است.

معلم پای تخته رسید. گچ را گرفت. برگشت و گفت: خرگوشی می‌کشم تا بکشید.

حرف ربط یا پیوند وابسته‌ساز

در گزینه‌های دیگر کلمات وابسته‌ساز به چشم نمی‌خورد و فقط «و» ربط دیده می‌شود. پیوندهایی مثل «و، اما، ولی، یا و ...» فقط جملات را به هم پیوند می‌دهند؛ وابسته نمی‌کنند.

نکته: کلمات یا پیوندهای وابسته‌ساز کاربرد عبارت‌اند از: «که»، «تا»، «چون»، «زیرا»، «اگر»، «باین»، «که»، «تااین»، «که»، «گرچه» و ...

۲۱۰) ۱ ۲ ۳ ۴ در این سؤال ممکن است گزینه ۱ هم شما را به شک بیاندازد مبنی بر اینکه جواب سؤال است، اما با دقت در مرتب کردن اجزای جمله می‌بینیم که «دل» به

عنوان نهاد جمله جابه‌جا شده و جمله با حرف اضافه و متمم شروع گشته است.

اگر گزینه ۱ را مرتب کنیم می‌شود ← دل به دام زلف تو مبتلای ...

صورت مرتب شده گزینه ۲: مراد خاطر ما اگر از دستت برمی‌آید...



صورت مرتب شده گزینۀ ۴: تو به خانه ارباب بی مروت دهر مرو که ...

نهاد محذوف

۲۱۱) ۱ ۲ ۳ ۴ در این بیت ترکیب اضافی به کار نرفته است. مصراع اول چنین است: «بند بر پای، تحمل چه کند گر نکند، در واقع معنی این بیت می شود: کسی که پایش را بسته اند چاره ای جز تحمل درد ندارد.

بررسی گزینه های دیگر:

۲) تشنگان بادیه - جان تشنگان (تشنگان را جان به لب: جان تشنگان / در واقع «را» فک اضافه است).

۳) دست تو - شمشیر غم - غم تو

۴) بند غم - غم های جهان - دل من - بند تو

۲۱۲) ۱ ۲ ۳ ۴ هشت: این معلم / معلم شریف / معلم باسواد / نویسنده / نویسنده بزرگ / این نامه / این نویسنده / چه حد

پنج: این معلم / این نویسنده / این نامه / این نویسنده / چه حد

۲۱۳) ۱ ۲ ۳ ۴ ترکیب های وصفی: این پهنه/پهنه ی موحش / مردان بزرگ / آن مرز و بوم / مرز و بوم پر آشوب / مردان فروتن/مردان شب زنده دار/پیکرهای رشید/ یک مسلمان / مسلمان کامل / ← ده ترکیب وصفی

ترکیب های اضافی: استان شهادت/ شعار حسین/ خون خود/ نقش مرز و بوم/ پیکرهای ایشان/ مظهر مسلمان / ← شش ترکیب اضافی

۲۱۴) ۱ ۲ ۳ ۴ ترکیب های وصفی: دو چشم / چشم مست / چشم میگون / دو خواب آلوده

۲۱۵) ۱ ۲ ۳ ۴ شاخص ها عبارت اند از: دکتر - امام

* واژه «استاد» نقش مضاف الیهی دارد و شاخص نیست.

۲۱۶) ۱ ۲ ۳ ۴ در این گزینه چهار وابسته پیشین دیده می شود ← «یک»، «همه»، «این» و «دو».

اما در بررسی گزینه های دیگر سه وابسته پیشین وجود دارد:

گزینه ۱: «چندین، یک، صد

گزینه ۲: «بهترین، دو، یک

گزینه ۴: «هر، این، آن

۲۱۷) ۱ ۲ ۳ ۴ سه وابسته پیشین در این دو بیت دیده می شود که عبارت اند از ← همان - همه - یکی

باید بدانیم که «این» در ابتدای مصراع، ضمیر اشاره است و به اسمی که بعد از «همان» آمده است، اشاره نمی کند.

۲۱۸) ۱ ۲ ۳ ۴ در این گزینه، «نصیحت گوی ما» نهاد است.

بررسی گزینه های دیگر:

گزینه ۱: «آن قامت» نهاد است و «قیامت» مسند است.

گزینه ۲: «آن لعبت» نهاد است و «غلام» مسند است.

گزینه ۴: نهاد در این بیت، پنهان است و «حدیث حسن خویش» مفعول است.

۲۱۹) ۱ ۲ ۳ ۴ در گزینه ۲، «دیگر» قید است؛ در حالی که در سایر گزینه ها نقش صفت مبهم دارد.

۲۲۰) ۱ ۲ ۳ ۴ زیرا واژه های سه گروه دیگر، هم اسم هستند اما در این گزینه همه واژه ها صفت هستند.

۲۲۱) ۱ ۲ ۳ ۴ وابسته مضاف الیه کلمه ای است که بعد از مضاف الیه به آن اضافه می شود.

در گزینه ۳:

تشخیص: هسته

واحد ها: مضاف الیه

زیر نجیری: وابسته مضاف الیه و مشتق مرکب (وندی مرکب) است.

۲۲۲) ۱ ۲ ۳ ۴ با مرتب کردن ابیات گزینه ها براساس زبان معیار متوجه می شویم که نقش های دستوری نوشته شده فقط در گزینه ۲) صحیح است.

گزینه ۲): اگر گذرت بر وجود کشته عشق افتد، سخن بگوی که در جسم مرده جان (را) می آری.

مضاف الیه مفعول

تشریح گزینه های دیگر:

گزینه ۱): در مصراع دوم کلمه «من» نقش متمم دارد؛ نه مضاف الیه.

گزینه ۳): «روشن» در مصراع اول «صفت» است؛ نه قید.

گزینه ۴): «سعدی» در مصراع اول «منادا» است؛ نه نهاد.

۲۲۳) ۱ ۲ ۳ ۴ بن ماضی + ه: صفت مفعولی ← دیده، بسته

بن مضارع + ه: اسم ← آویزه، پیرایه

اسم + گر + ی: اسم ← رویگری، آرایشگری

بن مضارع + ان: صفت/قید ← تابان، گریان

۲۲۴) ۱ ۲ ۳ ۴ صفت های بیانی: ۱ - درخشان (صفت فاعلی: درخش + ان) ۲ - روشن (صفت ساده) ۳ - سهیم (صفت ساده) ۴ - سترگ (صفت ساده)

۲۲۵) ۱ ۲ ۳ ۴ صفت فاعلی: بن مضارع + نده: نویسنده

صفت لیاقت: مصدر + ی: نوشتنی

صفت مفعولی: بن ماضی + ه: نوشته

بن مضارع: امر منهای «ب» آغازی: بنویس ← نویس



۲۲۶ رنگین: نسبی / معطر: مطلق / صمیمانه: نسبی / کودکانه: نسبی / بی‌درد: مطلق / اهورایی: نسبی / عددیین: صفت فاعلی مرکب مرخم

۲۲۷ در این گزینه واژه «این» صفت اشاره است؛ چون به اسمی که پس از این واژه آمده اشاره می‌کند در گزینه‌های دیگر «این» ضمیر اشاره است که می‌توان به مکث یا ویرگولی که در معنا پس از این واژه قرار می‌گیرد، توجه کرد.

۲۲۸ برگستوان از واژه‌هایی است که در زبان فارسی متروک و حذف شد است و به کار نمی‌رود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

«کرسی» در معنای «تخت»، شوخی در معنای «گستاخی» و آچار در معنای «چاشنی غذا» امروزه تحویل معنایی یافته‌اند.

۲۲۹ این واژه سپر در گذشته به معنای «وسیله دفاعی در جنگ» بوده که امروزه نیز با حفظ این معنا وسیله‌ای در دوچرخه است.

گزینه‌های دیگر:

۲ شوخ: معنایش عوض شده است در قدیم به معنای «چرک» بوده، اما امروز بذله گو معنا می‌دهد.

۳ سوفار: در گذشته به معنای «دهانه تیر» بوده و امروزه حذف شده است.

۴ سوگند: در گذشته به معنای «نوعی دارو شبیه گوگرد» بوده، اما امروزه مجازاً به معنای «قسم» است.

۲۳۰ در این گزینه «ان» در دو واژه «دل‌افسردگان» و «غافل‌نهادان» نشانه جمع است.

۱) کوهان: پسوند شباهت / مژگان: پسوند نسبت

۲) کاویان: نسبت / خسروان: پسوند جمع

۳) بامدادان: زمان / گریان: پسوند فاعلی

۲۳۱ «صد گام» در گزینه (۲) قید می‌باشد اما قسمت‌های مشخص شده در سایر گزینه‌ها مفعول می‌باشند.

۱) از هم هفتاد حرب را رد نمودند
مفعول

۳) پس دست خیبرگشا را برافراخت
مفعول

۴) چون شاهد آرزو رخ را ننمود (رخش را نشان نداد)
مفعول

۲۳۲ «ایستادن» در سایر گزینه‌ها در معنای اصلی خود یعنی مخالف «نشستن» به کار رفته است؛ حال آن که در گزینه (۲) در معنای «مقاومت کردن» است.

۲۳۳ در این گزینه ترکیب وصفی وجود دارد (چنین جای - این وقت - خمر بهشتی)، اما در مقابل آن دو ترکیب نوشته شده است.

ترکیب‌های وصفی موجود در گزینه‌های دیگر:

گزینه (۱): درختان سبز - هر ورق (دو)

گزینه (۲): همه شکل - همه جای - عشوه شیرین - عشوه شکرخای (چهار)

گزینه (۴): آن طایر - طایر قدسی - عمر بگذشته (سه)

۲۳۴ در گزینه: (۳) حرف را بین مضاف و مضاف‌الیه آمده است:

شیخ ما را چشم ← چشم شیخ ما (را علامت فک اضافه است).

بررسی «را» در سایر گزینه‌ها

گزینه (۱): شیخ را گفت ← به شیخ گفت: «را» حرف اضافه است.

گزینه (۲): آن را نوشتم ← «را» نشانه مفعول است.

گزینه (۴): درویشی را بنشانده ← مفعولی است / او را چیزی می‌نوشتم ← برای او: «را» حرف اضافه است.

۲۳۵ در این گزینه «را» در مصرع (۱) نشانه مفعولی و در مصرع (۲) حرف اضافه است (که از بانگش طرب در دلی خیزد) و سایر گزینه‌ها (فک اضافه)

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱) چو بینم دوست را یک روز دیدار ← یک‌روز دیدار دوست را بینم

گزینه (۲) مرا تا عشق صبر از دل براندست ← صبر را از دل من براندست.

گزینه (۴) تو را در دل درخت مهربانی ← درخت مهربانی در دل تو

۲۳۶ همه کلمات گزینه (۱) دو به دو با هم متضادند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۲) همه واژه‌ها مترادفند جز «فخر و عار» که رابطه معنایی «تضاد» دارند.

گزینه (۳) همه واژه‌ها مترادفند جز «اجل و حیات» که رابطه معنایی «تضاد» دارند.

گزینه (۴) همه واژه‌ها مترادفند جز «مغز و پوست» که رابطه معنایی «تضاد» دارند.

۲۳۷ در گروه اسمی «روز حاجت» «روز» هسته و «حاجت» مضاف‌الیه است و ترکیب اضافی می‌سازد.

گزینه (۱) زمانی دیگر
هسته صفت مبهم

گزینه (۲) آن
فخر
صفت شمارش هسته



گزینۀ ۳) گهر یکدانه

هسته صفت بیانی

* یادآوری: سال گذشته و نیز در دورۀ اول متوسط با ترکیب وصفی و اضافی آشنا شده‌اید. الگوهای ترکیب وصفی و اضافی:

انواع ترکیب وصفی ۱- صفت پیشین اشاره، مبهم، تعجبی شمارش و ... + هسته مثال: این کلاس و ...

۲- هسته + صفت بیانی، صفت شمارشی مثال: سالِ نکو، سالِ اول

انواع ترکیب اضافی ۱- هسته + اسم - مثال: کشور ایران
اسم

۲- اسم + ضمیر متصل - مثال: کتابم، دوستش

۲۳۸) ۱ ۲ ۳ ۴ در گزینه‌های «۲»، «۳» و «۴»، «شد» به معنای «رفتن» است. اما در بیت گزینۀ «۱»، «شد» در معنای «گردید» است.

۲۳۹) ۱ ۲ ۳ ۴ در این گزینه نقش تبعی دیده نمی‌شود در گزینه‌های دیگر:

۱) واژه «گدا» معطوف است چون پس از «واو عطف» آمده.

۲) واژه «خود» بدل است.

۴) فعل «رفتم» در هر دو مصراع تکرار شده که یکی از نقش‌های تبعی است.

۲۴۰) ۱ ۲ ۳ ۴ «را» در جمله نخست به معنی «به» و حرف اضافه است؛ یعنی «به لقمان گفتند»: «لقمان» متمم است.

چه چیز را آموختی؟ ادب را - ادب مفعول است.

«از» حرف اضافه است و هر چه بعد از آن بیاید متمم است. «که» به معنی چه کسی و بی‌ادبان، هر دو متمم هستند.

۲۴۱) ۱ ۲ ۳ ۴ اوج مراتب انسانی واژه (انسان + ی) صفت، مضاف الیه و مشتق است

۲۴۲) ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و بیت‌های «ب» و «د» اراده و نظر الهی است. با این توضیح که اگر عقل و خرد هدایتگرند، این راهگشایی را خداوند به او عطا کرده است.

مفهوم بیت «الف»: توصیف زیبایی و دلربایی زلف معشوق است. عقل چون چراغی است که از زلف او روشنایی یافت.

مفهوم بیت «ج»: علت آفرینش خود شناختن خدا و دلیل بینایی آدمی عبرت و ترسیدن از اوست.

۲۴۳) ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم این گزینه، وابستگی به جهان مادی است.

۲۴۴) ۱ ۲ ۳ ۴ در گزینۀ ۳ دو بیت، مفهومی کاملاً متفاوت دارند:

بیت اول: ناتوانی انسان در ستایش وصف خداوند

بیت دوم: شاعر معتقد است همه موجودات حمد و ثنای خدا می‌کنند.

۲۴۵) ۱ ۲ ۳ ۴ معنی عبارت: هر چیز به ریشه خود بازمی‌گردد. / پیام سه گزینۀ دیگر هم، مانند عبارت، «بازگشت به اصل» است که باتوجه به مضمون عرفانی عبارت و گزینه

ها می‌توان آن را «بازگشت به سوی خدا» تعبیر کرد. هرچند گزینۀ ۲ هم به ارتباط اصل و فرع اشاره می‌کند، تقریباً مفهومی عکس مفهوم صورت سؤال دارد؛ گزینۀ (۳) اصل را پیرو فرع می‌داند،

چنان‌که مادر (اصل) جویای فرزند (فرع) معرفی شده است.

۲۴۶) ۱ ۲ ۳ ۴ در این گزینه نیز مانند گزینۀ مورد سؤال بر خموشی و رازداری تأکید شده است؛ اما گزینه‌های دیگر با بیت مورد سؤال تقابل دارد؛ چون خموشی را غیرممکن دانسته است.

۲۴۷) ۱ ۲ ۳ ۴ در متن صورت سؤال فقط به مدارا و مهربانی سفارش شده است اما در گزینۀ ۳ سعدی می‌گوید درشتی و نرمی با هم خوب است.

۲۴۸) ۱ ۲ ۳ ۴ مصراع صورت سؤال و بیت گزینۀ «۱» بیانگر این مفهوم اند که عزّت و ذلّت به اختیار خداوند است: «تَعَزَّ مِنْ تَشَاءٍ وَ تُذَلَّ مِنْ تَشَاءٍ»

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینۀ «۲»: شاعر آرزو یا دعا می‌کند که کسی را که بخت تو بلندش کرده، پست نشود و کسی که بخشش تو عزیز گردانده است، خوار نگردد.

گزینۀ «۳»: شاعر انسان را مانند گیاهی می‌داند که رشد می‌کند، پس تنزل می‌یابد. (می‌پژمرد)

گزینۀ «۴»: در این بیت شاعر از این که بنده خداوند است، خود را صاحب عزّت و سعادت‌مند می‌داند.

۲۴۹) ۱ ۲ ۳ ۴ رندان پارسا «تناقض» دارد. رند یعنی لالایی و زیرک، در ترکیب «رند پارسا» دو مفهوم متناقض طوری کنار هم قرار گرفته‌اند که قابل جمع کردن نیستند.

۲۵۰) ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم گزینه‌های ۱، ۳ و ۴: تا زمانی که تلاش و کسب روزی به خواست و اراده خداوند نباشد، آن تلاش بی‌نتیجه خواهد بود.

مفهوم گزینۀ ۲: کسب رزق و نعمت با سعی و کوشش خود

۲۵۱) ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم این گزینه «جاه‌طلبی» است که لازمه ذات انسان دانسته شده است؛ در حالی که در گزینه‌های دیگر، توصیه شاعر بر «رهایی از هوای نفس و جاه‌طلبی» است.

۲۵۲) ۱ ۲ ۳ ۴ شاعر از مخاطب (خداوند) می‌خواهد که جسم خاکی‌اش را در آتش خشم و عذاب نسوزاند.

مفهوم مشترک ابیات گزینه‌های «۱»، «۲» و «۴»، لزوم ترک هوای نفسانی و تعلقات مادی برای رسیدن به کمال است.

۲۵۳) ۱ ۲ ۳ ۴ در این گزینه نیز مانند صورت سؤال بر مفهوم دست یافتن به حقیقت با وجود همه مشکلات و نقص‌ها تأکید شده است.

بررسی گزینه‌های دیگر:

۱) تأثیر دعا و اشک در سرنوشت انسان‌های گرفتار

۲) دل بی‌نوی عاشق همراه با سودای عشق معشوق است.

۳) شوق عاشق برای رسیدن به معشوق

۲۵۴) ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم گزینۀ ۴: عدم تلاش برای کسب روزی؛ زیرا که رزق و روزی مقدر است. مفهوم مشترک بین صورت سؤال و گزینه‌های ۱، ۲ و ۳: سعی و تلاش برای

کسب رزق و روزی.



۲۵۵) ۱ ۲ ۳ ۴ در سایر ابیات، این نکته آمده است که افراد سطحی و خام، سوز دل عارفان و اندیشمندان را در نمی‌یابند.
۲۵۶) ۱ ۲ ۳ ۴ شاعر در این بیت می‌گوید باید در جنگ ادوات و سلاح‌های بیشتری تهیه کرد و با نیروهای آماده به میدان رفت چرا که باعث ترس دشمنان می‌شود، اما ابیات دیگر از شجاعت و دلاوری صحبت می‌کنند و اینکه مرگ نباید باعث هراس و فرار از میدان جنگ و جنگجویان گردد.

۲۵۷) ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم مشترک عبارت صورت سؤال و گزینه ۴، ترک تعلّق از دنیا برای رسیدن به شادی است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱) ضرورت تلاش و همت برای ترک تعلّق

گزینه ۲) بی‌بهره بودن از جهان علیرغم شایستگی

گزینه ۳) تأکید بر مفید بودن

۲۵۸) ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم صورت سؤال این است که باید به خوی و خصال خویشتن متکی بود و نه به آبا و اجداد خود که در گزینه ۳ به مضمون دیگری اشاره دارد که خردمند باید در پی نام نیک آرزوی زیستن داشته باشد و گزینه‌های دیگر با صورت سؤال مفهومی یکسان دارند.

۲۵۹) ۱ ۲ ۳ ۴ در این گزینه داروی درد عشق را صبر بیان می‌کند در حالی که در گزینه‌های دیگر می‌گوید درد عاشقی درمانی ندارد.

۲۶۰) ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه ۴: هر کسی، محرم راز عشق نیست.

بررسی مفهوم دیگر گزینه‌ها:

گزینه ۱: شکوه از بی وفایی معشوق

گزینه ۲: ادعای عاشقی بسیار آسان است و دلیل بر عشق حقیقی نیست.

گزینه ۳: بلاکشی عاشق: رنج عشق برای عاشق لذت بخش است.

۲۶۱) ۱ ۲ ۳ ۴ صورت سؤال به ناپایداری جهان هستی اشاره دارد که این مضمون در گزینه ۲ نیز دیده می‌شود.

۲۶۲) ۱ ۲ ۳ ۴ در این گزینه مانند صورت سؤال گدایی عامل رسوایی عنوان شده است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: رسوایی مورد پسند است چون به درد گدا می‌خورد تا کاسه در دست بگیرد

گزینه ۲: خواری عامل عزت و سربلندی ماست.

گزینه ۳: در گدایی به مقام شاهی رسیدن.

در واقع همه گزینه‌ها به جز گزینه ۴ با بیت سؤال تقابل معنایی دارد.

۲۶۳) ۱ ۲ ۳ ۴ در این گزینه شاعر می‌گوید که شرط رسیدن به حقیقت رها شدن از مادیات و وابستگی‌هاست اما در سه گزینه دیگر مانند گزینه مورد سؤال بر این نکته تأکید شده است که کسانی که خود را به تاریکی و جهل عادت داده‌اند از نور گریزان هستند.

۲۶۴) ۱ ۲ ۳ ۴ هوشنگ ابتهاج در بیت «الف» معتقد است که من همچون درختی هستم که نه سایه‌ای دارد و نه میوه‌ای اگر این درخت افکنده شود سزاست ولی تقابل این معنی در بیت «ب» دیده می‌شود که شاعر معتقد است تبر با درختی که برو میوه و برگی دارد پیوند دارد.

۲۶۵) ۱ ۲ ۳ ۴ یعنی ای کسانی که از ترس خداوند جهان دل بریده‌اید و نمی‌ترسید.

۲۶۶) ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم «ناتوانی انسان در توصیف معشوق (خداوند)» مشترکاً در ابیات گزینه‌های «۱» و «۲» مطرح شده است، اما شاعر در بیت گزینه ۳، می‌گوید: من نمی‌توانم معشوق را تماشا نکنم (نمی‌توانم تماشای معشوق را ترک کنم).

۲۶۷) ۱ ۲ ۳ ۴ در این گزینه حیرانی و ناآگاهی از گزینه ۲) بیشتر است بنابراین مفهومش به صورت سوال نزدیک‌تر است.

۲۶۸) ۱ ۲ ۳ ۴ در این گزینه حسن سیرت و صورت همراه با هم مطرح شده است حال آن‌که در گزینه‌های دیگر فقط حسن سیرت آمده است.

۲۶۹) ۱ ۲ ۳ ۴ در این گزینه می‌گوید عابد واقعی کسی است که در میان خلق باشد و عبادت کند و این مفهوم در صورت سؤال نیز مطرح شده است.

در بررسی گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱: نیکی به مردم

گزینه ۲: شجاعت و حریف طلبیدن

گزینه ۳: شیفتگی و سر به کوه و بیابان زدن از غم فراق

۲۷۰) ۱ ۲ ۳ ۴ با مفهوم عبارت صورت سؤال که در مورد «نکوهش، گوشه‌گیری و زُهد خشک و بدور از مردم بودن» است کاملاً هم سو و یکسان است.

گزینه ۱ و ۲ کاملاً برعکس مفهوم عبارت صورت سؤال است، زیرا گوشه‌نشینی و دوری از خلق را توصیه می‌کند و می‌ستاید.

گزینه ۳ هم به نحوی گوشه‌گیری را و دور بودن از مردم را توصیه می‌کند.

۲۷۱) ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم بیت سؤال: ناپایداری دنیا و سفارش به دل‌نستن به دنیا است و نظیر این مفهوم در ابیات ۱، ۲، ۳ یافت می‌شود.

مفهوم بیت ۴: دل انسان خانه حق تعالی است و نباید در دل حبّ و دوستی دنیا جای بگیرد.

۲۷۲) ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم بیت گزینه ۴: اشک ریختن عاشق برای آگاهی یافتن از معشوق

مفهوم بیت صورت سؤال و ابیات سایر گزینه‌ها: زودگذری و ناپایداری دنیا

۲۷۳) ۱ ۲ ۳ ۴ در این گزینه عنوان شده است که خداوند در همه پدیده‌ها به روشنی دیده می‌شود اما در صورت سؤال بر پنهان بودن خداوند در عین آن‌که آفرینش آشکاری دارد مورد تأکید قرار گرفته است.

۲۷۴) ۱ ۲ ۳ ۴ «بی‌اهمیت بودن ملامت و زخم منکران برای عاشق» پیام مشترک بیت صورت سؤال و گزینه ۳، است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: دل عاشق زهد را انکار می‌کند.

گزینه ۲: بسیاری زخم همنشینان بر پهلوی من، بند قبا را چون تیر برایم دردناک کرده است.

گزینه ۴: محتشم زخم یار را به جان می‌خرد و مدعی از حسادت هلاک می‌شود.



کسی را که خدا عزیز گرداند همهٔ مردم جهان نمی‌توانند او را خوار کنند. ۱ ۲ ۳ ۴ ۲۷۵

عاشق به دیدار معشوق قانع است. اگر هم محروم شود راهی برای دیدار می‌یابد. ۱ ۲ ۳ ۴ ۲۷۶

مفهوم گزینه‌های ۲، ۳ و ۴ مشترکاً بر «قناعت پیشگی» تأکید دارد.

مفهوم گزینهٔ ۴: عاشق با شنیدن نام دوست، مست و مدهوش می‌شود. ۱ ۲ ۳ ۴ ۲۷۷

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: تلاش و کوشش و وابسته نبودن به دیگران (= خودکفایی)

شاعر می‌گوید زیادی مال دنیا سبب دردسر است (قناعت). ۱ ۲ ۳ ۴ ۲۷۸

در بررسی گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ ۱: دعوت به شادکامی و پرهیز از غم.

گزینهٔ ۳: این گزینه با مفهوم «قناعت» تقابل دارد.

گزینهٔ ۴: ستایش معشوق و این که بندگی معشوق آزادگی و ثروتمندی است.

کُل شیء یرجع الی اصله: هر چیزی سرانجام به اصل خود باز می‌گردد که در بیت ۱ شاعر دل را قطره‌ای از دریای عشق می‌داند که اشک از راه چشم به این دریای عشق باز می‌گردد. ۱ ۲ ۳ ۴ ۲۷۹

در بیت صورت سؤال، سخن از جدایی عاشق از معشوق و بیان درد هجران است و مفهوم مقابل (متضاد) آن در گزینهٔ ۲ آمده است که عاشق با دیدار معشوق به شوق و وجد می‌آید و فریاد شادی سر می‌دهد. ۱ ۲ ۳ ۴ ۲۸۰

مفهوم گزینه‌های ۲، ۳ و ۴: ناتوانی عقل در برابر عشق است؛ اما در گزینهٔ ۱ «بی‌اثر بودن افسون عشق در عقل» بیان شده است.

مفهوم مشترک: سنگینی فراق دوستان سنگ را به ناله می‌آرد. ۱ ۲ ۳ ۴ ۲۸۱

در گزینهٔ ۳ به تجربهٔ سفر اشاره دارد و سایر گزینه‌ها به این که افراد بی‌خبر از عشق حال عاشق را درک نمی‌کنند. ۱ ۲ ۳ ۴ ۲۸۲

صورت سؤال و گزینهٔ ۳ به ازلی بودن عشق الهی در وجود انسان اشاره می‌کند. ۱ ۲ ۳ ۴ ۲۸۳

یکی از مفاهیم بسیار پرکاربرد ادبیات خاصه ادبیات عرفانی این است که خداوند را هیچ موجودی نمی‌تواند ببیند و او با تمام بزرگی و عظمت از چشم خلاق پنهان است، این مفهوم در صورت سؤال و بیت گزینهٔ ۲ هم دیده می‌شود، این که خداوند دلیل و علت تمام مخلوقات است اما هیچ مخلوقی نمی‌تواند او را درک کند چه برسد به اینکه او را ببیند. ۱ ۲ ۳ ۴ ۲۸۴

در این گزینه عزلت و گوشه‌نشینی مورد سرزنش واقع شده است اما گزینه‌های دیگر در ستایش گوشه‌نشینی است. ۱ ۲ ۳ ۴ ۲۸۵

در این گزینه خوشبختی مطرح شده است اما در گزینه‌های دیگر مانند بیت مورد سؤال بدقابلی مورد بحث است. ۱ ۲ ۳ ۴ ۲۸۶

در گزینهٔ ۱ به بیداری و راز و نیاز شبانه اشاره شده است؛ اما در گزینه‌های ۲، ۳ و ۴، بر ترک تعلقات دنیوی و کنار گذاشتن وابستگی‌ها تأکید شده است. ۱ ۲ ۳ ۴ ۲۸۷

در این گزینه بر غمی که انسان در این دنیا متحمل می‌شود، تأکید شده است؛ حال آن که در گزینه‌های دیگر از بی‌ثباتی دنیا و دل‌نپستی بر آن سخن رفته است. ۱ ۲ ۳ ۴ ۲۸۸

در این گزینه مسیر حرکت از بالا به پایین است اما در گزینه‌های دیگر رفتن به بالا یعنی عالم معنا مورد بحث است. ۱ ۲ ۳ ۴ ۲۸۹

در این گزینه نیز مانند بیت مورد سؤال بر این نکته تأکید شده است که صبر بر دوری و هجران از معشوق ممکن نیست اما در گزینه‌های دیگر شاعر مخاطب را به صبر دعوت می‌کند. ۱ ۲ ۳ ۴ ۲۹۰

گزینهٔ الف: در ستایش خرد است حال آن که بیت مورد سؤال از تأثیر گذاری پیران سخن گفته است. ۱ ۲ ۳ ۴ ۲۹۱

گزینهٔ د: از لطف و خلق و خوی شفا بخش معشوق سخن به میان آورده که از بیت مورد سؤال دور است. ۱ ۲ ۳ ۴ ۲۹۲

مفهوم بیت صورت سؤال این است که هر کسی که غم معشوق و سختی‌های راه عشق را نچشیده باشد، اصلاً لایق و محرم عالم عاشقی نیست. این مفهوم در ۱ ۲ ۳ ۴ ۲۹۳

گزینهٔ ۱: هم موجود است که می‌گوید: کسی که سختی‌های راه عشق را نچشیده باشد و خودش را در این سختی‌ها و مشکلات محک نزده باشد، اصلاً از عشق چیزی نفهمیده است.

مفهوم گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ ۲: کسی که نداند عشق همراه با رسوایی و انگشت‌نمایی در میان خلق است، پس چیزی از عشق نمی‌داند.

گزینهٔ ۳: درد عشق هیچ درمانی ندارد و ناله‌های عاشق چیز عجیب‌وغریبی نیست.

گزینهٔ ۴: کسی که عاشقی را درک نکرده باشد، هم‌چون مرده‌ای متحرک است که از نعمات جهان هیچ بهره‌ای نبرده‌است.

مورد «د» بر «اخلاص عمل» تأکید دارد؛ چون شاعر تأکید می‌کند که حضرت علی شمشیر را به خاطر خداوند و با نام او مورد استفاده قرار داده است. ۱ ۲ ۳ ۴ ۲۹۴

مورد «الف» بر راسخ بودن اشاره دارد؛ بیفشرد چون کوه پا بر زمین (اصرار و پافشاری در تصمیم). مورد «ب» بر ناکامی تأکید دارد؛ چو نمود رخ شاهد آرزو (وقتی هر دو طرف در هدف خود ناکام ماندند)

مورد «ج» بر تأیید الهی تأکید می‌کند: بزد بوسه بر دست او جبرئیل.

در این گزینه نیز مانند بیت مورد سؤال شرط رسیدن به معشوق، سکوت و خاموشی دانسته شده است. ۱ ۲ ۳ ۴ ۲۹۵

گزینه‌های دیگر:

۱) دوری از پرحرفی

۲) دعوت به سکوت از ترس نابودی

۳) دعوت به سکوت برای رسیدن به آگاهی

مفهوم گزینهٔ (۲): ناپایداری نعمت دنیوی / مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: دشمنی روزگار با اهل دانش و هنر ۱ ۲ ۳ ۴ ۲۹۶

این بیت مفهومی کاملاً مقابل نسبت به بیت مورد سؤال دارد. در بیت مورد سؤال بر مبارزه با نفس تأکید شده است؛ اما در گزینهٔ ۲ شاعر می‌گوید به عجز و ناتوانی در راه مبارزه با نفس اعتراف باید کرد (در بیت مورد سؤال سخن از عدالت فریدون نیست، پس نباید ذهن دواطلب به آن طرف کشیده شود).

گزینه‌های دیگر:

۱) دوری از هوای نقش

۳) مفهومی نزدیک به بیت مورد سؤال و دعوت به عدل و دین‌داری.



۴) بی‌فایده بودن گنج فریدون (عدالت)

۲۹۸) ۱ ۲ ۳ ۴ در بیت سؤال و بیت ۳ به صفت «کرم و بخشش الهی» اشاره شده است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱) بی‌کرانگی عشق - تقابل عشق و عقل

گزینه ۲) ناتوانی انسان در درک و شناخت خدا

گزینه ۴) تحمل سختی‌ها در راه عشق

۲۹۹) ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم بیت ۲: عقل، انسان را به سوی خدا راهنمایی می‌کند و انسان را به خدا می‌رساند.

اما مفهوم بیت سؤال: ناتوانی عقل و خرد در شناخت خداوند.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱) سفارش به دید خردگرا داشتن در راه شناخت خدا.

گزینه ۳) ناتوانی عقل در وصف و شناخت خداوند.

گزینه ۴) همه پدیده‌ها در تسخیر خداوند هستند. (قدرت الهی)

۳۰۰) ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌های ۲، ۳ و ۴ «خودکفایی و وابسته نبودن به دیگران» است. مفهوم گزینه ۱) «پنهان بودن گنج زر» است.

۳۰۱) ۱ ۲ ۳ ۴ بیت صورت سؤال و گزینه‌های ۱، ۳ و ۴ بر «تلاش و همت عالی و ترجیح آن بر زور بازو» تأکید دارد. گزینه ۴ می‌گوید بخشش ناتمام راه و رسم انسان‌های

بلند همت نیست.

۳۰۲) ۱ ۲ ۳ ۴ این گزینه در تقابل با صورت سؤال است؛ چون در صورت سؤال نیکی دیدن نتیجه نیکی کردن دانسته شده است؛ اما در این گزینه می‌گوید نتیجه نیکی کردن

تحمل غم و غصه است.

در گزینه‌های دیگر نیکی کردن ستایش شده است.

۳۰۳) ۱ ۲ ۳ ۴ در این گزینه سخن از قناعت نیست بلکه شاعر می‌خواهد بگوید به دوری از معشوق راضی است اما در گزینه‌های دیگر از «قناعت» سخن به میان آمده است.

۳۰۴) ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم گزینه ۳ انسان‌های نرم‌خو هرگز درشتی و تندى نمی‌کنند و با دیگران مدارا می‌کنند همچنان که نرمی مغز پسته با مدارا پوسته سخت پسته را می

شکافد.

بررسی سایر گزینه‌ها

مفهوم گزینه ۱: سرزنش تندخویی و نتایج بد آن است.

مفهوم گزینه ۲: خوشایند بودن قهر و خشم معشوق برای عارف

مفهوم گزینه ۳: سرزنش دوستی با دشمنان

۳۰۵) ۱ ۲ ۳ ۴ در بیت سؤال و بیت گزینه ۳، مفهوم این است که: زنگی هم خوشی دارد هم ناخوشی

۳۰۶) ۱ ۲ ۳ ۴ در دیگر بیت‌ها سخن از این است که «رنگ رخسار خبر می‌دهد از سر درون» لیک در این گزینه می‌گوید که اگر از پرده راز ما بُرون افتد شگفتی ندارد.

۳۰۷) ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم عبارت سؤال به «دوری از زهد منفی» و «دوری از گوشه‌نشینی» اشاره می‌کند. در مصراع دوم گزینه ۴) نیز شاعر آرزو می‌کند که با رفیقانش به سفر

برود و گوشه‌نشین نباشد.

۳۰۸) ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم بیت سؤال: عشق کار انسان‌های بی‌کار است و شخص عاقل با عشق و عاشقی تناسبی ندارد (در حقیقت در ستایش عقل و انکار عشق است.)، که با سایر

گزینه‌ها به ظاهر در تقابل است.

مفهوم گزینه‌های ۱، ۳ و ۴: هر که عاشق نیست بی‌کار است و بهتر است عقل را رها کرد (این ابیات برخلاف بیت صورت سؤال در ستایش عشق و در انکار عقل هستند یعنی همگی در تقابل با بیت

صورت سؤال هستند).

مفهوم بیت ۲: وقتی به عالم لامکان رسیدم کار بیهوده انجام نمی‌دهم (حرفی از تقابل عقل و عشق زده نشده است).

۳۰۹) ۱ ۲ ۳ ۴ دعوت به بخشش دارایی مفهوم مشترک گزینه‌ها و صورت سؤال است.

گزینه ۳) دعوت به عفو کردن و گذشتن از گناه کرده است.

۳۱۰) ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و عبارت گزینه ۳ این است که همه انسان‌ها باید در همه لحظات زندگی و برهه‌های مختلف تلخ و شیرین روزگار باهم

یکدل و موافق باشند و باهم همدردی کنند.

۳۱۱) ۱ ۲ ۳ ۴ در این گزینه مفهوم بیت «اقرار به ناتوانی در دانستن دانش‌ها» مطرح شده است.

۳۱۲) ۱ ۲ ۳ ۴ «فرهاد و شیرین» اثر «وحشی بافقی» است البته «خسرو و شیرین» یکی از پنج گنج نظامی گنجوی است.

۳۱۳) ۱ ۲ ۳ ۴ در عبارت صورت سؤال و گزینه‌های ۱، ۲ و ۳، بر رعایت و برقراری عدالت تأکید شده است.

در گزینه ۴) می‌گوید: اگر چه شخص عادل و راستگو تنها و بی‌کس باشد، راستی برای او همچون نگهبانی خواهد بود.

۳۱۴) ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم گزینه‌های ۱، ۲ و ۳: تا هنگامی که همه چیز را در اختیار داری از دیگران کمک نگیر.

۳۱۵) ۱ ۲ ۳ ۴ طوطی نماد تقلید است. حافظ در این بیت معتقد است که آنچه رفتار و حرکت و روش زندگی اوست تقلید به جایی است که از استاد ازل و باری تعالی انجام می

دهند.

۳۱۶) ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم بیت ۴: «راضی و خشنود بودن به درد در زمانی که درمانی نیست» اما مفهوم سایر گزینه‌ها به «قناعت به مال کم دنیایی» اشاره دارد.

۳۱۷) ۱ ۲ ۳ ۴ در این گزینه شاعر به مخاطب توصیه می‌کند که خود را از وابستگی‌های دنیا برهاند اما در گزینه‌های دیگر مانند بیت مورد سؤال بر معاد و روز رستاخیز تأکید

شده است.

۳۱۸) ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم عبارت صورت سؤال و بیت گزینه ۱) ستایش قناعت است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲) امروز که زنده هستی ببخش.



گزینهٔ (۳): نمی‌توان به طور شایسته از نعمت‌های خداوندی سپاس‌گزاری کرد؛ چون بی‌شمارند.

گزینهٔ (۴): سپاسگزار بودن انسان در برابر نعمت‌های الهی.

پیام گزینه‌های ۲، ۳ و ۴، «رحمت بعد از قهر» است که این مفهوم در گزینهٔ «۱» دیده نمی‌شود. **۳۱۹** ۱ ۲ ۳ ۴

در این گزینه بر ملا شدن راز عشق مورد تأکید قرار گرفته است حال آن‌که سایر گزینه‌ها از ارزشمندی عشق سخن به میان آمده است. **۳۲۰** ۱ ۲ ۳ ۴

در این گزینه معنای واژهٔ «پیر» راهنما و هدایتگر است اما در گزینه‌های دیگر این واژه به معنای سالخورده و ناتوان است. **۳۲۱** ۱ ۲ ۳ ۴

در این گزینه نیز مانند بیت مورد سؤال شاعر آنچه را که از معشوق می‌بیند؛ می‌پسندد، چون وجود معشوق بسیار ارزشمند است. **۳۲۲** ۱ ۲ ۳ ۴

در گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ ۱: در این گزینه بر دلپذیری سخن تأکید رفته است که از بیت مورد سؤال بسیار دور است.

گزینهٔ ۲: از ناز معشوق و زیبایی او و نیازمندی عاشقان به او سخن رفته است.

گزینهٔ ۴: چیزی ارزشمندتر از معشوق نیست.

بیت «ج»: غبطه‌خوردن به حال عاشقی که شب و روز با معشوق و یار است. **۳۲۳** ۱ ۲ ۳ ۴

بیت «ب»: بیانگر پذیرفتن سختی عشق و نیکو دانستن درد عشق است.

بیت «د»: بیانگر رها شدن عاشق از همهٔ غم‌ها به واسطهٔ عشق و پیوستن به معشوق است.

بیت «الف»: توکل داشتن و تکیه داشتن به معبود و هراس‌نداشتن از لغزش‌ها

مفهوم ابیات «الف» و «د» تداعی‌کنندهٔ مفهوم «تقابل عشق و عقل» است. **۳۲۴** ۱ ۲ ۳ ۴

مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینهٔ ۴، سرزنش رهبانیت و زهد منفی است. در این بیت گوشه‌نشینی و ترک دنیا مورد سرزنش قرار گرفته است. **۳۲۵** ۱ ۲ ۳ ۴

این گزینه از زبان پدر مجنون است حال آن‌که گزینه‌های دیگر از زبان «مجنون» بیان شده است. **۳۲۶** ۱ ۲ ۳ ۴

مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینهٔ ۱ به ماجرای خلقت انسان اشاره می‌کنند. **۳۲۷** ۱ ۲ ۳ ۴

مفهوم مشترک گزینه‌های ۲ و ۴، «حقیقت عشق را هر کسی درک نمی‌کند و برای درک آن، شخص هم درد و درد آشنا لازم است، اما در بیت گزینهٔ «۳»

با اشاره به تأثیر زیاد باده و شراب می‌گوید: ساقی در جام شراب چه ریخته‌ای، که حریفان هنوز در خواب‌اند؟

در گزینه‌های ۲ و ۳ و ۴ به آیهٔ شریفهٔ سورهٔ احزاب اشاره دارد که مضمون آن بار امانت الهی است که بر دوش انسان نهاده شده ولی در گزینهٔ ۱ به جهل و **۳۲۹** ۱ ۲ ۳ ۴

سرمستی انسان اشاره دارد.

مفهوم بیت گزینه‌های ۲، ۳ و ۴، «عجین شدن عشق با ذات انسان» و مفهوم بیت گزینهٔ «۱»، «ارزش‌بخشی عشق» است. البته از مصراع اول مفهوم «غم‌دوستی **۳۳۰** ۱ ۲ ۳ ۴

عاشق» نیز قابل دریافت است.

در این گزینه شاعر خود را هوادار معشوق می‌داند اما در سایر گزینه‌ها فدا شدن در راه وطن مورد تأکید قرار گرفته است. **۳۳۱** ۱ ۲ ۳ ۴

مفهوم گزینهٔ ۳، اوج غم و اندوه شاعر است. اما مفهوم سایر گزینه‌ها و عبارت سؤال به توصیف غفلت و ناآگاهی مردم جامعه می‌پردازد. **۳۳۲** ۱ ۲ ۳ ۴

۳۳۳ ۱ ۲ ۳ ۴

مفهوم مشترک بیت سوال و گزینهٔ ۲: سزای بی‌ثمری نابودی است. **۳۳۴** ۱ ۲ ۳ ۴

بررسی موارد در سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ ۱: بی‌تعلقی موجب سعادت است

گزینهٔ ۳: نكوهش دل بستن به دنیا

گزینهٔ ۴: نكوهش دل بستن به دنیا

ابیات این گزینه به بی‌ارزشی ارزش‌ها اشاره دارد. **۳۳۵** ۱ ۲ ۳ ۴

در این گزینه گوشه‌نشینی اهل نظر و سکوت آنان مطرح شده است؛ حال آن‌که در گزینه‌های دیگر مانند بیت مورد سوال بر وارونه شدن اوضاع تأکید شده **۳۳۶** ۱ ۲ ۳ ۴

است.

گزینه‌های ۱ و ۲ و ۳ بیت، به یزدان هر آن کس که شد ناسپاس / به دلش اندر آید ز هر سو هراس، اشاره دارد ولی بیت ۴ به هراس انسان از دیو سیرتان **۳۳۷** ۱ ۲ ۳ ۴

اشاره دارد.

مفهوم کنایی مصراع اول یعنی «به مراد و آرزو نرسیدن» که این مفهوم در مصراع اول بیت گزینهٔ «۲» دیده می‌شود. **۳۳۸** ۱ ۲ ۳ ۴

در این گزینه به درویش توصیه شده است که فرصت را غنیمت بشمارد؛ اما در گزینه‌های دیگر بر جهاد نفس و غلبه بر هواهای نفسانی تأکید شده است. **۳۳۹** ۱ ۲ ۳ ۴

بلا: گرفتاری / فراغ: آسودگی / اولی‌تر: سزاوارتر / والّا: وگرنه / طاعنان: خرده‌گیران / مجال: فرصت / وقیعت: بدگویی **۳۴۰** ۱ ۲ ۳ ۴

مفهوم صورت سؤال «ترجیح دادن دیگران بر خود» است و این معنی در گزینهٔ «۲» نیز آمده است. شاعر می‌گوید: از دست‌یابی به مراد خود دوری کن اگر می **۳۴۱** ۱ ۲ ۳ ۴

خواهی در میان بی‌مرادان غمگین نباشی (آنان را بر خود ترجیح بده).

در این گزینه تأکید بر این است که گاهی بین دوستان جدایی می‌افتد. **۳۴۲** ۱ ۲ ۳ ۴

در گزینه‌های دیگر مفهوم مشترکی دیده می‌شود و آن آزمودن دوستان در بلا و مصیبت است.

چون مفهوم کلی بیت سوال این است که با وجود تهیدستی، مثل شاهان بخشنده می‌گردد، با گزینهٔ دوم یکسان است عبارت «از دست خشک سبب آب می **۳۴۳** ۱ ۲ ۳ ۴

چکد»، یعنی با این که تهیدست است، بخشنده نیز هست.

در این گزینه شاعر می‌گوید: «زبان آتشینم هست لیکن در نمی‌گیرد؛ یعنی قدرت بیان دارد؛ اما در کسی تأثیر نمی‌گذارد. در حالی که در متن سؤال می‌گوید: **۳۴۴** ۱ ۲ ۳ ۴

سخنش صادقانه بود و در نهایت همه باور کردند و در آنها تأثیر داشت.



گزینه (۲) به مفهوم " دست کشیدن از کار " اشاره دارد و بر این عقیده است که موجود تنومندی چون فیل به واسطه زور و قدرتش ارتزاق نمی کند بلکه خدا روزی رسان است و رزق هر موجودی را خداوند مقدر کرده است . پس نباید در کسب روزی تلاش نمود. گزینه های ۱ و ۳ و ۴ اشاره می کنند که بی رنج و تلاش، مزد و گنجی به دست نخواهی آورد.

مفهوم گزینه ۴: فدا کردن جان از سوی عاشق هنگام شنیدن و رسیدن پیامی از معشوق
مفهوم سایر گزینه ها: مسکن حقیقی انسان، عالم بالا و نزد معشوق است و ناگزیر به سوی او برمی گردد.

نظیر بیت: «چنین قفس نه سزای چو من خوش الحانیست / روم به روضه رضوان که مرغ آن چمن»

مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه ۳: دعا و آه و گریه عاشق عاقبت محقق است و عاشق به مقصود خود رسید.
مفهوم گزینه های دیگر:

(۱) عشق را نصیب عاشق ساز.

(۲) شکرگزاری عاشق با وجود کشته شدن به دست معشوق.

(۴) عنایت معشوق به عاشق.

در این گزینه سخنی از تقلید نابخردانه نیامده؛ بل از پروردن زشت گوهران و پیامد های ناگوار آن سخن رفته است .

گزینه ۱ / ۲ / ۳ / ۴

«هر روز به طبعی دیگر بودن» ، عدم ثبات رأی را می رساند. مفهوم سایر گزینه ها: گزینه ۱) همت عالی داشتن / گزینه ۲) ناسازگاری معشوق / گزینه ۳) عاشق عیب معشوق را نمی بیند.

در ابیات «الف، ب، ج» به نفی خودباختگی و تقلید کورکورانه اشاره شده است.

گزینه ۱ / ۲ / ۳ / ۴

